

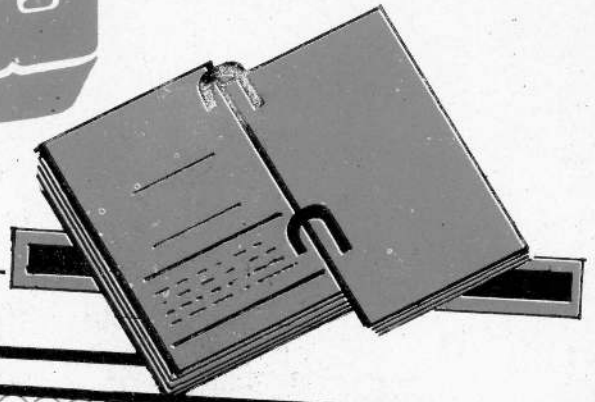
سپاوون

شماره پنجم - آبان ۱۳۶۲ - ۲۷ آبان ۱۳۶۲ - شماره مسلسل (۹) - سال چهارم



Ketabton.com

سپاه ویران



شماره پنجم ماه اسد ۱۳۲۰ سال چهارم شماره مسلسل ۳۹



منار سپاهی کتنام - واقع جاده میوند

روی جلد: گلناره هنرمند تا چمک •
مصاحبه: اوراد رشماره آینسد • بخوانید •

میا میکل

صفحو ۵۰



روپياد هادر سكو

صفحو ۱۴ - ۱۷



هنرمندان ما ميکل

صفحو ۲۲ - ۲۵



ايا چي دښتيد؟

صفحو ۲۹ - ۳۱



گل زمان د ستارونو

صفحو ۲۶ - ۴۷

نهضت روښنگران در ساکها آزادي
صفحو ۶ - ۷

امتياد کنيد!
تقلب در بهر جا و در بهر چر
صفحو ۳۰ - ۳۱

صدا رت به کي تعلق گرفت؟
صفحو ۴۰ - ۴۱

صديق مخترع و اختراعات جديد
صفحو ۷۴ - ۷۵

هويت تحریر
در ویرایش
مضامین دست
باز دارد .

اندیشه و عقاید
مضامین به
نویسندگان
تعلق دارد .

SABAWOON
Monthly Magazine of
Journalists Union of

Afghanistan
Editor-in-Chief
Dr. Z. Tanin

Assistant
M. A. Maroof

Add:
Block 106, 3rd Microrian
Kabul — Afghanistan

مدیرمسئول: دکتور ظفر ظنین
تلفون: ۲۵۹۱۰
معاون: محمد آصف مروف
تلفون: ۶۲۷۵۲
سیکرترمسئول: ضیاء میانی
نشریه انتحاریه ژوند نالستان
خطاب: کیرامیر و محمدنیم
نیکزاد
گسرامیک: نورمحمد ورفیبه
عکاس: شچین گل
نايب: محمدجمعه، خواججه
مرزا محمد و زلمی بویل.
همکاران چاپ: محمد ظاهر
(ظفوری)، عبدالله و عبدالله
آدرس: مکروریان سوم،
بلاک (۱۰۶) ۸ هافانستان
پانک
کابل - افغانستان



دکستهای آزادی

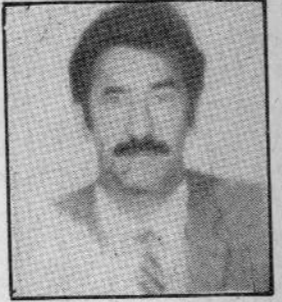
مردم در قیام



دانشمند کاندید اکادمیسین
محمد اعظم حسینی
لطفاً در مورد بزرگترین درس
های تاریخ نبرد استرداد
استقلال کشور در سال ۱۹۱۹
به خواننده گان مجله نظر خود
را ابراز دارید
سال ۱۹۱۹ میلادی یکی
از سالهای پر خاطره و افتخار
برانگیز در تاریخ کشور ماست.
در این سال است که ملت غرور
و شایسته افغانستان به قیام
دست ظاهر و دلبر شاه امان
الله خان برای استرداد
استقلال کشور مردم را به
جهاد علیه انگلیس دعوت کرد
و با استقلال پر شور تمام افشار
و طبقات و اقوام و قبایل ساکن
کشور قرار گرفت. بزودی ممکن
دسته های مجاهد و پیکار
جوی در شهرها و مراکز عمده
کشور آماده گوی خود را برای
جنگ با استعمار انگلیس اعلام
داشتند و در اوایل ماه می
چنگ مقدس میهنی برای استر-
داد استقلال کشور در سه جبهه
شرق، جنوب و جنوب غرب
آغاز یافت و پس از یکماه دشمن
مجبور به مذاکره و قبولی استر-
داد استقلال کشور گردید.
مجاهد صلح را ولیندی میهن

نمایندگان مختار و کشور در
هشتم اگست ۱۹۱۹ میلادی
به امضاء رسید. غازی شاه
امان الله با آنکه با برخی موا
این معاهده موافقت نداشت
سرانجام آنرا بتاريخ ۱۸ اگست
مطابق ۲۸ اسد توشیح نمود و
از آن تاریخ به بعد هر سال در
۲۸ اسد جشن استرداد
استقلال کشور مورد گرامی داشت
قلمبه مردم افغانستان قرار
میگیرد.
بزرگترین درس های کس
میتوان از نبرد سوم افغان
و انگلیس آموخت:
اول: اتحاد و همبستگی و هم-
لی مردم افغانستان در لحظات
دشوار تاریخ است که بدون
تعمیمات قومی و نژادی و لسانی
و دینی و چون تن واحد به
دور شاه امان الله جمع شدند
و سلطه بیگانه را از گردن میدور
انداخته اند.
دومین درس این رخداد و
قطع مداخله بیگانگان در امور
کشور یعنی قطع مداخله در
سیاست داخلی و خارجی است
افغانستان است.
سومین درس بزرگ نبرد
استقلال و برسمیت شناختن
افغانستان بهیچ یک کشور
مستقل و آزاد در نقشه جغرافیا
فهای آسیای جنوب غربی است

چهارمین درس تاریخ
این است که به پیروی از جنبش
استقلال طلبی افغانان
آزادی طلبی و مبارزه در میان
سایر مستعمرات انگلیسی و از
جمله هند برتانوی بیدار شد و از
آنجا به جزایر شرق الهند نیز
سرایت نمود و تعدادی از کشور
های منطقه به آزادی و استقلال
خویش نایل آمدند.
پنجمین درس نبرد استقلال
این است که به مردمان جهان
و استعمارگران ثابت ساخت که
مردم افغانستان مردمانی
آزادی دوست اند و این مردم
به هر قیمتی که باشد آزادی
و هویت خود را حفظ کرده
و میکنند و از هیچگونه قدرت
بیگانه بهم واکتی ندارند.
ششمین درس هم اینست
است که مردم افغانستان
دارای حس سلحشوری و غرور
افغانی اند و هرگاه غرور افغانی
وحیثیت آنان از طرف کسی مورد
توهین و تحقیر قرار گیرد، آنرا
نمی بخشند و تا پای جان
از شرف و حیثیت و وقار افغانی
خویش دفاع مینمایند. حتی
از این روحمه و خصلت آزادی
دوستی و استقلال طلبی
افغانان دانشمندان و فلاسفه
نامدار اروپایی نیز توشیح و
تعریف کرده اند.



سند محترم عبداللهمریسان
لحقاً توضیح بفرمایید که:
رهبران قیام های مردم
در سالهای حصول استقلال در
کدام عناصر به خاطر تشکيل
ساختن ملت های ساکن
در کشور غرض قابل با بیگانه گان
حساب میکردند؟
در رابطه به نفر رهبر
ان قیام های مردم در سالهای
حصول استقلال و عناصری که
ایشان در بسج نیروهای ملی
از آنها علیه اشغالگران خا-
رجی استفاده مینمودند یا-
ید گفت که در طول تاریخ با-
مدت زمان نفوذ استعمار
گران و عناصر و ظنیرست در
هر گوشه و کنار سلطنت درین افشار
طبقات و گروه های مختلفی اعم
از ملیتی و مذهبی و منطقه ای
دست به اقداماتی زدند که
زمینه را برای حصول استقلال
کشور و طرد استعمارگران
از کشور ما مساعد مینمود.
پنجمین در رابطه به مبارزه نیرو
های ملی و ویژه رهبران قیام
های ملی و طرق عملکرد ایشان
باید خاطر نشان ساخت
که از آغاز سلطنت اول امیر
دوست محمد خان در سال
۱۸۳۴ میلادی تا قتل امیر-
حبیب الله خان در سال ۱۹۱۹
انگلیس مابصورت مستقیم یا غیر

مستقیم در امور داخلی و خارجی
کشور مداخله نموده به سر
حاکمیت سیاسی اثر وارد
میکردند، که این وضع اسباب
نگرانی و نارضایتی مردم ما را
هرچه بیشتر فراهم ساخت.
چنانچه در طول دوره امام-
رت امیر حبیب الله خان دست
از روشنفکران کشور بنام مشر-
وطه خواهان غلبه استعمار
گران خارجی و استبداد دا-
خلی و دست مبارزه زدند
و گام های درجهت تنویر افکار
عامه و روشن ساختن از هسان
مردم برداشتند تا جایکه عده
زیاد ازین مبارزین را ما استقلال
و وطن جان های شورین خود را
از دست دادند، اما هیچگاه
این فریاد ایشان فرو نه نشست
زیرا آتش را که ایشان افروخته
بودند، گروه مشروطه خواهان
دوم فرزندان ساختند و قیام
ملی و جنبش آزادی طلبی را
هرچه بیشتر قوام بخشیدند.
از آنجاییکه وجود امیر-
حبیب الله خان بجهت پادشاه
افغانستان یکی از موانع عمده
اراده حصول استقلال کشور
بحساب معرفت لذا عده
از آزادی خواهان در آن مهان
مدتی با تاج و تخت سلطنت
نیز شامل بودند در عهد قتل
وی برآمدند و این برنامه

کلیق پلان طرح شده قبلی
عملی گردید و شاهزاده امان
الله در اس جنبش جدید
قرار گرفت و حکومت جدید
بر رهبری امیر امان الله خان
در همان لحظات نخستین
اعلامه رانی بر جلب حما-
یت مردم و تأمین و تحکیم وحدت
و همبستگی اقشار و طبقات
مختلف مردم افغانستان به
نشر رسانید. در رشتن این
اعلامیه کت مردم برای تحقیق
اندیشه ها و آرمانهای دیر-
ینه شان مبنی بر استقلال
کامل سیاسی افغانستان
یکی از وظایف نخستین ملت
افغانستان را تشکیل میداد.
این اعلامیه که با خواست
و آرمانهای مردم ما مطابقت
داشت مورد استقبال و پشتیبانی
مردم قرار گرفت و در نتیجه قیام
مسلحانه ملی و جنگ رویارویی
با استعمار بیون غارتگر و مستعمر
انگلیس آغاز گردید که مبارزین
ملی و رهبران قیام های مردم
با شعارهای اتحاد و همبستگی
چون مشت واحد در برابر
تجاوزگران انگلیس قیام نمودند
و مردم را به اتحاد و همبستگی
و درجه و تحکیم وحدت ملی
فراخواندند که این پیرو سدر
جبهه قندهار تحت رهبری
بقیه در صفحه (۸۷)

نهضت روشنفکری

نوشته داود سیاروش

اگر به اوراق پریشان تاریخ بدون افتادن به دام اسطوره و یا درک افراطی از مفهوم صادی تاریخ نگاه کنیم و در آن جستارهای از نهضت روشنفکری را در اواخر قرن (۱۹) مطالعه نماییم به وضاحت دیدیم میشود که این موج تاریخی از دوران امیرشهرعلی خان به تلاطم آمده است.

اگر در باره امیر دوست محمد خان استعدادهای استعدادهای از مفکران افغانی را در دهه پنجاه و شصت قرنهای عصر آورده و تحولات و پیروم های متناهی سبب به زمان نداشت، انهرشود علی خان از لحاظ ذهنی - آمادگی پذیرش چنین پیروم ها بود، ولی چون عهد جمال الدین افغانی رقیب سیاسی و برادر شکست خوردده امیر را در صبات تدبیر کرده بود نزد امیر این تشویش پیدا شد که مبادا عهد به پشاه گاه طرفداران محمد اعظم خان در دربار مبدل گردد و روی همین ملاحظه ثواب کار را در آن دید که عهد بدین ملاقات با محمد اعظم خان در اسیران به خارج از کشور برود. روز وداع در ارک بالاد

حصار سود جمال الدین افغانی تمام نظریات و پروگرام های اصلاحی خود را به امیر تقدیم کرد و او وعده داد که آنها را در عمل تحقیق میکند عهد چه نظریاتی داشت: او - در افغانستان دولت قوی مرکزی میخواسته در ایران ترکیه که دولت مرکزی موجود بود رژیم دیوکرات طلب میکرد. در هندوستان و مصر مبارزه ضد استعمار را مشتعل میخواست و در کشور های اسلامی آسیا و آفریقا غرض تمرکز قوا در مقابل اروپای متجاوز اتحاد اسلام (پان اسلامیزم) را شعار میداد. با آنکه تمام مفکوره های سیاسی عهد در حد پذیرش برای دولت امیر قرار نداشت، به هر حال، با رفتن از یک سلسله اصلاحات در کشور آغاز گردید. قوه اجراییه تشکیل شد و دولت مکتب یکی ملکی و دیگری نظامی تا سه سال بعد، مطبوعه با لاجبار بوجود آمد، جریده هفت سالتهار در (۱۶) صفحه به چاپ رسید، کارخانه توپ و تفنگ و پاروت سازی تا سه سال بعد، ولی با حلات پنهان - جوانان انگلیسیها و فرار امیر سلسله این تحولات از حرکت ماند، تا آنکه در دوره امیر -

حبیب الله با رشد نسبی شعور سیاسی بلاثر یک رشته تحولات معین، چون بوجود آمدن فابریکات، مدارس، کتابخانه، مجله مکتب حبیبیه آمدن یک تعداد معلمین هندی به کابل، چون داکتر عبدالعزیز و برادرانش، عودت محمود بیک خان طرزی با مفکوره های تحول طلبانه و برداشت عمیق مصلحتی از وضع جهان روزند - تحولات و نهضت های دنیا، زمین اذهان جوانان را آماده پذیر اندیشه های جوان سپاسی نمود. در این وقت نشرات جمال الدین و مکتب تعداد نشرات دیگر از هندوستان به کشور می آمد و تحولات سیاسی - ترکیه و اینسیران به افکار روشنفکران اثر میگذاشت. در میان قشر جوانان دلچسپی به مطالعه و درک مسائل و رویداد های بین المللی افزایش می یافت. به قول میرغلام محمد تا سه سال بعد، مطبوعه با لاجبار بوجود آمد، جریده هفت سالتهار در (۱۶) صفحه به چاپ رسید، کارخانه توپ و تفنگ و پاروت سازی تا سه سال بعد، ولی با حلات پنهان - جوانان انگلیسیها و فرار امیر سلسله این تحولات از حرکت ماند، تا آنکه در دوره امیر -

خان مامور بار چالانی امیر - پار بیک خان دروازی و غیره جوانانی که در داخل دربار به مطالعات کتب و جراید خارجی می پرداختند و به مسائل سیاسی و اجتماعی داخلی و خارجی دلچسپی میگرفتند.

۲- حزب جمعیت سری ملی که مرکز عهد آن مکتب حبیبیه بود اعضای این حزب علاوه بر رفیرها تیدیل رژیم مطلق العنان را به رژیم دیوکرات میخواستند.

۳- روشنفکران منفردی که خارج حلقه دربار و خارج شتند. مکتب حبیبیه از سال (۱۹۰۳) یعنی سال تاسیس آن تا سال (۱۹۰۹) مرکز داغ - فعالتهای سیاسی حزب - جمعیت سری ملی در کشور بود در این حزب یک حلقه مسلمانان هندی نیز موجود بود که رئیس آنان داکتر عبدالعزیز پنجابی و اعضای آن مولوی نجف علی و مولوی محمد چراغ و دیگران بودند. در مراسم جمعیت منجمله ده هدف - اساسی که بیان شده بود تبدیل حکومت مطلق به حکومت مشروطه، تحصیل استقلال افغانستان و نشر تمدن و فرهنگ جدید در سرلوحه آن قرار

نهضت افغانی

داشت.

با افشای یکر از تصاویر حزب "جمعیت سری ملی" یعنی برای ننگه "مصلح باید بسود" و افتادن لست فعالین جمعیت سری ملی به دست امیر حبیب الله اعضا این سازمان - تصمیم گرفتند عرضه ترتیب - نموده به امیر تقدیم کنند. در غلام محمد که چهارمین از فعالین این حزب به ناساسی لامل محمد خان غلام بچه و جوهر شاه خان غلام بچه و محمد عثمان خان سرورانی و محمد ایوب خان پسر پسرانی و محمد به امیر سپردند. اثرات فکری این گروهی از افغانی ها که آثار آنها را اعدام نمود و بر سر کوه زوزن شد باید علاوه نمود که در روند جاری این وقایع جمعی از روشنفکران و دانشندان کشور از مدرسه شاهی و مکتب حبیبیه که در واقعیت همان روشنفکران ترقی خواه بودند به دربار پیشنهاد نمودند که انجمن دانشندان افغانی بوجود آید تا یک جریده پانزده روزه را بنام سراج الاخبار افغانی - نستان در کابل نشر نمایند. در راه این انجمن مولوی عبدالروف خان کندی هاری - متخلص به "خاکی" سرمد رس مدرسه شاهی و ملای حضور

بود.

اولین شماره سراج الاخبار افغانستان در جنوری (۱۹۰۹) در (۳) صفحه چاپ سنگی به نشر رسیده، ولی بعد از نشر شماره اول به خاطر مخالفت امیر انگلیس ها متوقف شد.

با کشته شدن مولوی محمد سرور خان عهد و دیگران فعلا لهن حزب جمعیت سری ملی و توقف نشرات سراج الاخبار افغانستان شعله نهضت استقلال طلبانه و مشروطه خواهی ظاهر گردید.

ولی در حال بعد از این بار دیگر به تقاضای عصر و اجبار زمان سر فرو آورده اجازه - نشر سراج الاخبار را به محمود بیک طرزی داده، محمود طرزی که با افکار تازه و مشیوع از استقلال طلبی، مشروطه خواهی و درک عالی از روزه های جهانی به وطن برگشته بود سراج الاخبار را به مدرسه رسته تربیت جوانان با روحیه استقلال طلبی و مشروطه خواهی مبدل ساخت. جریده که از سال ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۹ به نشرات پرداخت با جرکت تمام از هیچ و هیچ دستگناه دولت انتقاد نموده از استقلال افغانستان سخن میگفت. این نشریه که سری فکری روشنفکران

منجمله شهزاده امان الله - خان به شمار معرفت تعداد مشترکین آن در همان زمان به (۱۴۰۰) نفر بالغ میشد.

نشرات سراج الاخبار، دولت هند بریتانوی و روسیه تزاری را به لرزه آورده انگلیس ها در ابتدا تلاش ورزیدند نشرات آنرا قطع کنند، ولی بعد از صلاح کار را در آن دانستند که نوعی با نشرات آن عادت کنند. اما جنرال کورا پاتکین حکمران روسیه تزاری در - ترکستان تلگرامی به نمایندده روسیه تومسکی که در هند بود فرستاد و خاطر نشان نمود که شماره های سراج الاخبار در بخارا و ولایت دیگر ترکستان منتشر میگردد و از مقالات آن احساسات فدر روسی بریتانوی در مردم به جو شریک پیدا بنا بر آن دولت هند بریتانوی باید سر امیر افغانستان فضا را آورد تا این جریده خط مشی تبلیغی خود را تغییر دهد.

استاد عبدالرحمن حبیبی در کتاب جنبش مشروطیت مینویسد که صدرالدین عینی به او گفته بود آنها سراج الاخبار را در شرایطی که این نشریه تحت تعقیب پولیس روسیه بود بدست می آوردند و مخفیانه مطالعه میکردند.

سراج الاخبار که در واقعیت امر بنیاد گذار مرحله استقلال طلبی و مشروطه فواهی در افغانستان بود تا تحت اثرات بزرگی در همه کشور های روشنفکران منجمله در بار بگذارد.

میرغلام محمد غبار مورخ شهر کشور در افغانستان در رساله تاریخ مینویسد: به علاوه این جنبش های فکری، سری و علنی و هسته تحول در نفس دربار نشو و نما میکرد. اصلاح طلبان از روش امیر منجز بودند، و چون خود قدرتش نداشتند باید دورپس از اعضای خاندان شاهی جمع میشدند. این فرد سردار

نصرت الله بزرگترین فرد خا - نواده شاه نبود، زیرا او آنکه مرد خداست و مویها همان استقلال کشور بود. ر اداره دولت دلبستگی به نظام قرون وسطایی داشت. پس گانه شخصی که در دربار خاندان مورد توجه نبرالهای دربار قرار گرفت. همین الدوله امان الله خان بود. او - نسبت نایب السلطنه را بجهت رهس این انجمن سری شامل نقشه کودتا نماید که امیر را در جلال آباد بکشند و جایگزین نایب السلطنه را بنشانند. دستور اجرای این عمل روانه امیر دوازده نفر از اعضای جمعیت سری ملی در قرآن تحریر و امضا نموده به سردار سپردند. ولی روز مهمن سردار از خانه تنه بر آمد و با کشتن برادر مخالف کرده نسخه قرآن شریف نزد او ماند. امیر حبیب الله کشته شد و امان الله خان به حمایت بالقوه و بالفعل مشروطه خواهان به قدرت رسید. شاه تاج پادشاه هی را به شرط اعلان استقلال افغانستان بر سر گذاشت و این همان خط اول برنا روشنفکران بود. روشنفکران مشروطه خواه در جهاد کبیر ملی علیه انگلیس سهم فعال گرفته این افراد با ایمان و صاحب اندیشه در خط مقدم پیشکارتد انگلیس مردانه زمیندند و بعد از اعلان متارکه در اضا سند استرداد استقلال وطن، که با خون غازیان و مجاهدین سر به کراه وطن نوشته شد بود، سهم فعال گرفتند. شاه غازی در ابتدا با روشنفکران صمیمانه برخورد نموده، محبوبین سیاسی مشروطه خواهان را از زندان ها آزاد ساخت و یک تعداد آنان را در دستهای مهم - اداره امور کشور گماشت. ولی شاه که حاضر نبود گام در راه جهت تحقق اهداف برنامته روشنفکران بردارد، به تدبیر باعکس العمل های روشنفکران بجهت دفعه (۸۹)

وقتی "سپاهی گننام" را در یک بخت سردم ، فکر میکردم ، که تصویر تمامی ازین فرزانه مرد ، تحویل داده باشم . اما پیمانهاد ریا - قسم که نی ؛ نکته های بسیاری را ننگته ام . و همو شده دو بخت دیگر آن را نیز سردم .

بایست اعتراف کنم که سپاهی گننام ، نام بزرگی که من آن را - احساس میکنم ، از ظمرو جغرافیای شعر فراتر مرود . و بر آنم که تا پای عمره این حماسه - حماسی اسطوره قامت را در گننامی نامی ، باید فریاد زدم .

"سپاهی گننام" در زبان من البهامایه جاودانه دارد .

سپاهی گننام
سپاهی گننام
سپاهی گننام
سپاهی گننام
سپاهی گننام
سپاهی گننام
سپاهی گننام
سپاهی گننام
سپاهی گننام
سپاهی گننام

سپاهی گننام

آهای ، سپاهی آزادی !

دو همزاد - دو همپاورد بوده ایم
که موازی نگاه هایمان
در امتداد پسرترین شب تاریخ
به هم گره نخوردند .

باز چسه های کودکیت راندریده ام
اما خیال میکنم
کودکی برهنه پا و گرد آلود را -
که به دنبال پروانه های رنگین
در گد مزارها
سرگردان است .

در آینه های کوچک پاران
به تصویر لزران خود -
دو مشت میگرد
روی پلوانه - اجست میزنند
شترانه می میخواند
نقطه خدا میداند .

آی همزاد !
تو هم رنگ من بسودی
اما چیزی دیگری میآید
از آتش و زنبور
تو "خلیل" دیگری میآید
از سلاله خراسانیان .

سه بارها -
زمن زهر پاهت را
آتش زدند دیگر خاکش خورد .

آهای چسبک آزادی !
خانه ات را
در شبی همسزای
تو گفستی .

با چکه های پاخته سنگین ،
خونت را -
به پایکوی گرفت
و کلاهش را
صدقه سرداد
ضحکه گریز حلالش باد
و همچون شکست .

آهای غریبزاده گننام
سپاهی آزادی !
کدامین راه را
به یاد فیض قدمت
بوسه زبسم ؟

و کدامین درخت را
به نام قامت مردانه و مستبرت
نهارت کنم ؟
باد کد امین دره را -
با درقه خهزم ؟
که سرد خاک ترا خواهد داشت
وجه گلی را -
به دیده بهالم ؟
که رنگ خون ترا خواهد داشت .

آهای سپاهی گننام !
من باور دارم
ستاره تو هنوز
از مخمل نهایی آسمان نریخته است .

اما
شهاب -
بر سزار ناشناخته ات
چراغی همسوزد .

- ۱ -

های ، غریبزاده -
مرد رفته در گننامی نامی !
کدامین آیت سپاس را
از کتاب دیوانه گان آزادی
به نامت هدیه بگویم ؟
ندانم ، اینکه در هزار روچند زمین شب تاریخ ؟
خونت با خاک آمیخت
و از چجه بی دیگر
از کلابه معصیت
به حلق شيطان ریخت .

های ، غریبزاده -
مرد رفته در بی دیوار سی سایه زمان !
من
اسطوره شهادت مشرق را
در خط گامهای فراخست -
که برجاده شهادت -
گل زده است
باز میخوانم .

هیهات !
در لحظه های مضطرب بد رود
دیواری نبود
و رنگی نداشتی
که نامه بی برای مادر
یا برای عزیز نا شناخته خود -
بیا می مینوشتی .

فقط آفتاب
سلامت راه من گفت .
های عزیز هزار روچند زمین شب من !
گرا بایس زمین

آتشب
سالگشت مرگ پند را -
بار ستاخوژی -
جشن گرفتگی

آتشب
بر مرزعه لاغر دستان مسادر
یک فصل شهید بوسه کاشتن .

و بر محراب آغوشش
به نیاز بار ترسین سجده
سرفرو گذاشتی .

خواهرانت دادزدند :
((لاله جان - لاله جان))
و تو با خود گفتی :

((کاش بیادری داشتی))
آتشب ، نخستین شب دیدارت بود - با تفنگه
که از آن پس
پرستو های چشمانت هرگز
چادر یاغچه را سبز ندیدند .

هان !
پس از آن شب
برای همسر و فرزندانت
آسمان خدا با تمام وسعتش
خیسه تنگه کا بوس گشت .

وقتی بالداران جهنمی
جا غورهای آتشورشان را
به دامن سبز روستا -
مهاجران قریه گرد
خالی کردند ،
اندو هیار ترین مرثسه زبان را
حسن کردند .

●●●
های مرد سنگرود !
میدانم
در هزاران شب
تفنگه بالهنت بود .

وقتی
هودج خاطره هایت را -
بر آن مینهادی
صافقه بی بهداد میکرد
و شتراره خوابت را مید زدید .

خدا میداند !
در فصلی که چنگهر بیان عصر
در صحرای قدوست
آ تشنواله های مرگ میر میخشدند
شعله باد جنگه
پشمینه کلاهت را .

●●●
آهای چسبک آزادی !
خانه ات را
در شبی همسزای
تو گفستی .

●●●
آهای چسبک آزادی !
خانه ات را
در شبی همسزای
تو گفستی .

●●●
آهای چسبک آزادی !
خانه ات را
در شبی همسزای
تو گفستی .

●●●
آهای چسبک آزادی !
خانه ات را
در شبی همسزای
تو گفستی .

بر فرق کدامین ناک -
 کدامین بوت -
 و کدامین سنگه تاج میگذاشت؟
 و گریبان تنگه کدامین را -
 کفشهای کهنه ات را -
 هدیه میگرفت؟
 خدا میداند؟
 شبهای بی ماهستاب
 وقتی در سینه های کوچک چشمان خود
 ستاره میسرودی
 و نگاه های پریشانیت -
 سینه آسمان را شیار میکرد -
 توی عشق کدامین عزیز
 در جزیره ذ هنت
 مویه یاد میبخت؟
 خدا میداند؟
 وقتی سفیر دین -
 در بگوشهایت را
 با رخوت میگرفت
 خون در رگهایت -
 با چه لپهیی جوش میزد؟
 وانگاه -
 عاشقانه تکبیر میزدی -
 تا مگر کعبه فتح میگردد -

●●●
 آه های سپاهی آزادی!
 در کدامین روز بی آفتاب
 سلطان -
 از دم مرکب تاریکی -
 جان جادویش میبخت؟
 که آغوی روحت -
 بکبارها از چشمه سار آتشمن تن
 دم کرد -
 و دیگر خنجره های مژه گانت
 به قیام بر نداشتند -
 دیگر -
 شبانه هانامندی
 و مادرت هر گز -
 سید پرگل تنها پیش را
 روی طاقچه دیدارت نگذاشت -
 پیچاره -
 دیگر مسافری نداشت
 که جام لبریز چشمانش را
 در بی او فرو بهاشد -

۳ -

آه های سپاهی کاکلی!
 دیشب مسافری -
 از دیار پریشانی آمد -
 بایک مشت نشانسی
 از گیسوان خونین اسبت -
 گفتم:
 آه همد پسته خداست -
 این ریشه های جنسی -
 زود است - زود است
 کز این ریشه های جنسی
 در دشت یاد های دهکده -
 جنگلی بکارم -
 که اگر روزی -
 مویه وحشی آن را -
 زانها بخورند -
 کیتر کردند -
 مسافر نهایی -
 گفتمش باش -
 باش تا باری دامن رنگمده ات را
 به دیده بهالم -
 آخر چهار دشتی دارد -
 و - دود گویی
 و عطر خونی -
 مسافر بیهم لب میگردد
 مسافر - هیچ نیگفت
 باری آبله عقده
 در گلنیش ترکمید
 فقط اینقدر رگت:
 ((رضای خداست))
 مسافر برگشت -
 به جانب ناپیدا -
 به سوی سرگردانی -
 آ می مرد خدا!
 مسافر بوی ترا داشت
 کاکلی -
 کاکل مست ترا میبند
 کفشهاش پینه پینه بود
 و کامهایش
 کامهای بی شکست ترا میبانشد -

●●●
 هان ه عزیز من!
 وقتی عزیز همگسرت
 گلناره های نهموخته بگرت را -

تکه تکه به دا من میچسبد -
 باد ها آنگاه دریافتند -
 که بهد خونین بهشتی -
 چه عطری دارد!
 ●●●
 های دیوانه آ زادی!
 من نیز آبله پاییستم
 در سحاری دیوانه گان
 من به ز بارت لاله ها میروم
 تا معنی سنارت سخن کامیابیت را
 لمس کنم
 و خنک عقل مسخره نرود -
 من خوبشتر را -
 با کل خواهم شوگانند -
 با گیاه خواهم رویانند -
 با برکه خواهم آویخت -
 جاری خواهم شد -
 همخط رود خانه
 و خواب خواهم رفت -
 همسر کوه -
 تا یافت کنم
 لالایی را
 که در شبهای بی مادر
 با آن میخفتی -
 و هاهوی را
 کز کوتاهترین خواب زمان
 بیدارت میساخت -

●●●
 آ زاده مرد اسفند ز قامت!
 مردانه کیت را!
 در قلمرو تعریف
 گنجایشی نیست -
 کسوه -
 نامت را پس میدهد -
 دشت -
 شهادت را تنگی میکند
 و رود خانه -
 راهی شدنت را -
 چه آرام است و چه کم امتداد!
 و من -
 جوا نت را -
 چه قد رکود کم!
 ●●●
 عزیز ملت من - سپاهی آزادی!
 سوادت -

در سه واژه تمام بود:
 خدا - مادر - آ زادی
 و از نام خویش -
 هیچ حرفی به یادت نبود -
 با نهنوشتن!
 اگر هنگام تو بودم
 از افتخای تو -
 شعر بلند روزگار را -
 به ودیعه میگرفتم -
 خیر باشد -
 نامت با زمین -
 نامت با ستاره -
 نامت با خدا -
 گره خورد است -
 ●●●
 های غریب زا ده
 مرد رفته در بی گنهای نامی!
 نامت - نورواژه بیست -
 در قاموس بی ردیف شکرده های خرابان -
 که تجلی حروفش
 جادو گران مشرق و مغرب را -
 کور میکند -
 باکی نیست
 اگر خلیفه های نا خلف -
 مفتیان بی طهارت را -
 به سود خویش خریدند -
 و سپاهد اران ساسانیان
 پیمان یاری - پیمان خونت را
 با فراغ بی مهر
 بریدند -
 همین بس است -
 که فرزانه گان زمین -
 دیدند:
 تویبر سجاده سخن مشرق
 عاشقانه ترین نیاز را -
 نماز آزادی را -
 به آذان برخاستی -
 به تکبیر ایستادی و ادایش کردی -
 عزیز شعر من عزیز زندگی من!
 صن -
 شهادت را
 با کدامین قصیده خونین
 به آمین بر خیزم؟

تصویرهای از



ملا عبدالله مشعوره ملای لنگه که تمام سمت جنوبی را در سال ۱۹۲۳ در زمان زمان داری امان الله خان رهبری میکرد.



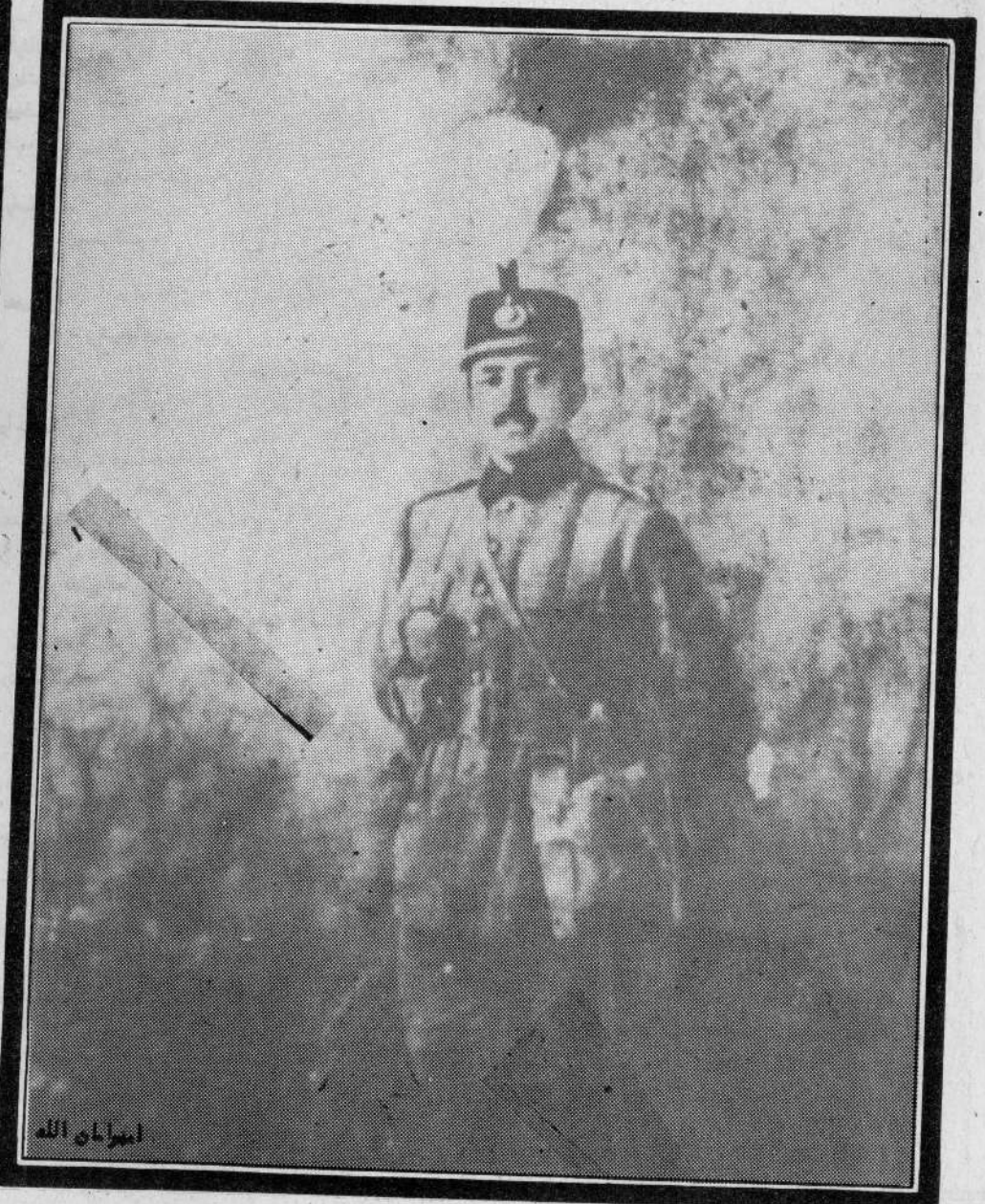
— امیرامان الله
حین وداع با سربازان گارد شاهی در انتهای ترک
وطن.



— یکتن ازجا سوسان انگلیسی بهنام لا رس که در تحویل
یک و ایجاد دسایس علیه نهضت امانی سهم فعال
داشت.



— طلاب و نهضات رهبری مکتب جبهه در زمان
امیرامان الله



امیرامان الله

کله جهان درنگه

و کالینین که به عمارت پارلمان روسیه یا قصر سپید روسیه می انجامد از تانک‌ها، ماشین‌های محاربه‌ای و موتورهای نفر بر نظامی پر شد. دیگر ترافیک شهری اختلال شده بود. مابقی بیرون هتل رتیم. تانک‌ها پارلمان روسیه را محاصره نموده بود. ظاهراً اسپ کودتاچیان بد و نمانعی به پیش می‌تاخت. اما صرف چند دقیقه بعد گروه بزرگی از رهبران پارلمان روسیه از عمارت لطفاً صفحه برگردانید

و ترجمان راه اقامتگاه را در هتل از کرایین که در یکی از نقاط مرکزی ماسکو واقع است، در پیش گرفتیم. رفت و آمد در جاده‌ها بصورت طبیعی ادامه داشت. چهره‌های رنگ پریده مردم از شوک خبر میداد که هنوز پایان نواخته بود. مغازه‌ها باز بود و از تانک‌ها اثری دیده نمی‌شد. با جابجایی در هتل غرض تانک‌ها در جاده‌ها آرامش و بی‌تفاوتی مردم را. اختلال کود. حوالی ساعت ۳:۱۱ دیگر دوجاده بزرگ کوتسوزف -

وانها برای آن که قدرت را نگه دارند به کودتا متصل شدند. بسیاری از مقررات در دهلز هلمبه دود کردن سنگ‌تاق نمودند. مثل هر حادثه، پس مردم نا آشنا از یکدیگر سوال نموده و با ابراز نظری می‌کردند. در دوطرف خط ریل عابری ساده نیز مشغول گشت و گذار بودند. مثلیکه آنها هنوز از حادثه اطلاعی نداشتند. ترن حامل مسافر ساعت ده و نیم صبح به ایستگاه ماسکو رسید. ما همرا باهمانند از

کمیته فوق العاده قدرت را دست گرفت. گریچف به خاطر دلایل صحت بر کارش، یا نایف معاون اول رئیس جمهور رهبری کشور را به عهده گرفته بود. یگونسه مارینا سور کف ترجمان ما در حالی که صدایش می‌لرزید و خشم از چشمانش فوران می‌کرد، در کوبه ترن از حادثه اطلاع داد. او سخنانش را با این جمله ختم کرد که: "خونتا (محافظة کاران وحشی می‌خواهند دموکراسی را بکنند)". ساعت ۱۰:۲۵ صبح بود. ترن تا یک ساعت دیگر باید به ماسکو می‌رسید. مسافری ۱۳ ساعت سفر را پشت سر گذاشته بودند. راه‌پوی سراسری شوروی در اتاق‌های ترن خطاب کمیته فوق العاده را بختر می‌کرد. فکر میشد که زمان به عقب برگشته است. شاید این نه سال ۱۹۹۱ بلکه سال‌های ۶۰ هجری است که رهبران شوروی زیر نام شماره‌های مانند "زند" باد کونیزم زند باد مردم" بمطایق دیکتاتوری جدید را بر پا می‌دارند.

در دهلز واگون ترن مردم با سه‌های تکیه و مضطرب با یکدیگر صحبت می‌نمودند. یک خانم گریه میکرد و می‌خندید. به من نگاه نموده و گفت: "فردا باید قرارداد اتحاد در میان جمهوری‌های شوروی امضا می‌شد، در آنصورت محافظه کاران و کونیست‌ها قدرت را از دست می‌دادند"



پلتن جسونانه رهبری مقاومت در برابر یوچوست ها راه عمده گرفت.

بیرنده اصلی مبارزه برای دموکراسی ملیت است

نوشته دوکتور خرف هر طین

همزمان کودتای ناکام در اتحاد شوروی و پیروزی بران (۱۹ تا ۲۵ اگست - ۱۹۹۱) بدیر مسوون مجله سیارون همراه با یک عده ژورنالستان افغانی، در ماسکو اقامت داشت. وی در بازگشت به وطن، گزارشی و تحلیل جریبان کودتا و انقلاب ۲۲ اگست را که به پیروزی دموکراسی شوروی انجامید، نام به نام از راه اخبار گفته به نشر سپرد.

از آن جا که مجله سیارون خواننده کان و یژه خود را دارد و نیز به خاطر آن که این مطلب جالب و مهم به وسعت و فراخانی بیشتر بدسترس خواننده کان و علاقه مندان فرار گرفته باشد، این متن گزارشهای مذکور را بدون هیچ تزئین و تصرفی به نشر میسپارد.



توانستند برای کودتاچی‌ها در جاده‌های ماسکو

۷۲ ساعتی که جهان را تکوان داد

پارلمان پایین آمده و راه صحبت با تانکیست ها را در پیش گرفتند. هنگام صحبت گروهها چند صد نفری مردم به دور آنها جمع شدند به انبوه جمعیت لحظه به لحظه افزوده میشد و بدینگونه مقاومت در برابر کودتا آغاز شد.

«قصر سپید روسیه» یا عمارت پارلمان جمهوری روسیه بنه مرکز ایستاده گن در برابر کودتا چنان کمونیت مبدل شد. بنا افزایش جمعیت مردم تانک ها را مجبور شدند از نزدیکی پارلمان دور تر بروند. مردم عادی که مزه آزادی را بعد از هفتاد سال ترهتاریانیزم و استبداد یک حزب چشیده بودند، خود به کار سنگر بندی ها در اطراف «قصر سپید» آغاز نمودند.

علی الرغم دستور کودتاچیان در مورد منع تظاهرات و گرد همایی ها مردم جان در کف نه تنها در برابر پارلمان بلکه در سایر میدان ها و نقاط عمده ماسکو گرد همایی های چند هزار نفری را آغاز نمودند.

این گرد همایی ها در ظرف ۲۴ ساعت به تظاهرات و میتنگ ها مبدل شد.

کودتاچیان اعلامیه هایی را که متن کامل آن ها (المجب) در روزنامه «پیام ما بطور کامل نشده شده از اردیو و تلویزیون پخش میشوند.

اعلامیه ها حرف های زیادی نداست. جامعه در بحران است، دسپلین وجود ندارد، بی ثباتی سیاسی و اقتصادی تعمیق یافته از اتوریته شوروی در خارج کاسته شده، بی قانونی و جنایات افزا

پیش میباید و چیزی های دیگری از این قبیل که همه جامعه شوروی پر از کودتاچیان آن را درک می نمودند. اما باید تفاوت که کودتاچیان بحران شوروی را -

خالی در برابر مردم ایستاد و سی هراس خراب به آنها سخن گفت و از آنها طلب ایستاده گسی و مقاومت نمود.

راد پوی روسیه به محل تبارز اراده

دستاویز غصب غیر قانونی قدرت برای خود قرار دادند. همان راهی را در پیش گرفتند که اسلاف شان اقایان پولیتس بهر هائی گذرشته در مورد رهبران قبلی کشور در پیش گرفته بودند. بی خبر از اینکه دیگر جامعه شو روی دیگر گون شده و نیروهای بی بدید آمده اند که آماده اند در راه آزادی تا پایان بجنگند.

در نخستین ساعات کودتا بوریس یلتسن جسورانه رهبری مقاومت روسیه را در دست گرفت. او تمام موسسات روسیه را به اعتصاب فرا خواند، او مردم را به برپایی تظاهرات دعوت نمود. او با دست

میدان مقابل پارلمان روسیه را ترنگتند. جوانان شب روز از سنگرها دفاع می نمودند و با شور و انرژی که انقلاب ها فراهم می آورد راه پاسداری از دموکراسی و آزادی

جریان تکفرائس مسیجاتی کودتاچی ها را در پیش گرفتند. کودتاچیان در وضع دشواری قرار گرفتند. کمیته فوق العاده آنها که شامل پروکاه وزیر داخله، کرپچکوف رئیس ک. ج. ب. پاولوف صدراعظم، یازوف وزیر دفاع، یینایف معاون رئیس جمهور، تیزیکوف رئیس کمیته علوم و صنعت، بگلا قوف مشاور امنیت رئیس جمهور و استرادوفسک رئیس کمیته دهقانان شوروی بود، هسته هسته دچار اختلافه پس از ادگی شد. روز و کودتا پاولوف به بهانه فشار بلند بازاری ترک نمود. به نظر می رسد که نظامیان نیز در نحو



جریان تکفرائس مسیجاتی کودتاچی ها

اعمال کودتا دچار اختلاف هستند. تلویزیون سی. ان. ان از کنار رفتن کرپچکوف و یازوف نیز خبر می داد.

از سوی دیگر علوی که یک ژورنالیست شوروی اظهار نمود کوشاچیان خود را مشکت را انتخاب نمودند. آنها پلان توطئه را مانند سال ۱۹۶۴ که خروشچف برنار شد طرحی می نمودند. بدینگونه که در بین خود فیصله نمودند که وقت برای آن فرا رسیده که «شف» را به دلیل اینکه به «سمت» مطلوب نمی راند برطرف کرد. آنها حتی این زحمت را متقبل نشدند که فورول جدید برکناری بسازند و با همان فورول کهنه و اشنای «معادیر سخن» عمل کردند و با بره اندازی بازی «شکر» و «کین گرخ» خواستند مردم را - بشناسند. آنها طوری محاسبه نموده بودند که با این حرکات می توانند درست مانند سال ۱۹۶۴ همه را در مقابل عمل انجام شده قرار دهند. اما آنها نمی فهمیدند و از تاریخ نیا موخته بودند که سال ۱۹۹۱ و سال ۱۹۶۴ نیست. آنها تصور می کردند که در زنده گی جدید بازم می توانند به همان اشکال کهنه قدرت دموکراسی حزبی دولتی عمل کنند. آنها خواستند همه مسائل را خودشان حل کنند، نهرا به این امر عادت نمودند بودند. آنها عادت نموده بودند که فکر کنند نظر شخصی آنها نظر همه ملت است، که دموکراسی صرف یک کلمه جان نمی است، که دموکراتها ارزشی ندارد. توطئه گران تصور نمودند که آنها

تنگه دار حاکمیت هستند و قدرت برایشان از بالا ها بخشیده شده است.

رهبران کودتا که به گته متفکر عمده، یازسای و دوست ما بسبق گریچف الکساندر ساکولفیف حتی سوسالتم رابه معنای دادن چند گرام مسکه و چند توت کلباسه و چند پارچه نان خشک به مردم درک می کردند، در نخستین برآمد مطبوعات خورش در برابر مردم هیچ چیزی جز نفرت و دشمنی طینت ها انسان را به دست نیاروند. بانایف این بازچه «دست ایاارات حزبی و نه امان توطئه گر در حالی که دستانش می لرزد و هر لحظه به ا غرائفان خودنگه می گردنواست کترین شقی برای امتناع مردم در مورد عملی که انجام شده ارائه کند یک ژورنالیست خارجی با یک سوال بسیار بر معنا از او پرسید: شما وقتی کودتا می کردید، آیا یا - بیخوبیت مشوره نموده بودید؟



مقاومت مردم در برابر کودتا چنان در برابر پارلمان روسیه

کودتاچیان بر علاوه، تفسیرات درجهان معاصر و نشان را که غرب پس از بهالهای یازسای و اصلاحات در تعین گرایشهای حیات سیاسی، اجتماع شوروی کسب نموده است مورد ارزیابی قرار دادند. امیکا و غرب در کنار مقاومت و نیرو های طرندار دموکراسی قرار گرفت. رهبر - ان کشور های غربی بابر قراری - لن داغ یا بورس یلتسن مستقیم در مقاومت علیه کودتاچیان اشتراک نمودند. بدینگونه یلتسن به مکانه مقام قابل اتکا چه در میان ملیون ازادخواه شوروی - بلکه همچنان نزد رهبران غرب مبدل شد. در تجربه رویداد های اخیر امریکا و سایر کشورهای غربی نشان دادند که آنها دیورد استقرار نظم نوین جهانی و دفاع از دموکراسی درجهان پایدار ایستاده اند. کودتاچیان محاسبه - درستی رادر مورد موفق میخائیل

گر با چف نیز انجام دادند. آنها فکر می نمودند که گر با چف را می توانند وادار به تسلیم کنند. اما او تسلیم نشده، او طوری که خودش در صحنه مطبوعات پس از برگشت به کپلین در روز پنجشنبه ۳۱ اسد امشا کرد از امسا هر گونه سندی در باره اشعاع و با تحویل قدرت به معاو - تشریح می توانست که نتایج را در مومعت ناها را نانونی قرار دهد. ایا ورنه.

تمام این عوامل گروه هشتگانه رادرمومعت دشوار قرار داد. حتی حزب کمونیست که رهبری آن بدون اعلامیه رسمی و خاموشانه در عقب کودتاچیان قرار داشت، حرکت نه نمود بر امثال کودتا مبر تا بعد بگذارد. روزنامه «پراودا» و «سپج روزنامه» دیگری که زیر تسلط کور نیست، اقرار داشتند که تمام اشنا و صوبات توطئه گران را چاپ نموده اند. این تزلزل به ستایش کودتاگشود نتوانستند.

رهبران کودتا برخلاف جهان تاریخ و زنده گی عمل نمود مو قانوس - نعی را که خود به ان رای داده - بودند. نهری می گذاشتند. از همین جهت هم طی سه روز کودتا ما با - کس بیخوردیم که بتواند از کودتا دفاع کند. در حالیکه جوانان مردم عادی اشک می ریختند و تمام اسد شان را به یلتسن بک بودند. تمجب او راست که در جریان یک صحبت ما با معاون روزنامه «پراودا» اتای گاریچف در روز مس کودتا که هنوز کمیته فوق العاده عمل می کرد، می توانست موضع حزب کمونیست را روشن سازد. هاز بقیه در صفحه (۱۶)

شود که در سال ۱۹۹۱ چهار سده و هفتاد و پنج قصبه آدم - کسی درین جا رخ می دهد . کمیته قضایی سنای امریکا حوادث آدم کشی را در ایالات متحده امریکا در سال گذشته عیسوی (۲۳۲۲۰) حادثه می بیند یعنی کرده بود ، در حالیکه حوادث قتل در سال گذشته در آنتشور به (۲۳۴۴۰) می رسد .

میتلابه سلطان در کانادا

ملیر گزار به سازمان جنومنی کانادا که به تاریخ ۲۵ جولای به نشر رسیده از رسم نفر کانادایی ، یک نفر در نون حیات خود به سرطان مبتلا خواهد شد . سازمان موسوم به " ستانیتدن کانادا مکتوبید " در جریان سال ۱۹۹۱

پند و نه هزار واقعه جدید سرطان در کانادا ثبت و تشخیص خواهد شد . تعداد وقایع جدید سرطانی از (۲۰۰۰) به (۳۰۰۰) در هر سال افزایش خواهد یافت . به غیر صورت خیر خیری هم نشر شده و آن اینکه مرگ های ناشی از سرطان دوره طفولیت نسبت به اوایل دهه هفتاد به نصف کاهش یافته است .

بجامعه اروپایی مبارزه با فوراوانی

برای جلوگیری از تولید محصولات اضافی در پایتخت های جامعه اروپایی تدابیری اضطراری روی دست گرفته شده است .

قرار اطلاع آژانس نوومستی سال گذشته بهست پنج میلیون تن گندم محصولات جامعه اروپایی به فروش نرسیده و در گدام ها ذخیره مانده است . به همین می شود که در سال جاری ۱۸۰ میلیون تن گندم جمع آوری شود . در حالیکه مصارف جامعه اروپایی ۱۴۰ میلیون تن است . تصمیم اتخاذ شده تا قیمت خرید گندم در حدود یک

سه حصه کاهش یابد که جبران خساره فارم داران نیز در آن در نظر گرفته شده است . اما جامعه اروپایی هوشدار داده که در کشت گندم کاهش بعمل آید .

کفرانس بین المللی

در اکتوبر سال ۱۹۹۱ در شهر پراگ نخستین کفرانس بین المللی درباره جنایات کوننهم دایر میگردد . در این کفرانس نماینده کان کشور رمای اروپایی و امریکایی و آسهای اشترک خواهند ورزید .

تفاوت بزرگ میان زنان مرد و خودوار

در نهم یارک نتایج تحقیقات در مورد زنان جهان تحسنت عنوان " زنان جهان بگرایش واحصائیه سالهای ۱۹۷۰ - ۱۹۹۰ " به چاپ رسیده است .

این نخستین تلاش کار شناسان ملل متحد در زمینه ارزیابی وضع و حقوق زنان در ۱۷۸ کشور جهان است . پسر اساس این تحقیقات زنان در برابر کار مساوی با مردان طور اوسط (۳۰-۴۰) فیصد کمتر مزد بدست می آورند .

تعداد زنان بی سواد از - ۵۴۳ میلیون در سال ۱۹۷۰ به ۵۶۷ میلیون در سال ۱۹۸۰ - افزایش یافته است .

طول عمر زنان در حال حاضر صر به مقایسه مردان طور اوسط در کشور های رشد یافته ۶۵ سال و در امریکا ۷۰ سال است . طبق اطلاع آژانس نوومستی که این گزارش را منتشر کرده تعداد زنان جهان به مقایسه مردان کمتر است .

آب عراقی عربی را نخواهد دید

سریلانکا از جمله کشور هایست که در جنگه خلوج فارس خسارات زیادی را متقبل گردیده است . عودت کارگران متخسمن این کشور به وطن که تا قبل از آغاز جنگه خلوج در کویت کار می کردند ، برابلیم های زاد رجعت کارهای آنها برای سریلانکا پدید آورده و این کشور منابع اسماری خود را از دست داده است .

غرامت کشور سریلانکا را با بد عراق مطابق قطعنامه سازمان ملل متحد بپردازد اما تا هنوز معلوم نیست که عراق برای این کار آماده است یا نه و اگر برای پرداخت این غرامت حاضر هم گردد تا همین عقیده دارند که پرداخت آن نظریه مشدلات جدی اقتصادی این کشور سالها بطول خواهد شد انجامد . قبل از آغاز جنگه خلوج فارس یکصد هزار سر یلانکایی در کویت مصروف کار بودند که ۷۴ هزار نفر آن به سریلانکا برگشته اند .

دعوتی از زنان

تعمیر و توسعه

انسان در عین پیشرفت

نقطه پایگال

جهیل با یکال از عیبی تر -
 این جهیل های جهان است
 که عمق اعظمی آن ۱۶۳۷ متر
 است .
 در این تازه گی ها و لا -
 در پیور فیالکوف دانشمند
 انستیتوت جهیل شناسی اکا -
 دی علم شوروی مؤلف شد
 به عمیقترین نقطه جهیل با -
 یکال پامین رفته یکا دی را
 در زمینه قایم کند . تا حال هیچ
 کس نتوانسته بود به عمیق
 جهیل با یکال راه یابد .
 به اسرارش آزانسی
 نووستی موصوف باد و نفرد یکر
 به کمک یک دستگاه به عمیق -
 ترین نقطه جهیل با یکال
 فرود آمده و چهار ساعت رادر
 آنجا سوری کرده به کمک پروژ -
 کتور از کف جهیل فلمبرداری
 نموده و آب و خاک جهیل را -
 برای تحلیل و تجزیه با خود انتقال
 داده اند .

روز رهایبی کویت

در کویت اعلان شده که
 ۲۶ فبروری روز رهایبی کویت
 از وجود سربازان عراقی روز
 رختی در آن کشور خواهد بود .
 این تصمیم را کمیسیون
 تقنین شورای ملی این
 کشور اتخاذ نموده است . قبلا
 پیشنهاد شده بود که روز دوم
 اگست روز آغاز تجا و زعراقی بر -
 کویت روز رختی اعلان گردد
 اما کمیسیون تقنین کویت این
 پیشنهاد را به اتفاق آرا رد
 کرد .

تشریح از سال پیشین شادی

در ننگولیا نیز هر سال مانند
 سایر کشور ها به اسم حیوانات
 مضامین شود . آنها سال
 ۱۹۹۲ را سال شادی
 (میمون) دانسته و هوشدار
 داده اند که باید مالداران
 برای زمستان ۱۹۹۱ - ۱۹۹۲
 آمادگی بگیرند زیرا شرایط
 اقلیمی نامساعد فرا خواهد
 رسید و امکان تلف شدن حیو -
 انات موجود است .

۱۴ تن مواد فضله به کشورهای جهان بسیار انتقال یافتند

اخیرا " سموزیم پمپن -
 الملی ایگولوژیکی در استیا -
 نیول دایر گردیده بود درین
 سموزیم دکتر کرایتوان کوری
 طی سخنرانی گفت :
 " در پنج سال اخیر
 حدود ۱۶۰ میلیون تن
 مواد فضله در همه شرکت
 صنعتی کشورهای گردیده یافته
 به کشورهای " جهان سوم "
 انتقال یافته است .
 همزمان با این اعلان
 در ترکیه جمع آوری ماضها
 به منظور جلوگیری از آبین
 عمل آغاز یافته و در اسناد
 پیشنهادی این
 کشور تصریح شده است -
 از حفظ محیط زیست کنترل
 صورت گرفته تعذیرات علوسه
 متخلفین شدت یابد .
 قرارگزارش از انیس
 اطلاعاتی نووستی شاروال
 شهر استانبول که پیشتر
 از سایر شهرها از آلوده گی
 محیط زیست متضرر شده موضوع
 بررسی مجددا قانون حفظ
 محیط زیست را در ترکیه -
 مطرح ساخت .

دستگیری یک ادمخوار

یک مرد امریکایی که ۵ انفر
 راکشته و گوشت بدن آنها را
 خورده بود دستگیر شد و به
 جرم خود اعتراف کرد .
 تلویزیون سی . ان . ان -
 در بخش خبری خود اعلام کرد :
 - در شهر میلواکی واقع در -
 ایالت ویسکانسین مرد ۲۱ ساله -
 ای به نام جفری دامر به اتهام
 قتل حد اقل ۱۵ نفر و طعمه
 قطعه کردن بدن آنها و اد -
 مخواری دستگیر کرده اند
 سی . ان . ان در گزارش خود
 افزود :
 - اعضای پولیس میلواکی به هنگام
 جستجوی اپارتمان این مرد ۳۵
 سر انسان رادر داخل مخچال
 ۱۱ جعبه و اجزاء قطعه صمه
 شده چند بدن و مقدار مابیل
 ، ملاحظه می اشخوآن راکش ف
 کرده اند .
 همایگان دامر گفتند که بوی
 تعفن گوشت کندیده در دو سال
 اخیر در فضای اطراف اپارتمان
 وی به مشام می رسید و صدای
 کاراره بوقی از اپارتمان وی به
 گوش می رسید .
 در کتر قانونی میلواکی ایسن
 کشتار را بزرگترین و فجع تر سن
 مورد آدم کشی در تاریخ ایالت
 ویسکانسین اعلام کرد .
 شبکه رادیو سی . بی . سی
 با پخش گزارش مشابهی در این
 رابطه گزارش داد :
 - احتما می رود که این مرد
 که قبلا نیز مدتی را با خطر تجاوز
 جنسی به جوانان زیر ۱۸ سال -
 در زندان بسر برده باشد و ی
 در ظرف دو سال گذشته بعضی
 از ۱۸ نفر را به قتل رسانده
 باشد .

قطعه قطعه کردن انسان

اعضای حرکت شورشی رنامو
 موجب قتل حداقل ۰۰۰ نفر
 در مرکز ناحیه لائو در ایالت
 شمالی لامپولا شدند .
 راد یو موزامبوق به نقل
 از شاهدان عینی گزارش داد
 که اکثر این قربانیان را کود -
 کان تشکیل می دهند .
 به گزارش خبرگزاری المان
 از ماپولو ، این رادیو افزود :
 عوامل " رنامو " قتلش از
 پایتخت لائو رادیو رادیو
 اشغال کردند .
 - این رادیو همچون گت :
 امرادی که نتوانسته اند
 از این منطقه بگریزند و وارث -
 منطقه ریثا در همایگر
 خود شوند گفتند که قربانیان
 قطعه قطعه شده و در قفس
 های فریشتگاها گذاشته شدند .

قربانی بیپایست

یک زن و شوهر هندی که
 کودک خود را دریای بت بزرگ
 قربانی کردند دستگیر شدند .
 این زوج روستایی که چند
 سال از داشتن فرزند محروم
 بودند در دو سال پیش با حب
 پسری شدند .
 " پورا انکول " و همسرش
 " سوبیترا " نذر کردند که دو -
 مین کودک خود را حقیق آیین
 بت پرستی دریای بت بزرگ
 قربانی کنند . دومین کودک
 آنها دختر بود که به هنگام قر -
 بانی شدن در واه و پانزده
 روز عمر داشت به گزارش خبر -
 گزاری جمهوری سلا می ایران این
 نوزاد دختر در دریای بت بزرگ
 ماهاسویادار روستای ساتوا -
 دای قربانی شد . پولیس
 این زوج روستایی را به دلیل
 قربانی کردن فرزندشان
 دستگیر کرد .

تشیخ از زمین از زمین & از زمان

○○○

و فرعی دیگر به فرق خود

ماورین امریکایی به تاریخ ۴ اگست گفتند که پت زن امریکایی قبل از آنکه میله تفنگچه را به سوز خود چرخانده به خودکشی دست زند در مراسم عروسی در یک کلیسا به سوی همسرش و داماد چند بار تفنگش را نشاند.
این زن امریکایی که آن کوآرند و نام داشت جفت مشروس و داماد را از دوره مکتبسی شناخت و گفته می شود که با همی داماد بود.
زمانیکه جفت فلنتسکا داماد و پناهیتو عروس در پت کلیسا در شهر نیویورک ایالت مستوری امریکا سوگند وفاداری را به جا میس آوردند و کوآرند و تفنگچه را از دستگول خود کشیده داخل

را خنر و کلیسا شده و دیار فیر کرد.
درین خاد هم سر جرات نیرداست و اما درین عروس در اثر حمله قبلی به تعقیب این خاد هم در زمان کلیسا جان سپرد.
این دختر بیست و پنج ساله از کلیسا نوار نموده و دو مرمی دیگر را قبل از آنکه تفنگچه را به جانب خود چرخانده و بیست مرمی را به سر خالی کند به جا فیر کرد.

سلاطین

تشیخ از زمین

تاریخنا مان چینیایی به این نراستند که آتشموز دریا به غای نفت لویت و فعال شدن مجدد نوه آترفشان در فلپین باعث سرازیر شدن سهلاباطی چند ماه اخیر در چین شده است.

محققین در آکادمی علوم - پهن گفته اند نه امریکایی - ضخیم که از چاه های مشتعل نفت از زمان جنت خلیج به این سو متصاعد گردیده باعث کا - ستر نفوذ اشعه خورشید به زمین گردیده و درجه حرارت سطح زمین را کمتر ساخته است و پت زمستان ذروی - را ایجاد نموده است.

عده به پسران آتشفشان کوه پینا تو بو از فلپین ابرهای ضخیم خاکستر را به فضا متصاعد ساخته و درجه حرارت راد رین منقله پایان آورد و است.
سرازیر شدن سهلابهای - اخیر که شدیدترین سهلابها در قرن جاری در چین خوانده شده باعث هلاکت دو هزار نفر گردیده است.

تاسال ۱۳۰۰۰۰

تشریفاتی

طبق گزارش که بتاریخ شش

است یا سالترد پرتاب هم اتمی در شهر نیویا در لندن نشر گردید و میلیونها نفر در قرن های آینده در نتیجه آزمایشات ذروی که در سراسر جهان اجرا می شود و جانهای شان را از دست خواهند داد.

این گزارش که تحت عنوان "رادیاوتیف و زمین" به نشر رسید و بخش از کارگزاران های طبی علوم سلاح های ذروی است که توسط سازمان دو کشوران بین المللی برای - جلوگیری از جنت ذروی پسراره انداخته شده است.

این گزارش تا نوسررات آزمایشات ذروی در قضا و در زیر زمین را که توسط انگلستان چین و اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا ارسال - (۱۹۴۵) به اینسو صورت گرفته مورد ارزیابی قرار داده است.

در این گزارش گفته شده که تا نهر این آزمایشات به طور یکنواختی معادل به سهول هزار هم است که در شهر نیویا پرتاب گردیده بود.

گزارش میگوید که تا نهرات بقایای ذروی این آزمایشات تا سال (۲۰۰۰) باعث آن - میشود که (۴۳۰۰۰۰) نفر از اثر سرطان بمیرند. اینس سازمان که مقرآن در لندن است مشکل از دو کشوران طب هفزد پت داناتان و کارشناسان ذروی از سراسر جهان می باشد.

تشریفاتی

مردیکه در قبه تمام بوکمنیا پسر نیمسال خود را کشت تا بتواند سه هزار تومان در سال در آلبیه زندگی وی را بدست آورد و از طرف محکم به سه مرگ محکم شد.

دانیل بوها مردیکه در شرکت بیمه کار میکرد متعسم است که پسر خود را تا سرحد مرگ لت و کوب کرده و بعد از جسد وی را در آب انداخت

درست بعد از کشتن پسرش او خواستار پرداخت پول بومه زندگی او شده ادعا کرد که پسرش تصادفی در آب غرق شده است.

التشخیص

اوزون را از خورشید

اداره ملی بحرشناسی و اتوسفرشناسی امریکا به این نظرات که فعالیت کوه آتزر نشان پینا تو بودر فلپین که اخیرا بعد از شش صد سال خاموشی دوباره فعال گردیده میتواند قشر اوزون را بر فراز نیم کره شمالی در سال آینده شدیداً صدمه زند.

کاهش سطح اوزون ماده که زمین را از اشعه ماوراء بنفش آفتاب محافظت میکند - از سفر دیوا اکساید ناشی میشود که در مواد آن آتزر نشان به مقدار زیاد وجود دارد.

بنگاله طیش

در طوفان تشاروید

سیف الرحمن ونهراله به بنگلگه دیش گفته است که بنگلگه دیش در طوفان تباه کن ماه اپریل یک اعشاره هفت مهادر در خسار دید این رقم رانبروی مشترک ضر - بشی بنگلگه دیش و مل متحد تخمین کرده اند - همچنان طوفان مذکور باعث هلاکت (۱۳۱۰۰۰) -

نفر گردید . سیف الرحمن گفته است کشورش ۲۱ میلیون دارالرادر کوتاه مدت و ۳۶۱ میلیون دارال دیگر را در دوره متوسط طولانی ضرورت ارد.

دین اسلام

در آذربایجان

شایع ۱۲ اکتبر شرکت -
 کند آن کفرانس برین مسموم
 ده تانون (۱ آزادی عقاید
 و سازمانهای مذهبی) اظهار
 داشتند که آنها با مواد مسموم
 ده این تانون موافق نیستند
 به عقیده آنها در تانسون
 مذکور اسلام باید به مشابه
 دین رسمی جمعیت تسهیل
 گردد در ضمن صورت اداری
 روحانیون دارای تفازسی
 تواند حزب سیاسی شود را
 تا "سیر نماید" شرکت کنند
 کان کفرانس همچنان استوار
 می دیزند تا آموزش دینی در
 کتاب صورت گیرد.
 به عقیده "سازماندهای معاد
 ون کادوسی علیر ادرایمان
 در صورت نظام شدن دین
 اسلام به حیت دین رسمی، آذ
 رایمان باید نام جمهوری
 اسلام میس گردد و جنین
 قسم ضربه اخلاقی
 باز نامگز میگردد" موصوف
 به کوه "کفرانس سالسون
 جلسه را ترک کرد.

شرکت کاپیتان

چگونگی مرگ سالیس

پولیس در جمهوری کور
 جرستان زمانی تکان خورد
 که تلفون متعلق به جوزف
 ستالین دزدی شد.
 این تلفون در موزم
 ستالین در شهر کوری کورستان
 که دیگتانوزوری در آنجا
 تولد یافته به ناپیش گذاشته
 شده بود. این دزد تصادف
 می توفیق گردید و آن خوری
 بود که یک پولیس کور هنگام
 شب یک تن از باجهن را که
 یک شیطه را نقل میداد
 شوق ساخته و شیطه او را
 تلاشی کرد این دزد چاره
 جز اشراف به خوشبختی
 دزد مذکور در قرارگاه پولیس
 گفت که او تصمیم داشت
 تلفون ستالین را در منزلش
 نصب نماید، زیرا تلفونهای
 صری قابل اعتماد نیستند.
 این تلفون که ستالین

در جهان جنگ در جهانی
 از آن استفاده میکرد و
 به موزم مسترد گردید.

دزدی یک میلیون دلار

دزدان یکصد و پنجاه
 نفره را که از جرمان ترندادی
 گذشت و قیمت آن در مارکت
 های بین المللی انشای انشیک
 به میلیونها دلار میرسد از موزم
 ملی بنگه دیش دزدی کردند
 مامورین داکه گفتند که دزدان
 مذکور با قطع میله های آهنین
 وارد گالری موزم که در طبقه
 دوم قرار داشت شده و با رسو
 دن مجسمه "میناتور" شده
 فرار نمودند این مجسمه قسمتی
 از تاج ماراچادیکا پائامی باشد.
 مامورین داکه گفتند این نخستین
 حادثه دزدی در موزم مذکور
 در بیست سال گذشته است
 این مجسمه شش کیلوگرم وزن
 داشته و در بازارهای بیجا
 لملی میلیونها دلار ارزندارد.

دزدی یک پونصد

در اوزر با ریجان

علی حق برودی یف رئیس
 کلوپ پدیده های غیر عادی
 یا کو برای خبرنگار آژانس
 "آما - ایراد" اظهار
 داشت که در این اوخسودر
 آپشرون ملاقات انسانها با
 موجودات عجیب ثبت گردیده
 است. یک گروه محصلین
 مکتب عالی نظامی کسین در
 نزدیکی یا کو با موجودات عظیم
 الجثه مواجه گردیدند. این
 موجودات با پشم سیاه کورنگ
 پوشیده بوده و یک چشم سرخ
 داشتند که کمی پایین تر از
 پیشانی قرار داشت و بزرگی
 چشم آنها به اندازه یک دانه
 انار کلان بود. در سابق نیز
 در آپشرون مردم با جنین
 موجودات ملاق شده است.
 در زمستان سال ۱۹۸۹ با
 شده گان قهره کورداخانسی

موجود دهنده را د پندسکه
 کام آنها چهار برابر گسام
 انسان بود.

شامل علی یف در روز ششم
 وی با کو در ماه فبروری سال
 ۱۹۸۹ در نزدیکی استیشن
 شروینام "د پوز" با دیویک
 چشم مواجه گردید. امروز
 کلوپ پدیده های غیر عادی
 یا کو از اهالی جزیره نیسای
 آپشرون خواهرش نموده تا
 راجع به ملاقات های مشابه به
 کلوپ مذکور خبر دهند. در
 جهان پدیده های مشابه و
 جود دارد مثلا در سال
 ۱۹۸۹ یکی از جزایر بحر
 الکاهل جیمه دیویک چشم
 کشف گردید.

بازسازی فرد شکسته

آبایی گریباچف

تا بیج ۱۲ اکتبر ده هکده
 آبایی گریباچف رئیس جمهور
 شوروی روز شکوهند است. در
 ده هکده پیر و لئوس کلغوزی را
 که بنام یا کو ف میورد لسوف
 یکی از نخستین رهبران دوم
 لک شوروی مسمی بود لغو کرد
 دند.

روز نامه کسورلسکا یا پرودا
 می نویسد که چنین تصمیم را خود
 اهالی ده اتخاذ نمودند.
 ایوان میخائیلنکو رئیس اسبق
 کلغوز گفت که انجمن ده هکده
 که تازه ایجاد میگردد رطول
 پنج سال از پایه د ولتسی
 معاف خواهد بود و بهتر از
 همه اینکه دهقانان اختصار
 دار زمین خود خواهند گسر
 دید.

اکنون هر عضو انجمن می
 تواند ۱۴ ایکر زمین (مسک
 ایکر مساوی است به ۲ جیب)
 بدست آورد. ناگفته نماند
 و طندا راهالی این ده میخا
 ئیل گریباچف نیز حق دار
 مالک زمین مورش پدوش گردید.

دزدی یک میلیون

دزدان با جوله و اخیرا
 بی د بغداد و دیترا منهم
 سقا پی سقین مشهورا قطع
 نمود و یا خود برده اند.
 مسموم نشده نه به مدت
 زمان را در بر گرفته که دزدان
 مذکور توانسته اند لوجه های
 المونوم سقا سقین مشهورا
 که در بناده شوت و پلسون
 در منطقه بروکین نیویارک قرار
 دارد بردارند اما به احتمال
 زیاد به آما این کار را در جر
 یان انجام داده اند. این
 مشهور بیست و بار ساعت بازمی
 باشد. پولیس تخمین زده
 که المونوم خا سرقت شده
 بین فقاد تانون هزار دلار
 زی دارد.

سنای امریکا و پیش

سینا و کشتیها

سپو تحقیقی که در مجلس
 سنار کانزوا ایالات امریکا
 رخ ۱۱ اکتبر صورت گرفته
 در موریتیه گرای ششاه اول
 سال جاری عیسور در ادامه
 جنایات وجود داشته باشد
 تا اخیرا سنای (۲۲۷۰۰) نفر
 در ایالات متحده امریکا به
 قتل خواهند رسید.

شیر این تحقیق که توسط
 کمیته قضایی مجلس سنای امریکا
 صورت گرفته قضایای آدم کشی
 انون نسبت به سی سال گذشته
 دو چند افزایش یافته است.
 (جوزو بایدین رئیس کمیته
 بیخبر این رفتار خونریزی
 را نتیجه استعمال مواد مخدر
 تشنج باند های نوجوانان
 و دست یابی بدون کدام محدود
 دیت به سلاح میداند.

از جمله پنجاه ویت ایالات
 امریکا، تکزاس شاهد بزرگترین
 حوادث قتل در سال جاری
 خواهد بود. تعداد حوادث
 قتل در این ایالت امریکا سه
 صد نفر بیشتر از سال گذشته
 است. به هر صورت واشنگتن
 دی.سی. مرکز آدم کشی
 خواهد بود.

باری از نوه پس از چار سال
 باز هم میزبان هنرمندان تا-
 جیک استم • آنان خوب میخواستند
 نند و خوب میخواستند و خوب
 هم میخواستند • هرچند آن سبک-
 دستی و شور سالهای پیشین
 را کمتر داشتند • اما هنرمندان
 خوبشان خرمای شهرنوا بسا
 آهنگهای خوب و ظرافتهای
 هنرمندانه خود را گرمسای و
 کسرتنهاشان بود •
 آواز خوانان خوب دیگرشان
 کرامت الله واحد اللهنیازچه-
 های خوبی تقدیم علاقه-
 مند آن موسیقی تاجیک نمودند •
 بیشتر از همه خرمای با تقدیم
 آهنگهای افغانی " اوخندا-
 جان دلم تنگه است " بچه
 جان لوگری " و " مشک تازه
 مهریزد ابر بهمن کابل " یکبار
 دیگر علاقه مندان را نوازش
 بخشید و توانست همان محبوب-
 بیت گذشته را در جمع د و-
 ستان افغانی تازه سازد •
 از مدتی به این سو هنر
 موسیقی در تاجیکستان آمیزه
 می بوده است از ظرافت های
 موسیقی بالند و خاور زمین
 با آلات بوم و محلی تاجیک
 که گهگاه سایه روشن تا نبرات
 و امواج تازه گرای غرب نیز
 در آن محسوس بوده است •
 گروه های هنری چون پلسه
 پدیده هاه گلشن و زیبا ...



نام های ناشناخته در میان
 هواخواهان هنر تاجیک در
 افغانستان نمیباشند •
 درغنائین همزیبان صمیمیت
 و همدلی پیوسته زیبا و زینت
 پرداخته ها بوده است •
 گاهی از سر زمین پر بار
 فولکلور افغانی برجیده آوایی
 سرداده اند و زیبا نغمه های
 ترانه های شاد و صحت مجلس
 و گاهی نیز این جا و آن جا
 پارچه های رابه باز خوانی
 گرفته اند •
 البته خود نیز هدایایی در-
 این زمینه داشته و با تعارف
 دسته گل هایی را نثار شنونده
 گان و بهننده گان افغانی خوب
 پیش نموده اند •
 بهتر خواهد بود از زبان
 خود آنان بشنوم که چی هر-
 قهایی برای شنونده گان افغانی
 خویش دارند •
 نخست از همه با کرامت الله
 آواز خوان جوان و خوش صدای
 این گروه پرشهایی را مطرح
 نمودم که میخوانند :
 * بار چندم است که به افغان-
 نستان آمده اید ؟
 - بار سوم است که به افغان-
 نستان دوستانه اشتی آمده ام
 و این یگانه کشور است که خود
 را در آن بیگانه احساس نمی نماید
 هم چه تبار و ریشه و فرهنگ ما
 یکوست •
 * تا نهر موسیقی غرب را بالای
 موسیقی تاجیک چگونه یافته اید
 و آیا خود نیز از این موسیقی
 چیزی میداند ؟
 - در حالیکه خود را دقتی به
 سوال نشان میدهد و گویند در
 صحنه امتحان قرار دادند و دلش
 را یادندان گزیده بحد میکند :
 - شخصاً موسیقی غرب را همین
 نکرده ام و در قسمت تکسب
 اروپایی در تاجیکستان باید
 گفت که تا سال ۱۹۸۰ تکسب
 اروپایی بالای موسیقی ما تا نهر
 مستقیم داشت که پس از همان
 سال چند تن با هم کمر راسته
 گروهی را به نام سمدیان که
 بهلول دینهای موسیقی فارسی در
 لطفاً صفحه برگردانند

گروه هنرمندان تاجیکی در جشن استقلال به کابل آمدند

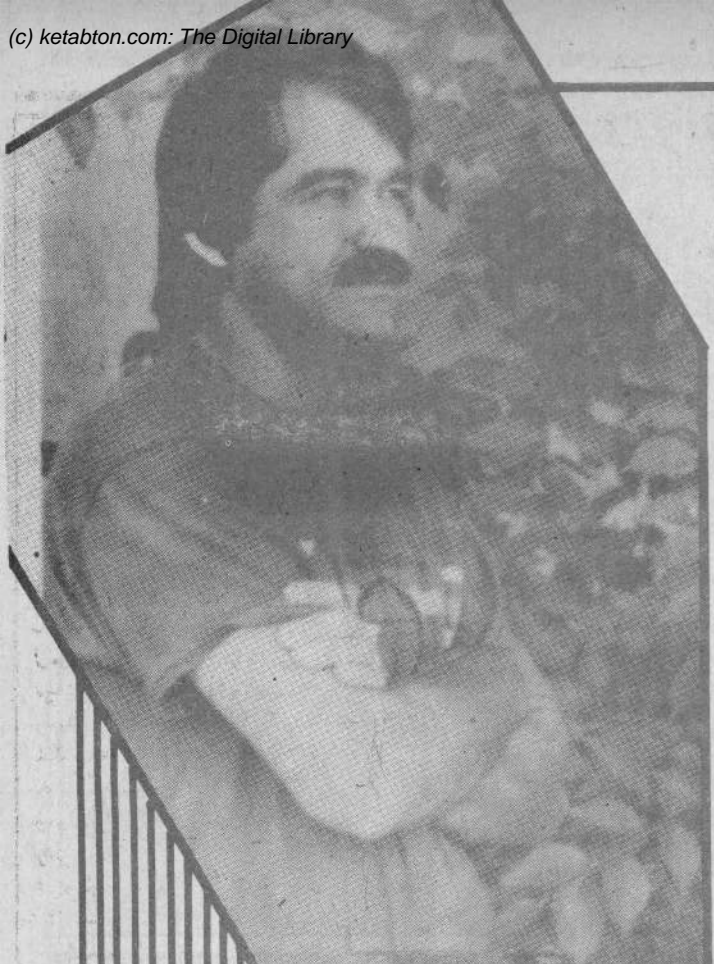
مباحثه از نریا سرلوری

دلم تنگ است

از خنجره دیگر خرمای شیرین

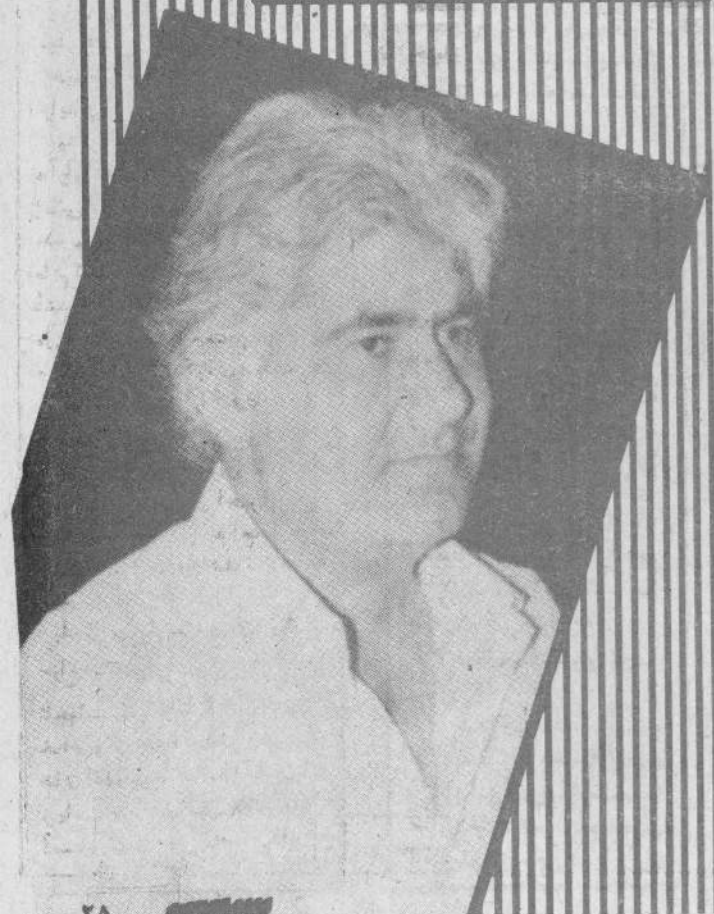
او خدا جان





که می‌کنید چه خواهد بود ؟
 ابرو هایش را بالا انداخته
 می‌گوید :
 - اولاً خدا آنکند که چنین
 کاری شود اگر باز هم چنین شد
 به دهکده بی مورم گانگه‌ها.
 رم و از شیر آن مسکه هینوسر
 و قصابی ته به منطام و در ضمن
 می‌کوشم اولاد های زیاد به دنیا
 بیاورم تا بانوای آنان غمهای
 دنیا را فراموش کنم . اما ایمن
 را از یاد نبرید که بد و ن مو -
 سیقی نمی شود زنده گی کرد .
 * دو سال بعد خود را چگونه
 پیشبینی می‌نمایید ؟
 - من آن قدر به آینده نمی‌اند -
 بسم آن چه برایم ارزش دارد همین
 امروز است . آینده را خدا میدا.
 ندوس
 * کدام ساز را سازگار حالات
 خویش یافته اید ؟
 گوی به جایی رفته است از آن
 جا سخن می‌گوید :
 - تنبور را دوست دارم صدای
 بقیه در صفحه (۸۲) .

خاوی چه چیز بوده است ؟
 باز هم می‌نمونه در گریس حالت
 را به خاطر می‌آورد و می‌پسند
 چنین می‌گوید :
 - دو سال قبل نامه بی از پست
 جویان دریافت نمودم که در آن
 نوشته بود " دوست و سه سال
 دارم به آهنگسازیت غمناک
 علاقه مندم اگر صاحب دهنه فرزند
 هم شهید حاضر با شاهروسی
 نامم .
 هر دو خندیدیم - غمناک
 پرسیدم به کدام آواز غمناک
 چنان علاقه مندی زیاد داشت
 رسید ؟
 درنگش نمودم می‌گوید :
 - علاقه خاص من به تمام هنر
 نقاشی شریکیت که تویان به
 صورت خاص از یکی آن ها
 نام بگیرم .
 برای لحظه بی هر دو سبک
 پیشتر به خاطر آن که چوب
 بان صحبت قطع نشود بهر هم
 * اگر موسیقی و آواز غمناک
 سبب افلاک بود اولین گساری



خرما شیرین و کرامت الله بار دیگر در ستیزهای افغانی درخشیدند

میشود، علت را بپرس ؟
 خندیده می‌گوید قرار است
 امروز روی تربت احمد ظاهر
 بروم و به روح پاکش دعا کنیم .
 * قسمی که معلوم میشود اکثریت
 مردم تاجیک علاقه زیاد به
 آواز احمد ظاهر دارند، میشود
 علت را بدانیم ؟
 - نگاهش را از نقطه بی برمی‌کند
 و ادامه میدهد :
 - به خاطر آن که احمد ظاهر
 شعرهای خوب را انتخاب نمود
 ده و آواز به نوقردم تاجیک
 دارد و مردم میتوانند در
 آهنگهایش تصویری از زنده گی
 خویش را باز یابند .
 * در قسمت انتخاب شعر
 چگونه نوقردم را یابد ؟
 - شعرهایی را انتخاب می
 نامم که به گونه بی بازندگی
 و پهلوی های آن در رابطه با -
 شد و اکثریت بتوانند در همان
 شعرها لحظاتی از زندگی کسی
 شان را دریابند .
 * آیا گاهی موسیقی غرب را -

خاتم خرمای شیرینا غایت که
 با علاقه مندی و سمیت خاص
 آهنگهایش را برای شنوندگان
 آوازش را که میدارد کما هم
 سبب روز تاروز شمارا تقسیم
 شدن آوازش افروزی میاید .
 خرما شیرین با چند تن
 از زوربا لیستان دیگر موسیقی
 مساحبه است . من هم منتظر
 میام پس از آن که دیگران
 رفتند من به پرسشهایم آغاز
 کردم .
 * آیا از آواز خودتان خوش -
 نشان میاید، چرا ؟
 میخندد و بعد می‌گوید : خود
 ستایی پیشه شیطان بود . من
 خود را در هنر خود شرمندارم اما
 هنر را در خود دوست میدارم
 خوب در وقت صحبت غمناک
 نا آرام معلوم میشود گاهی پارا
 روی پای دیگرش قرار میدهند
 لحظه بی دستهایش را زهر
 پخش می‌کند . و بعد موهایی
 را با دست نیازش میکند .
 بهرسم خیلی ناراحت معلوم

ان راه دارد تشکیل دادیم .
 * موسیقی تاجیک را با موسیقی
 کدام کشورها در نزدیکی
 و تشابه قرار میدهند ؟
 بعد از اندکی درنگ می‌گوید :
 - موسیقی ما نزدیکی خاصی
 با موسیقی افغانستانی و هندسی
 دارد که ما توانسته ایم ایمن
 موسیقی را در دیگر ایالت های
 اتحاد شوروی نیز رایج سازیم .
 * در مورد نوجوان و پانفیلیسی
 شدن موسیقی تاجیک چی نظر
 دارید ؟
 خود را تکان داده گوی چیزی
 را از نظر میگذراند بعد ادامه
 میدهد :
 - موسیقی باید مسلکی و اساسی
 آمیخته شود . در صورتیکه
 موسیقی الفبا بی شود آن گاه
 مشکلات همه حل خواهد شد
 چه با آما تور بودن نمی شود که
 موسیقی را به گونه اصلی آن فرا
 گرفت و آمیخت .
 * به گونه بی که دیده میشود
 شما آهنگهای افغانی را خوب
 اجرا می‌کنید ؟
 برای گهش این آهنگها چی
 معیار هایی را در نظر می‌گیرید ؟
 خنده معنی داری نموده من
 افزایش :
 بیشتر از همه احترام من نیست
 به آواز خوان آهنگ میباشند .
 زمانی که آهنگ را پسندیدم
 - می‌کوشم آن را طوری اجرا
 نامم که نزدیک با همان آهنگ
 باشد . گرچه گاهی خوانی سبک
 عمل پسندیده نیست . چرا
 که با خواندن آهنگهای دیگر -
 ان نمیشود جایی را گرفت .
 اما گاهی خوانی نزد من مفهوم
 خاصی دارد و آن این که به
 نظر من گاهی خوانی احترام
 و علاقه مندی زیاد به اصل
 آواز خوان آهنگ میباشد نه
 تقلید از او .
 با ختم سخنان کرامت قربانوف
 سراغ آواز خوان شیرین کلام -
 اناجیکستان را که با اداهای
 خاص و دوباره خوانی آهنگ
 های افغانی علاقه مندان من
 زیادی در کشورمان یافته
 است می‌گویم . بی مقدم از



دځسر لالی

د ژواک لیکه

د موسم د کلونو د نازکو پاتو سره بیره پداده چې ستا د نښاسته گوتو مړول ورسره برخه دي .

لالی ! ته چې دوزیسی د سهار نهه بجو سره اشناهی ستا دي د نازک لونه د نازکوز و نو امله په تمه ده . لیکه د نښاسته د بازار تودول تاته

جان سپارل غواړي . ته د ابا زارتود ساته اوسرولوته یی به پېژده . ته نښاسته لالی یی ، د نړی درانه لمر وړانکی ستا د مخ لوري ته گړي راگړي . ستا سو د کوشوندو د

درانه سهار وزیس خولکه ورنژدي کړي . داچی نن د پتنگانو د قافلې لوري تاته خبره دي ، په دې وخت کې د هغی زېدلې پانی لعا ظ ساته چې د زمان د توند با د خپېرې وهلی یو ، خړکته دورموشیو وا که ارد نښاسته هنداره یواړي ستا مخی نه ونوله

لالی ! د تاندولېستولوري له نظره به اچو !!

د روغیسی دی ، شوندي شېمو موی پوښو وخت لمر هغی خواک شه تر تگور وپوښه پام په گاردي مکه هلته د کلونو د سره اتق یو سره شری یی ، د هغی لالی ! پوهیسی لېوخت پخوا به ستا د کلابی خپري شخه د هغی پتنگان هغی پروا نه پیل اوستا نښاسته سره په یی پروا یی ، ستا د نښاسته د هغی قدر پروا نه ساتلیده کیده . تاته د زانیس په ولوش هغه ماته گڼه کیده د رها پېړي !

د نازک لالی ! د نښاسته په دې رنگین گژار کې ، د نښاسته د باغ د شاکو گور تاندولیدو لښتوکه پام کول اوسنی د هغی ملکی ستا د هغه رابولسی .

دا ستا پام به هیره و ا دلته چې د موسم هر گڼ د پتنگانوی انتظا رسې د دې هغی اوبرا د وینه یواړي د هغیسی خولی هکته به را پورته د هغی لالی !

لا مېر کړي دي ، ووايه د نښاستو سره د نښاست په بازار کې ستا د معاملې تاته سه یی ؟

لالی ! که د نښاست د حساب ورکولو د حشر په وچ ستا سره د نښاستو د هېرولو او هېرېدو د سپارلو حساب وشو ، ستا د سپین تندي ، شین خال ، واداغ لېري کولای شی ؟

لالی د ښکلې هنر لالی ! منم چې ستا سره لاسونه او اورغوي به هلته د حساب د پاره واورې ، راوړې خو د دې سرولا یونود حساب ورکولو د پاره دنورو نښاستو په سرورینود ک زړونو ته سوپ ته شی ورکولای .

د نښاسته مغروري اوسه نازېري !

منم چې ستا د مخ کلاب ته د پېرزه واغلو پتنگانو د هڅی اتن جوړوي اوستا ستا زې ستا د هغو د تاج محل د مرصنو تېرو مخی ته د وړي

خو سره نښاسته یی ، ستا د اوریل پرمخانی د نښاسته نړونه پېر شاه کړي دي ستا د نورو شکر گرانو سره پوښو د نښاسته د افونه کښوول . ستا د حسن شخه تر پل لېسې کول یی موه زړونه د هغی سره اټکاره و سپارل ، پوهیسی چې ستا د هغو شخو هم د زړونو نښانی خطا کړي ، ستا د خیالی مړوند په اړلو سره راړولو سره خو مره نښاسته د نښاسته په سیند کې لاهوشون منم چې ته نښاسته یی ، ستا د سره کلاب به په سرورینودو شرمولای شی ته نښاسته یی ، تاته د حسن د بازار د گڼدلو وړ خلاص دي .

کولای ! پوهیسی چې خپل حسن پرماته نښاسته کړیسی ، او د خپل نښاسته د کلونو هنداره دي د لاسی شخه و نه لوڼده او هنداره هم ستا د نښاسته په پوښو ته شریښه خوداچی د هغی نښاسته به غرور د سپور و نښاسته لوري ته شریښا

که چگونه همه مردم چین خواستار مجازات وی میگرددند . گماهیتم کرد تا او یک لحظه در باره جبهات و حوادث (انقلاب کلتوری) نکرکند . در یکی از مینتنگ های (خونفینها) اشتراک و ضمن ابراز نطقی چنین گمت: (مائو برای همه شاسلام می فرستد ۱۰۰۰) وید نیال این جمله اشتراک کننده گان باشعور و همچنان نهاد زدند: " از رفیق مائو باید باموزیم ۱۰۰۰ احترام به رفیق سزنان سن، تا آخرین قطره خون خود ذره شما ایستاده ایم ۱۰۰۰ " فعلا شعار کمالا تغییر کرده بود . (سزنان سزنان سن را به ده هزار بارجه باید برهد) ()

مکن از روفیسوزان پوهنتون نپهاریک بنام (اوکسانا اونیک) در سال ۱۹۷۱ - چندین هفته را با سزنان سن سپری نموده بود چنین اظهار نظرمی کند: پسزبان سن را باید به مشا بهیک فرد با شعامت پسر هادی و پسر بره پیشگام انقلاب یاد کرد) سزنان سن چندین سال را در ستر مین سیری کردی در مسکو تحت تدای قرار داشت داکتران میگفتند کهوی به مرض سرطان دچار میباشد . اما با شعامت نهادحتی مرض سرطان را به زانو در آورد .

سزنان سن همیشه احساس عدم اعتماد نسبت به مائو داشت . مائو بعد از طلاق خانم اول خود که یک دختر مادی از فامیل دهقان بود بر اساس اصرار فامیل مائو با دختری از یک فامیل روشنفکر ازدواج کرد از او نیز همراه با سه طفل وی جدا شد . زن سومی مائو بخاطر (اخلال دماغی) به بیمارستان عقلی و عصبی نگهداری میشد . مائو علاوه بر آن دوهمرت نزدیک را (پوشا - وسی و لنهین پهاو) را بقتل رسانند آما سزنان سن نمیتوانست خود را آسوده احساس کند ؟

انقلاب فرهنگی از یک طرف سزنان سن را در کرسی بیوری سیاسی حزب کمونیست رسانید ، از جانب دیگر چین را به عقب راند و جوانان چین را از لحاظ اخلاقی و روحی معیوب ساخت . سزنان سن را مانند (لاورینتیا سها) - مردمانی محاکمه نمود که در مقابل مکتب خود بی اندا و مقصر و گناهکار بودند . ملت چین باید تحمل داشته باشد که واقعات جدید در باره ماسر چهارمی مائو برآید مانند همچنان این تحمل را باید داشته باشد که واقعات نهادی را که از سالهای ۱۹۴۹ بدین سو در آنکشور اتفاق افتاده بدانند .



پیوه مائو

خودکشی کرد

از مجله عصر نوین چاپ اتحاد شوروی
ترجمه احمد سنها

همسر چهارمی و اخیری مائو خانم (سزنان سن) هنر همیشه سابق و عضو بیوری سیاسی حزب کمونیست و مشا به الهام دهنده (انقلاب کلتوری) در حدود سی سال با بیگبری و تلاش زها د تقیها موفق شد تا به تنهایی بالای بزرگترین ملت سزنان حکمفرمای کند ، وی تصویری کرد که به هدف خود نزدیک است اما بعد از مرگ مائو قربانی مبارک قدرت که خودوی به هاسال مصرف آن بود گرسد .

قبل از مرگ خود مائو برای وی ضمن نامه نوشت: (فعلا مازهد مگر جدا مشوم هر کدام در جهان خود بسر خواهیم بود ، صلح و بیوری را برای همه ما آرزوی کم . ممکن این چند جمله آخرین پیام من برای تو باشد . زندگی انسان محدود است اما انقلاب سرحدات رانمی شناسد اما تو میتوانی به عالیترین مقام برسی اگر توبه این هدف نایل نیامدی در آن صورت به صورت گنم سقوط خواهی کرد ، تن تو پارچه پارچه خواهد شد ، استخوانهایت خواهد شکست) ()

مائو ضمن به تاریخ ۹ سپتامبر سال ۱۹۴۷ در گذشت مراسم سوگواری او هشت روز طول کشید . در سبد گلی که برای مائو همسرش سزنان تمبه دیده بود نوشته شده بود: (شاگرد و هممرت تو ۱۰۰۰) و تمدا نی خواست بیوه مرد کبیر باشد بدین ترتیب خواست این مطلب را افشاده نماید و تصمیم گرفته بود تا جایی او را پر نماید . سزنان همیشه خاطر نشان میساخت: (پگا - نه را می گاز تبدیل شدن شخص به مهره شطرنج جلوه گبری می کند پدست آوردن قدرت است) (۱۰) خلق مائو اقای هواگو فسن تمبه این شکل فکرمی کرد .

هواگو فسن فرمان داد تا سزنان سن را از عضویت بیوری سیاسی حزب کمونیست چین اخراج و در زندان انداخته شود . پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین به " بهترین " اسم وضو جنبش کمونیستی جهان داخل اقدام گردید . کمیته مرکزی خطاب به مردم چین چنین اعلان نمود: عضو بیوری سیاسی خانم سزنان سن در سال ۱۹۳۵ توسط سزنان جاسوس (گویندگان) استخدام شده بود

و در سال ۱۹۳۷ با اینهان نمودن هویت خویش واقعیت را گمان نموده اصل و نسب نمودالی خود را پنهان و بدین ترتیب در حزب راه پیدا کرد در زندان سزنان سن نمیتوانست ببیند

چگونه خواهد آمد؟



نخواهد داشت.
چنان برای عدد از شهرستان
گاز مایع نیز آماده فروش است
که انتقال آن در شهر کابل
رودت گرفته شده است

منبع صحبت: معاون اول
وزارت معیشتی و گاز

۱- ذغال سنگ:
امسال در نظر است تا در
توزیع ذغال سنگ بی غداست
های سال های گذشته تکرار
نشود. تثبیت شده است که
پتجاه هزار تن ذغال سنگ
به کابل وارد شود. در زمینه
رهایست ترا نسبت سکتور -
خصوصا تا اخیر عقب مانده
در این مساله است البته
انتقال آن از همین اکنون آغاز
شده است و در دروازه تاجیه
شهر تذخیر آن ادا به دارد
برای سهولت تعریه تحویل
پول در شهری شانگه های
مختلف و در بانک های مختلف
قابل اجراء است. باید خیسر
قسمی ذغال توزیع آن آغاز خوا
هد شد. البته قبل از توزیع
است های مستحقین تثبیت
شده از طریق نواحی شهر
کابل این پروسه پیش برده می
شود.

منبع صحبت: انجنیر فضل
احمد رئیس برق کابل

۲- انرژی برق:
خوبه فخانه امسال بنام
باران برق های زیاد سال
گذشته وضع آب نسبتا بهتر
است و از این جهت بر چسای
برق در وقت های طولانی تر
صورت میگردد البته در هشت ماه
در امسال مشکلات بهالاستر
برچای وی برق به وجود خواهد
آمد. زیرا در این فصل بخش
بهتر مردم به مصرف برق توجه
بهتر مینمایند و بر علاوه
تغییر سخت و بز توسط برق صر
رت میگردد. ظرفیت های مو
جود تولید برق برای شهر
کابل به تناسب مصرف آن نا
کافیست

۳- گاز مایع:
در این حال تقویت بیشتر
و امید کثیر است انتظار داریم
حکومت که در جلسات شورای
وزیران به این موضوع اهمیت
زیاد قایل است واقعا بتواند
نیات و پلانیهای خویش را در
تحقیق پیخشد امید وانیهای واکه
مردم از جریان تغییر جلسات
شورای وزیران به دست آورده
اند در عمل مشاهده نمایند.

شهر کابل توسط ۴۴۰
برق و ۳۴۰ برج برق بر
به فایده کات و در ویردولش
از انرژی برق مستفید می
در بخش برق انرژی حرارتی
مشکلات عدم موجودیت تپسلی
وجود دارد و فعلا در ایمن
مورد مشکلات کماکان پابرجاست
وزارت آب و برق با اصلاح
نتاز پروژه های جدید میتواند
برق بیشتر را تدارک نماید به
اسمار و وجود پولی نیاز نیست
است که با مساهد شدن امکا
نات تسهیلات فراهم می شود
و بیشتر اینکه برق به موجودیت
آب در دریا های که در مسیر
بند های برق جریان دارد
متعلق است.

۴- تعمیرات:
در حالت موجود معنی
پوست کده مسؤولین اینست که
تخل به مقدار کافی وجود ندارد
ناید تهیه شود. ذغال سنگ
هنوز به مقدار کافی به کابل نرسیده
شاید برسد. برق فعلا
وضع بهتر دارد اما ممکن است
وضع آن بد تر شود و اما مردم
چه کند؟

۵- وضعیت اقتصادی:
وضع اقتصادی خرابی در این
دوره به قدری است که مردم
در این حال تقویت بیشتر
و امید کثیر است انتظار داریم
حکومت که در جلسات شورای
وزیران به این موضوع اهمیت
زیاد قایل است واقعا بتواند
نیات و پلانیهای خویش را در
تحقیق پیخشد امید وانیهای واکه
مردم از جریان تغییر جلسات
شورای وزیران به دست آورده
اند در عمل مشاهده نمایند.

گزارشگر: لیلیه سیدی

۱- مواد نفتی:
تهیه و تدارک مواد محروم
قانی در فصل زمستان برای
شهر کابل کار خلیس
مشکل است از یکسو مشکل انتقال
لات و از سوی دیگر کمبود
محرو قانی از طرف هم انتقال
مواد به مرکز دست به دست هم
میدهند تا مشکلات را جاکسر
سازند.

۲- رسانهای اخیر بنا بر کمبود
چوب ذغال سنگ و انرژی برق
فشار معنی بالایی مواد نفتی وار
شده است به همین سبب نفت
کمیابی کم شده است و از جوری
نیت آن در بازار های جهان
افزایش یافته است.

۳- در سال جاری حکومت تصمیم
دارد تا از منابع داخلی مقدار
نفت خام را تهیه نماید همچنان
تداوم اشقات شده تا شرکت
های نفتی بین شخصی مسو
نفتی را تولید و از طریق پست
استیشن های در ولش توزیع
آن را تنظیم نماید تا نیای
در این زمینه وجود دارد تیار
داد های هم صورت گرفته است
البته برای شهر کابل کویون
های جدید جهت برای مسو
نفتی توزیع خواهد شد. قسم
استثنای برای مستحقین فروش
در یافت مواد نفتی و مسو

از جمله سال به این سو
مهمان عزیزین ما می شود.
ایامی مردمی که آتش و نان
سال ۱۳۲۷ را که کودگان
های تنگ شک شدند و به خاطر
گذشته را البته که بابت آن
ما بوده است البته آنچه که در
میتواند بکند از مواد
دست میاید ولی حقیقت اینست
هم سوزان را درک میکنند
ولی با آنهم خانه ای که سرد
است نان میطلبند و تن
حکومت در مسالهای گذشته
مشکلات را بر دوش گیرد و
حل یک سلسله از مشکلاتی که
به شهر کابل به وجود آمده
که کابل شهر چند بار اگر
تسخن خانوادها توزیع مواد
شهریه بنا بر آخرین بودن
بخدمات اجتماعی مشکلات
من نبود. آیا قادیار حکوم
دسترس است عادلانه توزیع
ما برای زمستان مثال روان
زمستان خواهد آمد اما بی
هنوز چنگه میبارد و هنوز
خانوادها را جوانان و نان
نگهدارنده آنها را از صحنه
ستم مسو این امور به سوالهای
بگویند که واقعا چه داریم
آیا مردم تقویت داشته یا

راپورتاژ

احتیاط کنید!

تقلب

در



وقتی به شهر میرویم و میخواهیم
چیزی بخریم در هر مورد در هر
قلم و سواست داریم که می-آدا
تقلیب باشد، مبادا کم باشد
مبادا فریب بخوریم و ازین گونه
تقلب امروز نه تنها در سنگهای
غیرشیشه بلکه در اجناس ولوا نیز
متشلف، خوراکی ها و مسکه
اجناس وجود دارد. کفتر
کسی است که قادر باشد یک
تولیدکننده را دیوکت یا
ویدئو تپ جایانی اصل را با
ساخته هوش آن که از اینها
کوبه و تاپوان می آید فرقی بگذارد
مثلا بسیاری همانند اینند
که تاریخ سری شده ادویه و
پنیر، کرم دندان، لوازم
آرایش، رب پادنجان رومس
کمر و هاشم خشک، پنیر، مسکه
روض و ازین شمار را چگونگی
در نظر بگیرند و چه عواقب
منفی را این تاریخ سری شده
در قبال خواهند داشت؟
من گزارش خود را از - آه فر-
چشکا مهرکه افغان اعظم می کنم جا-
یک تقریباً یک از نقاط مرکزی

محمد جا در محمد خیر

شهر است . در اطراف دیکانهای مختلفی وجود دارد . و آنسو دست فروشان و فروشنده گان دوره گرد . کس بالاتر تصایب و در کنار آن رستوران ، در مقابل بازار و فروشگاه بزرگ افغان و افغان نشنل بدر جست غریب شویخ پری ها ، شور - خود و پشتو بعد از نه سزای لیلان !

میخواهم از ترکی و میوه فصلی خریداری کم چسی صمیم :

سنگ وزن که از خشت و آهن های عالی نمعه شده معادل وزن حقیقی نیست ترازو های بانگ دار اند و اگر یک جنم بر او در دونه ترازو بسا تعویض جا وزن کس می بینی که یک پاو ، پاو نیست و چارک حتی سه پاو نیست !

بالای کراچی سبب فروش تکه سرخ رنگی نصب شده که سبب های سبز و خام را پخته می نما - یاند وقتی در خانه سبب های چیده شده خود را بار دیگر

می بینی متوجه میشوی که تریب خورده ای !

میخواهم بزیج و ماشرو لوبیا را قیمت کم . نرخها خیلی گران است و دکانداری که میخواهد خود را صادق تجلوه دهد میگوید برادر بازی نخورد و تمام بازار بزیج خوب نیست نه سبب میدهند ، فقط من خودم از بخلان بزیج خوب آورده ام به تمام سده برایت میدهم . آبا باور می کسی سر راهم خانمی آمد که خرید طه - می از سودا در دست داشت پرسیدم :

خواهر ! چی خریده ای؟ - گفتم از منای کویونی گرفته ام . علاقه گرفتم وزن آنرا دقیق بسازم زمانیکه ۷ کلو بود و وزن کردیم ۶ - کلو بود و وزن نیز مقدار کمتر از اصل بود .

برای خرید تخم من نمز باید - آنرا در مقابل نور آفتاب بگسری که مبادا بجای زردی و سفیدی ، چوجه می در آنجا باشد - و زمانیکه میخواهم از تکه فروشی چوری رانین بگم نمیدانم

کدام جنس تکه اصل و کدام بدل است . یک متر قافه را باید به پنجم افغانی بخن ایسا این پنجم افغانی راه آب - انداخته ام با چیزی بدر بخور خریده ام .

وقتی آنرا تکه را می کشند می بینی که حتی یک سانتی آنرا به نفع خود می برند . شهر خشک را نمیتوانی فرق بگذاری انواع و اقسام شهرهای تازه خور شده را می بینی که به قیمت های مختلف از ۱۲۰۰ تا ۲۶۰۰ افغانی به فروش میرسد . جالب است که مثلا در فروشگاه انوب واقع مکرهون سوم یک کلو شهر خوب ۱۰۰۰ - افغانی است اما در شهر همین شهر

به ۲۶۰۰ تا ۲۰۰۰ چسرا ؟ یقینا که در جای اولی انصاف است و در جای دوم نیست و آیا کدام مرجعی وجود دارد که شهر تاریخ گذشته را از بازار جمع آوری کند ، چرا که بیشتر این شهرها بصرف ساختن آیسکرم و شیرینی ویا اطفال

خورد سال میرسد .

در سزای لیلان با بعضی نمونه های از لباس های ساخت وطن برخوردارم که بنام لیلانی فروخته میشود درین باره تجربه نمیکم . دوستی را دیدم که با تصایب دعوا داشت پرسیدم چرا ؟

گفت دهر روز از او گوشت خریده بودم در خانه متوجه شدم که گوشت بو میدهد معلوم شد که وی از مزاولین گوشت گوسفند یا بزوانج شده میخواهد و در طول راه این گوشت ها بوی گزند اصلا در باره تصایب های سار با - گفتم هیچ تصنیف وجود ندارد که این تصایب ها مطیع باشند مردم به گوشت های سن و خون دار که بمعنای ذبح نشدن حیوان است توجه نمی کنند . درد و آخانه میخواستند ادویه خریداری تمام اما متوجه شدم که اکثر دواها هندی است و این راه را ترجیح میدادم که اکثر دواهای ساخته چینه در صفحه (۸۴)

منهم هر که را بخوایم و پس از آنکه در روزناحی راه را با او نمودم در پرتوغو خویش

ایراهم در کام امواج آتش و دود فرو رفت و شعله های خروشان از هر سو او را فرا گرفت و غمزه آتش صدای او را فریادشاند. اکنون بسوی منم آتش با ابراهیم چه کرد؟ آتش نهاد و منند های ابراهیم را بسوخت و بکذاخت و او را آزاد ساخت و خدا تعالی سوز وحدت آتش را از او فرودگذاشت و او را بر او سوز سلامت ساخت.
پس از چند روز که دود و شعله آتش فرو نشست، قوم منظره ای عجیب دیدند مشاهده کردند که ابراهیم سالم و سرخوش و آزاد بیاورد عوت مشغول است. ایمن منظره ایشان را متحیر و مبهور کرد همه طوری که از شدت انفعال و شرمندگی سرها را به زمین افکندند و ستواری و متفرق شدنند.

ابراهم در سوره

این سرگذشت حیرت افزا و معجزه عظمی و نمود را جز طعمان و عدوان نفوذ زهرا ابراهیم را دشمن دستکام جلال و هدام بنهان جبروت خود میدید از این رو ابراهیم را بسوی خویش خواند و با او بنای مجادله و احتجاج گذاشت وقت این چه فتنه است که برانگردد ای وایمن چه آتش است که افروز خسته ای؟ و آن کدام خداست که بسوی او دعوت میکند؟ مگر بجز من خدای سراج داری؟ و باغزار من محمودی را سزاوار عبادت میدانی؟ کست که در مرتبه ازم افزون باشد؟ مگر نمی بینی که تصرف میدی بر این زمین و این آب و خاک؟ قضایادزدت من است؟ فرمان من نافذ و حکم قاطع است و مردم چشم بر حکم و کوش بر فرمان من دارند و همه بمن امیدوار و از من هراسانند آیا با وجود اینها در خدایت من تردید داری؟ سپس گفت: چرا اتقاد و اتحاد مردم را بر سر زده ای؟ و تنها انسان را در رم شکسته ای؟ هرورد کاری که سوئی و دعوت منی ندانستی؟ و خدایت که خلق را بعبادتش مجوایی کست؟

ابراهم با اعصاب آرام و خاضری - مطمئن و بیانش روان در جواب نمود گفت: هرورد کار من آند است که جان من بخشد و جان مستانند و تنها اوست که خلد را ایجاد میکند و نابود میسازد و تو عالم بشمار میآوری و آن را تا پایان عمر من فرو و جان معدود زده میسازد. در اینجا سند احتجاج نمودند ابراهیم دانسان او همام نمودم را در رم شکست، ولی نمودم از سر فرورد و جبروت راه منبره و مجادلنه پیش گرفت و از روی مبالغه با آن من سلسله گفت:

قصه ابراهیم
برای سوره مبارکه صافات

زنده میدارم. و همچنین هر که را بخوایم بفرمان خویش بچنگال مرگ میسازم و جان از گالندش بدرد میآورم.
نمود بد بختونه جمال حقیقت بیان - ابراهیم را در خصوص ایشانشا محبات بخشیدن و باز گرفتن آن در پرده سلسله و مبالغه بپوشید و دست بدامن حبله و تزویر زد و ولی آن مغرور جاهل کجا میتوانست در برابر قدرت نبوت و سهل حجت ابراهیم پایداری کند؟

در این هنگام ابراهیم در جواب او - گفت: خدای تعالی خورشید را در جنبش تسخیر کنیده و برای او نظامی تخمیر نماید بر بر فرار ساخته و هر روز آن را از مشرق طالع میسازد. پس توه اگر چنانکه ادعا میندی قدرتی داری این نظام ثابت را تغییر ده و آن را از مغرب بر آور.

در اینجا نمود زیر ضربت نیرو مند استند لال قوی میبهرت شد و گمراهی و جهل و عنادش از پرده بدر افتاد و در روغن آشکار شد. اعصابش بلرزه در آمد و ترسید که پایگاه تخت جباریش در رم شکست و ولی در برابر این حجت باهر و برهان ظاهر چه میتوانست کرد و از اینرو اندیشید که اگر با او مستیزد و آشکارا دشمنی کند رسوا شود بیفزاید پس ناچار او را حال خود گذاشت و درانتظار فرصت انتقام بنشست. سپس نمودم جاسوسان خود را بفرست

ساره بدون شوهر است پس فرمان داد

پراگند ساخت تا مردم را از نیروی ابراهیم بر خند سازند و از اطرافش بپراگندد. و ابراهیم از جهت سخت گیری و آزار نمودم بسوزنشت همه مصلحان ام گرفتار گشت و کم کم عرصه پراگند شد و بخت هجرت افتاد و همی دعوت خود را از آن سرزمین بپرکت که در بر این نسیم تو خندانگی بر شاخصا - رش نشکفت باز گرداند و قوم را در محیط استحفا و عذاب پشت سر نهاد و آهنگ فلسطین کرد و ولی در مسیر خود مدتی در شهر حران توقف نمود.

ابراهم در سوره
قحطی و خشکالی فرارسید و اسماعیل بطور بی سابقه ای بالا رفت و کار زنده کی در شام دشوار شد پس ابراهیم ناچار

آنکه مصر گرد و همسر خود ساره را نیز همراه خود برد و در آن تاریخ حکومت مصر با یکی از پادشاهان عرب عمالیق بود که روز کاری در آن سرزمین سلطنت داشتند. ساره جمالی خویره کننده داشت. پس یکی از بداندیشان در استان او زببانی فوق العاده اثر را بشاه خریداد و او را شفقت جمال ساره ساخت و نگرفتن وی ترغیب و تشویق کرد.

این بیان با هوای دل شاه موافق افتاد و برای اجرای آن منظور ابراهیم را احصار کرد و از نسبت او ساره جو باشد. ابراهیم مقصودش را دریافت و ترسید که اگر او را از حقیقت آگاه سازد قصد جاننش کند. تا مانع را از سر راه خود بردارد از اینرو ابراهیم گفت: او خواهر منست و مقصود ابراهیم خواهری در دین و زبان و انسانیت بود. شاه چنان پنداشت که ساره بدون شوهر است پس فرمان داد

ساره در نزد پیک جان دادن بود.

تا او را بقصر سلطنتی برند. در این هنگام ابراهیم نزد ساره رفت و داستان را با او در میان نهاد و وی را فرمان داد که بیان واقعات را تا میسر کند و سپس او را بدست لطف و نظر عنایت خدا سپرد.

ساره را بقصر شاه بردند و در زیباترین لباس و جواهر آراستند ولی او آن روز دور اعتناشی نکرد و در دستگاه جلال شاه را به چیزی نگرفت و فکر شوهر و عاطفه و خانواده او را در زاویه اند و در تا شیر گوشه نشین ساخت.

پس چون شاه بسوی او آمد و حال حزن و آه و غم را دید و نوشید تا غمش و اندوهش را تخفیف بخشد و خوف او - حشمت را تسکین دهد و ولی در آن حال اضطراب و آشفتگی شده پدی احساس کرد که ناچار از ساره روی پرتافت و باز چون آهنگ سارمکرد دستخوش همان پیشانی و اضطراب خاطر گشت از اینر و بسختی

از ساره بهر اسید و او از شدت پیشانی در رستخورد بیماری را دید و چون بخواب رفت در عالم رویه یابری حقیقت حال واقف شد و دانست که ساره شوهر دارد و باید متعری او شود و او را بحال بیدار کند و چشمش بدو را روشن کرد. چون شاه از خواب برخاست دانست که ساره ای جز آزاد ساختن ساره ندارد پس هاجر را بحتوان خود متکاری باو بخشید و او را به ابراهیم سپرد.

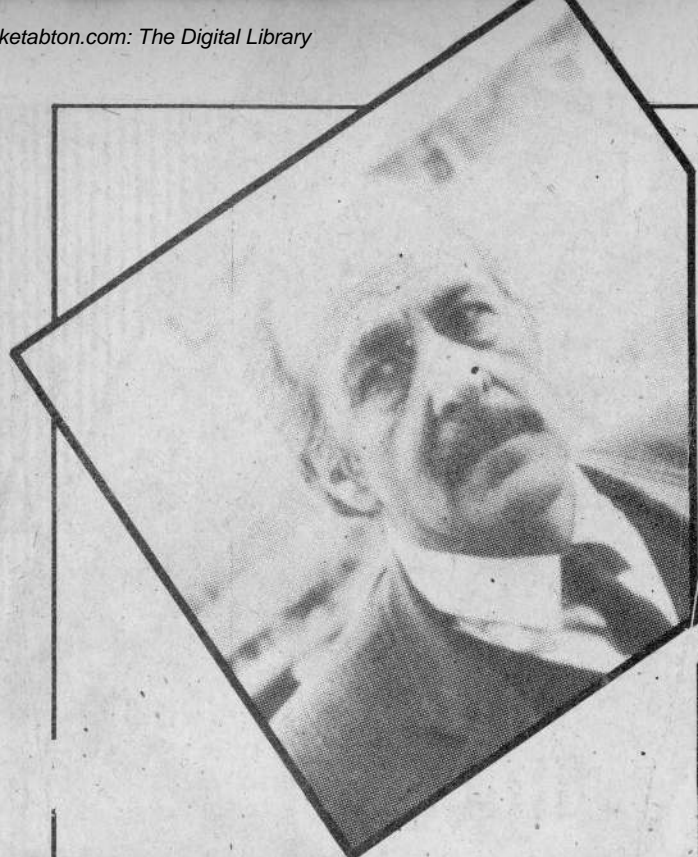
اسماعیل
ابراهم با همسرش ساره و هاجر خوا- ده همسرتر از ابراهیم بسوی فلسطین رهسپار شد و امواج و مونس فراوان خود را نیز همراه برداشت و در میان اهل و عشیره خود و جمعیت کوچکی که با او ایمان آوردند مسکن گزید.

ادامه دارد

بحدی رسید که دیگر امید فرزند آوردن نداشت. پس به ابراهیم اشاره کرد تا باکوشش و جگر کوشی باها و گرامسی و فریادها بود همبستر شود و تا مگر از او فرزندی بوجود آید که شبستان زنده - گهشان را روشن سازد و سوت غم افزایش خانه ایشان را در رم شکست. ابراهیم از زاری او بیرونی کرد و ویدی - نکذشت که پسری پاکیزه از هاجر و ولادت یافت که او اسماعیل نامیدند و قلب ابراهیم لبریز از شادی و خرمی و دیده اش از دیدار فرزند عزیز روشن شد و ولی آتش غیرت در دل ساره زبانه کشید و طوفانی سخت از حزن و آه و غم فرا گرفت و واز سخت خواب و آسایش بی بهره اش ساخت و نگارش بجایی کشید که قدرت دیدن اسمعیل و تحمل مجاورت هاجر را نداشت. در این طوفان روحی و انقلاب نفسانی سهیمین که زنده گانی ساره را از هر سو فر گرفته بود و جز در ساختن اسماعیل و هاجر چاره ای نبود از اینرو از ابراهیم خواهش کرد که هاجر و فرزندش را بد ورتربین نقطه ای از آن سرزمین ببرد که دیگر صدا و خبری از ایشان نشنود و از شکسته دیدار در امان بماند.

ابراهم بفرمان الهی خواهرش او را - پذیرفت و هاجر و اسماعیل را همراه خود برداشت سواره از شهر منبره آمدند و براهنشای خدای تعالی و در پرتو عنایت او همچنان راه میبردند تا بجای کمبسه رسید. در آنجا بفرمان الهی هاجر و اسماعیل را فرود آورد و در آن سرزمین سی آب و علف و بحال ضعف و مسکنت بسیار سرمایه مختصری از طعام و ظرف کوچکی از آب و ولی با قلبی لبریز از ایمان و امید واری بخدا فرود آورد و بازگشت ابراهیم آن مادر و فرزند را در دامان پهن و گسترده آن بیابان جای داد و با آنکه بازگشتن هاجر بدانش آویخت و نشان مرکبش را بگرفت و گفت: ای ابراهیم و بجزا مبروی؟ و سارا درین بیابان سهیمین بنه میسپاری؟ هل جبر باین سوله میخواست عواطف ابراهیم را تهمیج کند و دلش را برفت آورد و شاید در این میان اشاره بقداقه فرزند عزیز هم کرده و او را واسطه قرارداد داده باشد و و از بیم ترسنگی و تشنگی کشنده هزاری باشد: اکنون که مرا باین طفل بگشاید در این بیابان خطرناک میگذاری چه کسی ما را از جنگال گرگها و شریبای حفظ میکند؟ ما با کدام نیرو میتوانیم در تابش آفتاب سوزان و گرمای طاقت فرسای

هاجر جد و جهد و کوشش بسوا کرد تا مگر از آن گرفتاری و پریشانی راه فرار و نجات بیابد و چیزی که از همه بهتر او را - مضطرب میداشت منظره فرزند عزیزش بود نصیحت بخود می سپرد و پیش چشم مادر نزدیک جان دادن بود.

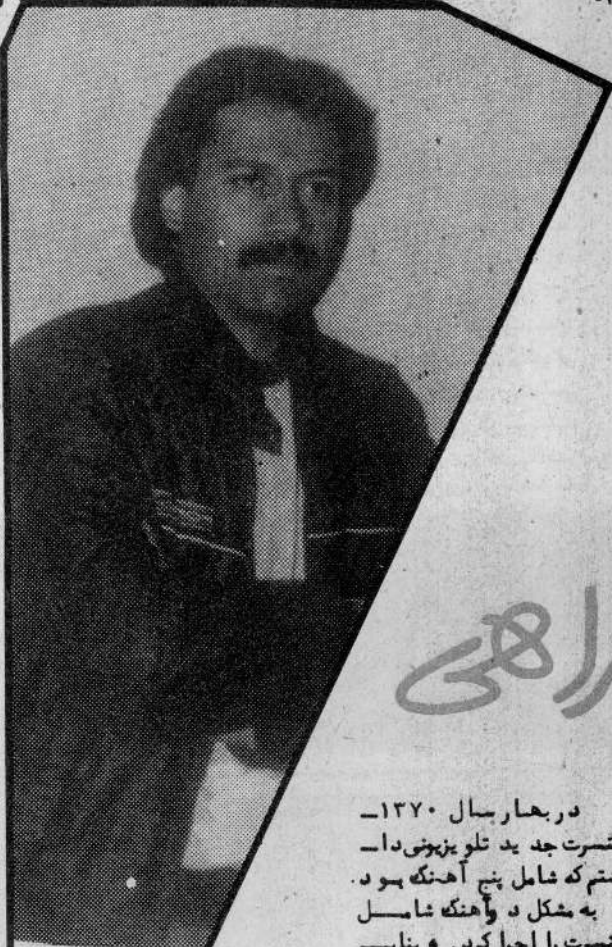


جسور: «تاریخ مادرونی»

سواى کارکرد هایم در بخش
درام های رادیویی و اجرای -
پارچه های تئلی رادیویی و
تلویزیونی - روفیت برجسته ام
در اوایل بهار امسال نوشتن
سناریوی فیلم تلویزیونی «ندای
مادر وطن» بود که تمام کردم
و عنقریب به کارگردانی عزیزالله
هدف روی سن خواهد آمد .

چرا دستگیر شدی؟

تهیه کنند بزرگه هاجر



راهی

در بهار سال ۱۳۲۰ -
کنسرت جدید تلویزیونی داد -
شتم که شامل پنج آهنگه بود .
به شکل د و آهنگه شامل
کنسرت را اجرا کردم و بنا بر
نمود و کمبود نوازنده گان نتوا -
نستم سه آهنگه دیگر را نسبت
نمایم . امیدوارم ریاست رادیو
تلویزیون کشور یک کمیسیون
اصلاحیت ثبت آهنگه ها بسا
وسایل موسیقی را ایجاد نماید
تا آواز خوانان مابدون سخته کی
کارهای هنرمیشان راد نبال
نمایند .



هدف

«سخن بی عمل نمیتواند»

داشته باشم که نظر به محدودیت
دیت های سفرم به تعویق
انداخته شد . کارهای کوچک
و رادیویی ام را آن قدر قابل
یاد آوری نمیدانم .

نمیخواهم برای علاقه مندان
هنرم و خواننده گان مجلسه
«سخن بی عمل» داشته باشم -
شم من در اوایل سال تصمیم
گرفتم سفری به مزارشرف



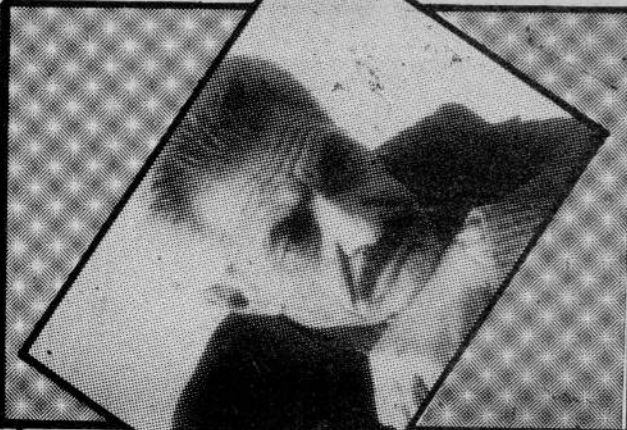
یاسمین یارول: نقشی برای «عبرت»

در طی چهارماه اول سال در
تئاتر آدک هانقش مرکزی رادا -
شتم که خوشبختانه در نقش ایوال
تئاتری در سطح کشور جایزه -
اول را گرفت ه افزون بر آن در
همین گذشته هانفلم کوتا مسینا -
بی سایه به کارگردانی نصیر -
القاس به پایان رسید و به نما -
پیش گذاشته شد ه فعلا مشغول
اجرای نقشی در تئاتر تلویزی -
ونی عبرت استم .

همایون سخندی:

در جریان چهارماه گذشته
مصرف بازی در فیلم سینمایی
خاکستر بودم که کار آن به این
گذشته های نزدیک به پایان
رسید و من در آن نقش مرکزی
را داشته ه همینان درین روز
ها در فیلم تلویزیونی شکوت و
تئاتر خواستگاری مشغول شوم -
تنگه و تهرین استم که به
این زودی ها به نمایش خواهد
آمد .

بازی در خاکستر



ف. فضلی؛ که دالبردی...

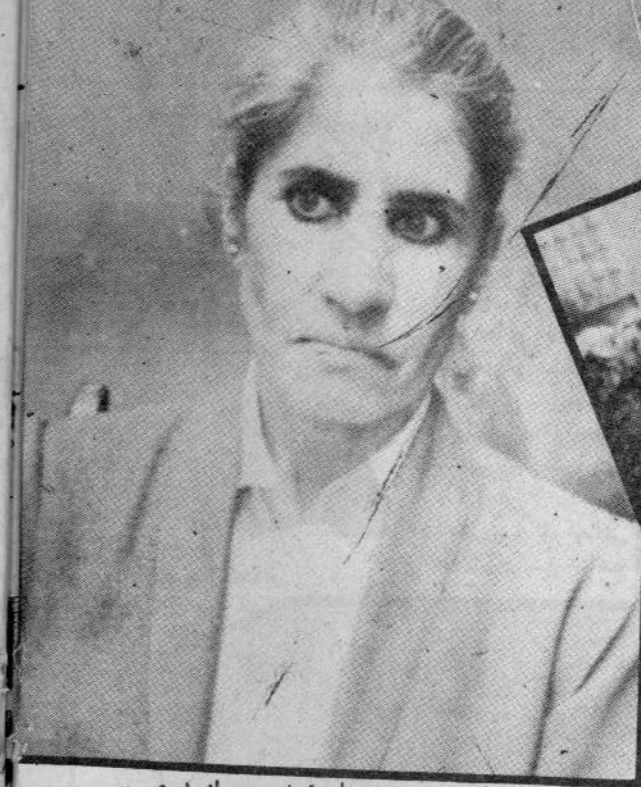
توکی بی خپله هم ډول او بوم
د نوي کال او اخترونو په مناسب
مي دراديو له پاره اتم تشلیس
پارچي جوړي کړي اودغه راز په
همدغو مناسبو نومونو د تلویزیون
په پاره هم پنځه پارچي
جوړي کړي چې په دوو کې سې
پرتله هم درلورې دغه راز
د پانوکړه په تیاتر کې هم
ډول اجرا کړ او د کونکورې او
کجره په فلمونو کې هم ښکاره
که دالبردی نو وروپایست؟

زما کار ته په ختم ډول
ډول دي د راديو د رامونه
او داستانونه زړي کې اوپه...



مشغل شریار؛ په محي تداشته لم؟

پېرسید چقدر فعالیت -
نکرده ام د راديو درامها
وداستانهاي دنيا له دار هم
نقش داشته ام وهم زده کړه ام
در سهال دکونکورې زوي نقشتر
داشته ودر فلم خاکسپرنهيز
په ډول را دې کړم د بزنامه
ترانه جاز انشايس را په صورت
شما چي پيدکې چې نکرده ام؟



په خیر...

د اخذوري د پښتو تشلیس
د نرتکه لو بغاري چې اوس په
سفر کې ده دراديو په درامونو
او داستانونو کې یې غوراوینا.
پسته برخه اخيستې ده
د پانوکړه په نمایشنامې کې نښه
وخلپېده او د نوي کال او اخترونو
په راديو او تلويزون کې
پروگرامونو کې اجرا کړي
اودغه شان مود شاه محمدا و
موند سره د خوشحال د فرمې
ټولنی هنري وله جوړه کړه او
لو مړنی پروگرام مودگل او غزل
په ناه د پښتو سندرو سینه -
والوته وړاندې کړ



د گل او غزل پلانا مه صها

سوکال ماتي نوو کونو له سر
فعالیت وکړه د کال په لومړي

د حاجي محمد کامران الوتنه



د سرواړو په کار په دي
مور کې زما د (ادمکها) په تیاتر
کې وو دغه نمایشنامه چې په
تلویزیون کې هم نشر شو د
افغانستان د هنر مندانونو اتحاد
په لخوا په جوړشوي فستیوال
کې یې لومړي مقام او جایزه وکړله
د دغې نمایشنامې لیکنه د قدير
چرمانين وو اوداستاد لیکنه
خوا د ابرکت شوي وو نورخو
په نوي کال او اخترونو کې
لنډې تشلیس پارچي اجرا کړي
او وروستۍ کار یې په انتقا دي
پارچه وو چې له هغې سره
هم الوتنه وکړه

آیا چي داشتید؟

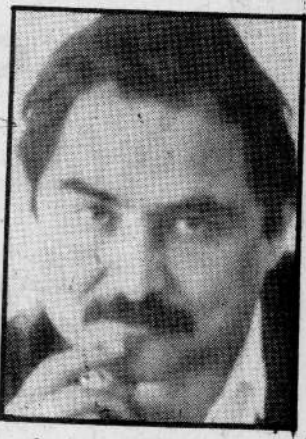


دین محمد هیل من دی

د په ډېره مینه او شوق کار
کړ د سترې خدمت په پای ته
رسولو د موسی ریاست ته را-
فلم تراوسه مې په هنري برخه کې
ډیر کار دی کړي و خوتنه
په هره مباحثه کې مې یوه نوی
سندرو ویلی ده هیل من مې
د نوي ماموریت سره زمانوي
سندري هم زیات ش

جوان شریار و کنار

د رطل چارماه اول سال
سفری داشته به کشور تاجکستان
ناظم مشترک افغانی و تاجکی
را زهر نام گلزاره کارگردانی نمایم
این فلم با پرسونل فنی سونایی
هر دو جانب رنگسینما سکوب
تهیه خواهد شد و هنرپیشه
گان هر دو کشور د ران نقش
های خواهند داشت کار فلم
پرداری و شونتکه آن به زودی
آغاز خواهد شد





ترجمه: آماسی

صحنه‌ها

سونیا گاندی با ارسال نامه احساساتی از دیرش ریاست حزب را باور زد.

بعد از آنکه خاکستر راجیوگاندی صدر اعظم سابق هند در ظرفهای مخصوصی جایا گردید، در نیمه ریل مخصوصی در حالیکه اعضای کمیته کار حزب کانگرس آن را بدرقه میکردند به الله آباد فرستاده شد. ریل در هر ستیشن توقف میکرد تا سوگواران آن را از نزدیک ببینند. در حقیقت سفر مذکور آغاز گردید و در همین مراسم کهن این انتخابات بود.

مگر حرف عیده برای حزب کانگرس "اندرا" همانا انتخاب رهبر بود که بعد از ترور راجیوگاندی برای چندین روز حزب مذکور نتوانست کسی را در باید که جای راجیو را بگیرد و یا اینکه جبهه واحدی برای انتخاب سونیا گاندی به وجود آید. رهبران حزب کانگرس در عقب درها نشسته مصروف رزم و پیکار زمین جانشین کردن شخصی به جای راجیو گاندی بودند. چنین جا رو جنگال بعد از انشعاب سال ۱۹۹۹ در حزب مذکور به وجود نیامده بود.

یک بار دیگر یک آدم که لباس آستین کوتاه پوشیده بود و آری کی. داوان نام داشت به روی صحنه ظاهر شد و خانم سونیا را به پیش کشید تا رهس حزب کانگرس شود. آقای داوان را گروهی از رفقای راجیو کمک نیز کرد. لحظه ای که آقای داوان از مرکز راجیو اطلاع یافت همه بی نمایش رابست دست خود گرفت. با ماموران حکومتی

و رهبران سیاسی کهها را هماهنگ ساختند و رول خود را خوب بازی میکرد. وقتی که خانم اندرا گاندی کشته شد همین آقای داوان بود که رهس جمهور زایل سنگ را به یک اشاره فهماند که راجیو گاندی باید به جای مادرش به حیث صدر اعظم انتخاب شود. به هر حال پیشین همان روز که راجیو به قتل رسید آقای داوان اشخاص چون میاتیش شرماء و جگدیش تاپلر و غلام نبی آزاد و فوتیدا رو مکن لال شرماء را باهم جمع کرد. آنها فقط نیم ساعت باهم نشستند و تصمیم اتخاذ کردند که سونیا باید به عوض راجیو به مقام ریاست انتخاب شود. باید گفت که افراد فوق الذکر همه همکاران شخصی راجیوگاندی در امور سیاسی بودند. مگر وقتی که کمیته کار چهارده نفری حزب کانگرس در همان روز باهم جلسه کردند و نتوانست کسی خلی ایجاد شده یا مرکز راجیو را بپرند. مگر در این میان رهس حزب کانگرس در ایالت مدیا پرادیش آقای ار جون سنگ پیشنهاد عجیبی کرد. او به همکارانش گفت:

"حزب کانگرس سقوط خواهد کرد و کشور پارچه خواهد شد. برای آنکه هر دو آن را نجات دهیم باید سونیا در راس قرار گیرد. پس بیاید که همه از سونیا تقاضا به عمل آوریم تا مسولیت را بپذیرد." مگر یک تعداد کمی از آنها جرئت کردند

که در برابر پیشنهاد قرار کردند و از آن جمله آقای کرشناکریم از هواداران سونیا پرسید:

"چرا در انتخاب رهس حزب عجله داشتید؟ باید که بالای آن مشوره کنیم و یا حتی تا به آتش سردن آن را به تصویق بیاوریم."

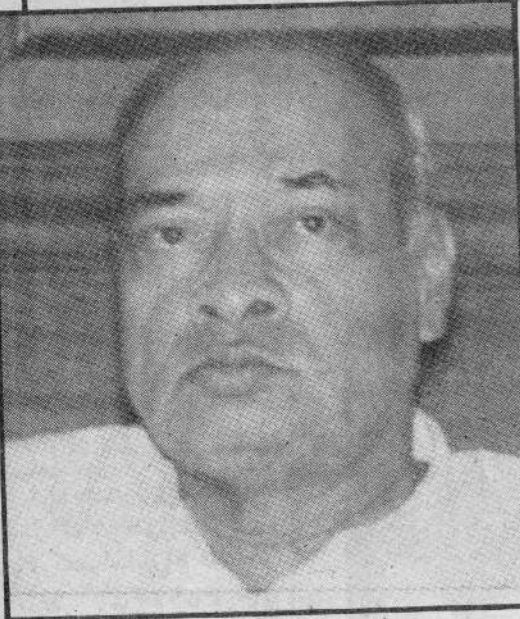
درین جریان آقای پاور اضافه کردند: "مادر مرحله دوم انتخابات قرار داریم. اگر ما رهس جدید انتخاب کنیم و گاندی مابرای مقام صدارت کی خواهد بود؟ بیچاره نم در این مورد همین اکنون تصمیم بگیریم. در همین وقت آقای داوان و همدستانش کوشش کردند تا مباحثه را پایان دهند؛ مگر موضوع به ناراسیماراو گذاشته شد تا خاطر نشان سازد که آقای پاور حرف خوبی زده است."

آقای پاور یگانه کسی بود که به طرف انتخابات مایل بود و او آقای راو را به عوض خانم سونیا مورد پشتیبانی قرار داد. کپا و به جایی رسید که اعضای جوان پارلمان و طرفداران راجیو گاندی در مخالفت با مکتوره انتخاب سونیا به حیث رهس و رابطه بر قرار کردند. در همه بی تلاشها حرف عیده این بود که بازنگران در جلسه کمیته کار حزب کانگرس خودشان اشتراک داشتند. مگر سر جنرال حزب کانگرس آقای بکیت بعضیها را موقع داد تا آقای تهوری صدر اعظم ایالتی او تر پرادیش را نادیده بگیرند. موصوف در ساعتی که راجیو کشته شد

گفتگو

تعلق گرفت

بعد از جبار و جنجالها آقای ناراسیمه را به مشابه گاندی سازش سر بلند کرد.



خود را به دهن رسانیده بود. به هر حال از جلسه کمیته کار کانگرس يك چهارم واضحاً هویدا بود که آنها بی که از خود کدام بنای سیاسی ندا شتند. از سبب وفاداری به خانواده گاندی میخواستند که سلسله کماکان ادامه یابد. به همین ترتیب آنها از عملیات داوان پشتیبانی کردند.

مگر پانزده ساعت تمام بر سونیا فشار آوردند تا ریاست حزب را بپذیرد و ولسی او از پذیرش آن ایا ورنه. همچنان دوستان نزدیک به رهبری آمیتا به چین او را مشوریدند تا به خاطر زنده کی خود و اطفالش از درگیری در سیاست خودداری کند. از مباحثه آنها عالمی از کپها به وجود آمد.

ناید تشنه گان قدرت از سونیا به خاطر به دست آوردن رهروزی استفاده کنند و بعد از انتخابات راه سقوطش را هموار سازند.

سونیا مجبور خواهد شد تا علیه ترور رهس موقت جدی اختیار کند. از آنرو حیوات خود و اطفالش با خطر مواجه خواهد کرد.

با وصف نقش او اگر حزب در انتخابات پیروز نگردد متخیر خواهد شد.

سونیا با ارسال نامه احساساتی به رهبری حزب از پذیرش ریاست حزب ایا ورنه بعد از آن بخش پارلمانی حزب کانگرس به فعالیت آغاز کرد. بخش مذکور

به گونه بی عادی توسط رهبران و یا در غیبت او توسط معاون آن تشکیل جلسه میکند. در حقیقت جلسه مذکور توسط وفاداران "داوان" دعوت گردید.

در اجندا جلسه طرح تصمیم گنجانیده شده بود. در طرح مذکور تقاضا از سونیا حذف گردید. مگر از بخش پارلمانی حزب تقاضا به عمل آمد تا تصمیمش را اتخاذ نماید که در اثر آن از انتخاب سونیا به حیث رهس حزب کانگرس استقبال کرد. اما برای انجمن حزبی سونیا درد سر شده بود که چرا ریاست رانسی پذیرد. هنوز عملیات داوان به سردی نگراید. بود که کمیته کار کانگرس جلسه دیگری را تشکیل کرد. جلسه راناسیماراو سرپرستی میکرد و همه بی مکرتر جنرالهای حزب در آن اشتراک کرده بودند. جلسه به خاطر تنظیم مقرراتی آینده انتخابات دعوت شده بود. مگر آقای کارونا کاران پیشنهاد کرد که سونیا رهبری حل نکرده و هیچ کاری به پیش نخواهد رفت؛ مگر جلسه صدای او را در گلو خفه کرد. بالاخره بدون آنکه کدام تصمیم اتخاذ گردد. جلسه پایان یافت.

اما رهبران بر جسته حزب کانگرس بیابنر تعویق مساله خشمگین بودند. وقتی که سونیا واضحاً از پذیرش ریاست شانه خالی کرد آنها بر مساله انتخاب رهبر جدی فشار آوردند. در این

میان آقای وسنت سوپا به پشتیبانی آقای ناراسیماراو سخن زد و از آقای د نیش سنگه تقاضا به عمل آورد که کمیته کار حزب کانگرس باید هر چه زودتر نام سرپرست ریاست را نشانی کند. بالاخره آقای شراد پاور تا پایان انتخابات از ناراسیماراو پشتیبانی کرد. درین جریان انکشاف تهورانگیزی به وجود آمد. به این معنی که آقای ار چون سنگ نیز از ناراسیماراو پشتیبانی کرد و آقای تهوری هم به پشتیبانی ناراسیماراو شانه داد. به این ترتیب آقای ناراسیماراو به مشابه گاندی سازش سر بلند کرد. موصوف کمرکز طبیعی داوان و کسی از اویدگویی نکرد. است. این مساله نشاندهنده آن است که چرا او مورد پذیرش قرار گرفته است. به هر حال او هم بی این جا رو جنگالها یک مساله واضح گردید که رسیدن به ریاست حزب معنی در دست گرفتن همه بی قدرت را ندا رد. بسیاری از هواداران آقای تهوری فکر میکردند که بعد از انتخابات موصوف به یکی از رقبای سر سخت در پارلمان تبدیل خواهد شد.

آقای پاور اظهار داشت که رهس کمیته سراسری کانگرس هند ضرورت نیست صدر اعظم باشد که این مساله یک قدم عالی به پیش است. مگر به نوبه خود یک تلاش میخواهد. مخصوصاً برای یک حزبی که از چهار دهه به این سو وابسته به پست

بقیه در صفحه (۸۰)

بیاورد • به گفته دانشمندان
این رشته • مریض پس از
کمال یک دوره مکمل تداوی
دو باره صاحب قوه دید
دوره جوانی میگردد و در صورت
اینکه مریض مومن بوده و بعد از
پیش سفید شده باشد ۸۵ درصد
موهای او دو باره سبک میگردد
و قوه جنسی او هم با حالت
جوانی بر میگردد •

• مریض شما تا حال چقدر
روزه گرفته ؟

• مریض من ۵ ازمده (۲۰) -
روز بعد بنسوز جز آب هیچ چیزی
نخورده است و حالام کاملا
سرحال است •

• هینو تیزم چطور بالای -
افراد تا نهر میکند ؟

• هینو تیزم بالای ۸۵ درصد
اشخاص تا نهر در ماه مخصوص
ها زود تر و برخی ها دیرتر
به خواب مقاطیسی میروند •

• بالایی اطفال پنج الی پانزده -
ساله زودتر از پانزده الی سی
بسی ساله بعضی زودتر برخی
دیرتر و اشخاص بالاتر از سی
سی به بالا دیرتر به خواب
میروند •

• شما میدانید که انسانها به گفته
روانشناس مشهور آریستو
تکلیف فریبند دارای دو ضمیر
اند ضمیر خود آگاه و ضمیر
ناخود آگاه

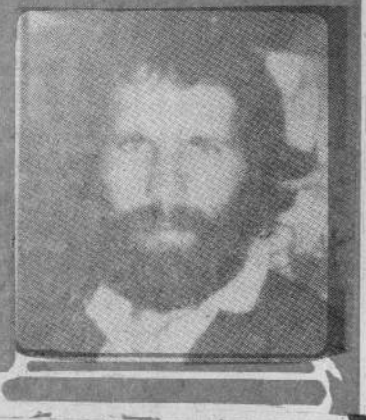
• در حالت عادی ضمیر آگاه
بقیه در صحنه (۶۵)

توصیه کردن چهل روز گرسنگی
کمال به مریض یکی از شیوه صحای
تداوی سید الرسیم یوسفی میباشد •

توصیه کردن چهل روز گرسنگی
کمال به مریض یکی از شیوه صحای
تداوی سید الرسیم یوسفی میباشد •



با استفاده از سنو تیزم
مریضان صعب العلاج را
تداوی میکنند •



دین سگرت نزد چند تن و تداوی
یک خانم ۳۵ ساله که از مدت
سه سال بدینسو از نفس تنگی
شدید شکایت داشته و تداوی
طبی برایش موثر واقع نشده بود
و همین طور نزد چند نفر
دیگر که بیمار بودند نتایج مثبت
تداوی کننده را بدست آورده ام •
- جالب است • لطفا در -
مورد این مریضتان معلومات
بیشتر را به من بدهید •
- این مریض که هنوز هم -
تحت تداوی قرار دارد و فقط
یک ماه از معالجه اش میگذرد
نتایج بسیار قناعت بخش را به
دست آورده است •

من این خانم را هفته یک
بار تحت تداوی نهر خواب مقاطیسی
طبی قرار داده و در هر
حالت برایش هدایت میدهم •
این خانم که هر روز با خود
دوا داشت و بدون آن یک
ساعت هم زنده گی کرده نی -
توانست و حتی در هفته چند -
بار به شفاخانه های زفت
و اکسپن میگرفت فقط بعد از
دوین تجربه • تمام دواهای
خود را قطع کرد و فعلا هیچ
نهایی به اکسپن هم ندارد •
من کاملا اطمینان دارم که
این خانم بعد از چند تجربه دیگر
صد درصد شفا یاب میگردد و به
زنده گی عادی خود دوام
مدهد •

• شیوه تداوی و عیانت چگونه
است ؟
- من از شیوه (چار) یعنی
(چهل روز آب • روزه) -
استفاده می کنم •
در این شیوه مریض در مدت
چهل شبانه روزه روزی یک
بار جز از آب چیزی نمی خورد
نه شب و نه روز •
- آیا مریض در این مدت -
احساس گرسنگی می کند و
انرژی خود را از دست میدهد ؟
- احساس گرسنگی را توسط
هینو تیزم در وجود مریض از -
بین میبریم و انرژی را که مریض
از زخمه گاه های ضعیف صرف
نمیکند بعد از اتمام این دوره
چند برابر آنرا دوباره بدست

توانسته ام به چنین حالتی
دست یابم • پس بجای دست
که کاپ خفشی را به چنین نام
سین ماژم و در پهلوی آن اختا
را عاقل را بنام کشور خود ثبت
نایم •

• آیا تنها ورزشکارانگه
میتواند به این نهر مخصوصا
دیگر روانی دست یابد و پس ؟
- نه خیر • نهری هینو تیزم
انسان که فعلا متذکره دیسم
در تمام افراد وجود دارد که
استثنا در بعضی انسانها
فعال میباشد ولی بقیه انسانها
میتوانند آن را بصورت کمسی
با قبول ریاضت ها در وجود
خود هینو فعال سازند • که ورزش
کانتگو بنا بر ریاضت زیادگی که
به کار دارد این نهرها را هم
با ن تقویت فیزیکی فعال مسا
زده •

• آیا شما نهری هینو تیزم را
بسیار استفاده از این ورزش در
یافته اید ؟
- کاملاً •
- چه وقت متوجه موجودیت
این نهر در وجود خود شدید ؟
- دو سال قبل به تیرنات
آن شروع نمودم •
- از آن وقت تا حال از این
نهر در چه موازید استفاده کرده
اید ؟
- فعلاً از قوه مقاطیسی در -
تقویت ورزش خفشی • اجسرای
عملیه های هینو تیزم و تداوی
مریضان استفاده میکنم •

• در مورد تداوی مریضان
تان لطف نموده معلومات دهید
- در تداوی مریضان من از
روش "هینو تیزم و چسار"
استفاده میکنم • قابل یادآور
است که در ابتدا این شیوه
توسط یکی از دانشمندان
نی شوروی بنام بوری سوزورسکی
اساس گذاشته شد و بعد یکی
از استادان روانی ایرانی بنام
استاد کاپوک انرا عملی نمود •
فعلاً کتابان بدسترس
من قرار گرفته که با آزمایش
نمودن تجربیات آن نتایج مثبت
و قناعت بخش بدست آورده ام ؟
که توسط هینو تیزم در ترک نموم

توانسته ام به چنین حالتی
دست یابم • پس بجای دست
که کاپ خفشی را به چنین نام
سین ماژم و در پهلوی آن اختا
را عاقل را بنام کشور خود ثبت
نایم •

• آیا شما نهری هینو تیزم را
بسیار استفاده از این ورزش در
یافته اید ؟
- کاملاً •
- چه وقت متوجه موجودیت
این نهر در وجود خود شدید ؟
- دو سال قبل به تیرنات
آن شروع نمودم •
- از آن وقت تا حال از این
نهر در چه موازید استفاده کرده
اید ؟
- فعلاً از قوه مقاطیسی در -
تقویت ورزش خفشی • اجسرای
عملیه های هینو تیزم و تداوی
مریضان استفاده میکنم •

• در مورد تداوی مریضان
تان لطف نموده معلومات دهید
- در تداوی مریضان من از
روش "هینو تیزم و چسار"
استفاده میکنم • قابل یادآور
است که در ابتدا این شیوه
توسط یکی از دانشمندان
نی شوروی بنام بوری سوزورسکی
اساس گذاشته شد و بعد یکی
از استادان روانی ایرانی بنام
استاد کاپوک انرا عملی نمود •
فعلاً کتابان بدسترس
من قرار گرفته که با آزمایش
نمودن تجربیات آن نتایج مثبت
و قناعت بخش بدست آورده ام ؟
که توسط هینو تیزم در ترک نموم

• در مورد تداوی مریضان
تان لطف نموده معلومات دهید
- در تداوی مریضان من از
روش "هینو تیزم و چسار"
استفاده میکنم • قابل یادآور
است که در ابتدا این شیوه
توسط یکی از دانشمندان
نی شوروی بنام بوری سوزورسکی
اساس گذاشته شد و بعد یکی
از استادان روانی ایرانی بنام
استاد کاپوک انرا عملی نمود •
فعلاً کتابان بدسترس
من قرار گرفته که با آزمایش
نمودن تجربیات آن نتایج مثبت
و قناعت بخش بدست آورده ام ؟
که توسط هینو تیزم در ترک نموم

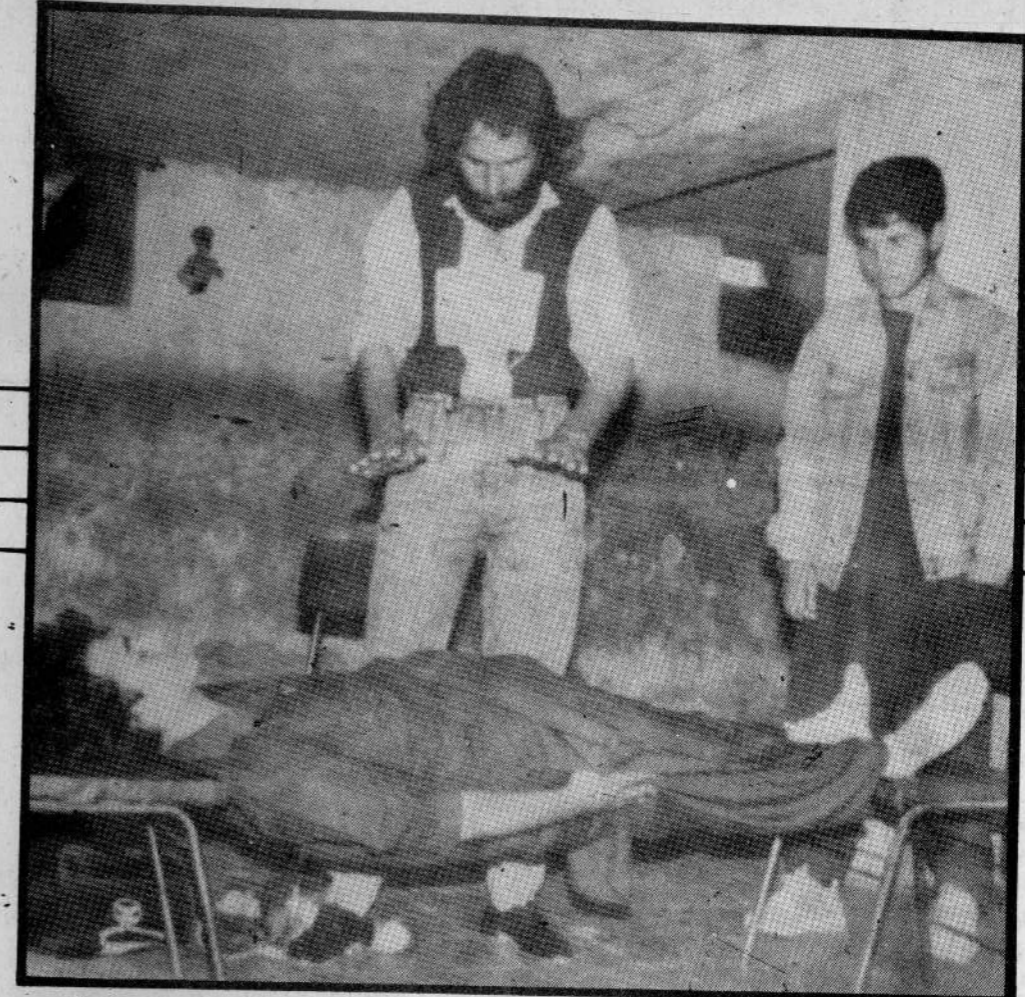
• در مورد تداوی مریضان
تان لطف نموده معلومات دهید
- در تداوی مریضان من از
روش "هینو تیزم و چسار"
استفاده میکنم • قابل یادآور
است که در ابتدا این شیوه
توسط یکی از دانشمندان
نی شوروی بنام بوری سوزورسکی
اساس گذاشته شد و بعد یکی
از استادان روانی ایرانی بنام
استاد کاپوک انرا عملی نمود •
فعلاً کتابان بدسترس
من قرار گرفته که با آزمایش
نمودن تجربیات آن نتایج مثبت
و قناعت بخش بدست آورده ام ؟
که توسط هینو تیزم در ترک نموم

• در مورد تداوی مریضان
تان لطف نموده معلومات دهید
- در تداوی مریضان من از
روش "هینو تیزم و چسار"
استفاده میکنم • قابل یادآور
است که در ابتدا این شیوه
توسط یکی از دانشمندان
نی شوروی بنام بوری سوزورسکی
اساس گذاشته شد و بعد یکی
از استادان روانی ایرانی بنام
استاد کاپوک انرا عملی نمود •
فعلاً کتابان بدسترس
من قرار گرفته که با آزمایش
نمودن تجربیات آن نتایج مثبت
و قناعت بخش بدست آورده ام ؟
که توسط هینو تیزم در ترک نموم

• در مورد تداوی مریضان
تان لطف نموده معلومات دهید
- در تداوی مریضان من از
روش "هینو تیزم و چسار"
استفاده میکنم • قابل یادآور
است که در ابتدا این شیوه
توسط یکی از دانشمندان
نی شوروی بنام بوری سوزورسکی
اساس گذاشته شد و بعد یکی
از استادان روانی ایرانی بنام
استاد کاپوک انرا عملی نمود •
فعلاً کتابان بدسترس
من قرار گرفته که با آزمایش
نمودن تجربیات آن نتایج مثبت
و قناعت بخش بدست آورده ام ؟
که توسط هینو تیزم در ترک نموم

• در مورد تداوی مریضان
تان لطف نموده معلومات دهید
- در تداوی مریضان من از
روش "هینو تیزم و چسار"
استفاده میکنم • قابل یادآور
است که در ابتدا این شیوه
توسط یکی از دانشمندان
نی شوروی بنام بوری سوزورسکی
اساس گذاشته شد و بعد یکی
از استادان روانی ایرانی بنام
استاد کاپوک انرا عملی نمود •
فعلاً کتابان بدسترس
من قرار گرفته که با آزمایش
نمودن تجربیات آن نتایج مثبت
و قناعت بخش بدست آورده ام ؟
که توسط هینو تیزم در ترک نموم

• در مورد تداوی مریضان
تان لطف نموده معلومات دهید
- در تداوی مریضان من از
روش "هینو تیزم و چسار"
استفاده میکنم • قابل یادآور
است که در ابتدا این شیوه
توسط یکی از دانشمندان
نی شوروی بنام بوری سوزورسکی
اساس گذاشته شد و بعد یکی
از استادان روانی ایرانی بنام
استاد کاپوک انرا عملی نمود •
فعلاً کتابان بدسترس
من قرار گرفته که با آزمایش
نمودن تجربیات آن نتایج مثبت
و قناعت بخش بدست آورده ام ؟
که توسط هینو تیزم در ترک نموم



مصاحبه کننده : دکتور ظاهری

سنو تیزم در طبایف افغانی

عبدالرحیم یوسفی جوان ۲۹
ساله • محصل صنف چارم بود -
هنظر طب معالجوی انستیتوت
طب کابل و بنیانگذار ورزش
کانتگو در افغانستان اخیراً
متوجه موجودیت نهری پنچانی
در وجود خود گردیده و فعلاً
بنا بر گفته مومنون و مریض
انسان داری پنج قوه در -
نی میباشد که عبارت از :
نهری ایمن • نهری فکری
نهری اراده • نهری خیال
و قوه مقاطیسی است • که
هینو تیزم جز از قوه مقاطیسی
میتواند
او با داشتن چار خط در -
سال ۱۳۶۲ کلب کانتگو نشا
را در کشور اسان گذاشت و از
آن روز تا حال هزاران جوان
را با تکمیل هینو تیزم و تکمیل های
این ورزش ثقیل آشنا ساخته
اکون بصرف تیرنات دادن -
دو هزار تن در پنج کلب
میتواند
او که ورزش کانتگو را خودتیزم
تلاش است تا به مراحل عالیتر
این ورزش دست یابد که در
راه موفقیت های هم داشته
است •
آنروز که با او مصاحبه داشتم
هکیت رهبری کلب های او از
تمام گوشه های کابل دور هم
جمع شده بودند تا برامون چند
موضوع با هم مشوره نمایند که
یکی از مسائل مورد بحث تقویت
نام کلب کانتگو " فرهنگستان"
تن و روان افغانستان بود
که با تأیید همه مورد قبول
قرار گرفت و من سوال کردم را
با این سوال الهام کردم که :
- چرا نام کلب تانرا "فر -
هنگستان تن و روان" گذاشتند ؟
- یک کانتگو کار وقتی به مراحل
پیشرفته تر وارد میشود نهری
جنسی روانی او او قوی می
گردد و قوا روانی پنج گانه
که فوقاً متذکره شدیم اگر در
وجود کسی فعال شود کار
های غارقی المعاده انجام داده
میتواند که خود پختانه من

در ماه اسد سال روان ، مسکوشاه—
حادثه بزرگی در تاریخ بشر بود . روان
ایالات متحده و اتحاد شوروی با هم نشستند
و بعد از گفتگو های پیمان (ستارت) پیمان
کاهش سلاح استراتژیک را امضا
کردند .

در گذشته ، هنگامیکه رئیس جمهور
ایالات متحده امریکا وارد مسکو گردید
در منطقه البروج دیپلماتیک تسمیری
در محل ستاره ها به وجود آمد . آقای
رونالد ریگان سرور که او را از کلکتهای کر—
ملین بیرون کشید و اعلام داشت که دیگر
اتحاد شوروی را به نام (امپراتوری شیطان)
پادشاهی و به این ترتیب جنگ سرد
پایان یافت . مگر اکنون با رفتن جورج بو—
ش به مسکو ، تسمیراتی در موقعیت
ستاره ها به وجود نیامد . اگرچه این
نخستین سفر آقای بوشر به مسکو بود
در عوض هر دو رضایت شان را به متقابل
سهاستمداران فعال که در عمل بر مساهل
میوم با هم کار میکنند ، نشان دادند . به
هر حال ، قبل از آنکه آقای بوشر آخرین
گام سفرش را به طرف شهر کیف بردارد
آقای گریچف پیمان کاهش سلاح سترا—
تژیک را امضا کرد . بر اساس پیمان
مذکور می نمود از سلاح هسته ای تولید
شده در زرادخانه های هر دو کشور کاهش
داده میشود . آقای گریچف در مراسم
امضای پیمان مذکور اظهار داشت
که : امضای پیمان برای همه جهان
با ارزش بوده قدم بزرگی در راه خلع
سلاح خواهد بود . خداوند را شکر
گذران که ما آنرا متوقف ساختیم و به عقب
زدیم . ()

چنان می نماید که برای نخستین بار
ایر قدرتهای نظامی در صد دینتقیمر و کاهش
سلاح دور بود هسته ای ، که توانایی
تخریب هر دو جانب را داشت ، برآمدند ،
به هر صورت با استفاده از فرصت آقای
بوشر نیز حرفه های را اظهار داشت .
() پیمان مذکور بی انداز پیچیده
است ، مگر در مورد هدف عمده آن باید
خاطر نشان ساخت که کاهش در نیروی سترا—
تژیک هسته ای خطر جنگ را کاهش میدهد .
()
بعد در کنفرانس مطبوعاتی که تدویر گردید
ملتن از ژورنال لیستان پرسش به عمل آورد که
چرا هر دو جانب همه بی راکتهای هسته ای
رانای بود نمیکنند در تاریخ به این پرسش
چنان معلوم میشد که هر دو متفقا به یک
موضوع اشاره میکنند . هر دو تاکید کردند
که موضوع عملی نیست و نمیتوانند که زرادخانه
های شان را یکسره ببندند ؛ زیرا به نظر



نوشته ذیح الله آماسی



آنها هنوز هم ملت های وجود دارند که
دارای سلاح هسته ای اند . آقای بوشر
نگرانی بخصوصش را در مورد اسلحه
هسته ای که در دست مرتدان قرار دارد
اظهار داشت ، مگر چنان معلوم میشد
که خطر شوروی را برود شود .
به این ترتیب پیمان کاهش سلاح
ستراتژیک برای نخستین بار بعد از تقاضای
مسابقه تسلیحاتی بین ایر قدرتهای نظامی
به امضا رسید . عهد نامه موخوف چهار
جوبی را بدست میدهد که بر مبنای آن امگا
نات کاهش محدود (اسلحه) بدون ضرورت
به جستجوی راه دراز و پر مشقت ، همسر
میکرد . با اینست یادآوری کرد که کاهش
مجدد اسلحه نازلان و ضروریست ، زیرا
بر مبنای (ستارت) اگر سر و تیغ در صد
کاهش در اسلحه صورت گیرد باز هم اتحاد
شوروی ۷۰۰۰ واحد اسلحه هسته ای دور
برد و هزارها واحد اسلحه برد کوتاه در ذخا—
بر خود موجود دارد و زمانی آن رانای بود
خواهد کرد که ایالات متحده به ناپسودی
ذخایر خود موافقت کند .

بر علاوه کاهش اسلحه ستراتژیک
دو جانب در جهان نقشه ها شان بر مساهل
سده منطقه ای و بین المللی با هم به گفتگو
شستند .
توافق آنها بر کنفرانس صلح شرق میانه
که در روابط ایر قدرتها خیلی مهم است
امیدواریم که بیشتر را به وجود آورد . هر
دوره بر بر تلاشها به خاطر استقرار آتش بس
در یوگوسلاویا تاکید کردند ، مگر در مورد
افغانستان ، کمیو چها و دیگر پرا بله های
حل نشده منطقه ای ، که باری در مرکز
رقابتهای آنها قرار داشت
کدام اعلامیه پیشتر نکردند و خاموش
ماندند . در جلسه سران اظهار عقیده
گردید که واشنگتن و مسکو اکنون مساهل
مذکور را نوعی تلقی کرده ، در
حالی که مساهل مع همانا تعمیق همکاریهای
دوجانبه آنهاست .
آقای بوشر در جهان سفر خود ، آخرین
گامش را به شهر کیف ، مرکز جمهوری
اوکراین اتحاد شوروی گذاشت . موخوف
در جمهوری اوکراین ملاتانهای را انجام داد
د . او بهانه بی دربارمان آن جمهوری
ایراد کرد و گفت که از پشتیبانان دموکراسی
استقلال و آزادی اقتصادی چی در مرکز
و چی در دیگر جمهوریها پشتیبانی میکند
البته پشتیبانی او بر اساس شخصیت های
بلکه بر مبنای اصول استوار است .
به هر حال دستاوردها و مشکلات آقای
بوشر در قیاسه با آقای گریچف ناچیز بود ؛
بقیه در صفحه (۸۶)

سلاح استراتژیک



د سید صاحبزادې نجلۍ لیک

پښتون سندرې اوډلي همه هنر دي چې د کليود خوښو اوښاديو څخه يې سرچاپورته کړي او په نني بڼه عصر ته راوتلي ، خو اصل يې ټاټوبي يې هماغه کلي دي چې د گورونو اولښتو وادونو او څټونو ، مښي ، بيلتون ، وطن او سراني په هکله دلته يوه سروکي گڼه جوړه چارمنه ، لوبه ، غزوه او ټنډونونه دوه بڼه اوږدو سترواډانستان ، تلور ، خور او الپي ، نيمکو ، کښو په ډول ويل شوي دي اوچي ترننه رسېدلي بمانودغل ښکلي دنيا غورگوي شوي ، خو خپل سوچه والي يې نه دي هر کړي ، کليوالي پخپلي اولمسانه د سندرې ويلو کيسې داسې لاس لري چې نه يې وايي په سندرې ويلو کې بري لښک اخيستې دي ، باچي کوم بود دغو پخپلو اولمسانو په منځ کې ښه وندليزي نو هغه چاته يوازې په پيل کې ، بلکه په نورو کليو کې هم د خلکو خوښ ش اوږدو او خوښو ته يې رابولي او خپلې ښادې د هغه په غزاوښو سندرې نوري هم نهاتي اوښکلي کوي .

د څو ست دچيني په کسر کې دود دنداوو ، پخپلو نجونو به په وډونو کې سندرې ويلې اوچسې به يې غزلې اوکله به چې بل کلي ته وډونونه تللي

نوپه يې يو کوچنی هلک هم له نمانه شو بيوه دغه هلک چې دنجونو په کار کې راتنه خوره نمان بيل گانه ، هم دچسې سره مينه پيدا کړه اوږدوږدو ده هم لاس بري گرانو ترڅو دچسې پرغزلو کې ماهر شو اوښانه به يې چمبه غزوله ، نورنوي پوښه نمان شوي هم وواوښتولوله نمانه سره نه بيوه ، دا د دغه هلک د سر ډور يوه ماريونه له ښاره راوره اوډاره وروته به ښه شوق دهغي په زده کولو او غزلو بوخت شول ترڅو چې دواړو خپل استعداد ، ښه وازوبه اود سندرې په ويلو يې هم بيل وکړي . دکه نود دواړو د سندرې ويلو اوچسې غزلو انگاري په ټولسو نژدې اولرېو کې خپري شوي او په هرواړه کې ددوي گون سرور شمېر گڼه ، ان تردې چې په کورې پښتون واکي هم ددوي د سندرې ليوال گمان زيات شول او تل به يې دوي کسرتونونه رابلل . دا هغه وخت وو چې کوچنی هلک په گلزمان اوښتې وو او ټولو به دگلزمان سندرې دچسې اوښه آواز تم غونډه کول . گلزمان اتلس کلن سوان و و خورده دښه هنر په وجه په ورو ، زړو گران او دهغو ي زړونو ته نژدې ووه په دغو و کلتونو کې راديو اوراديو سندرې کليو ته هم لاره پرانستې

واوډ گلزمان کليوالو او اولس غوښتل چې دې نورهم د شهرت پورې ونه رسوي . اوښه هيله يې دا وه چې دده له سندرې نه نورښتانه هم خوندي راخلي او ددغه غږي ملارو کړي ؛ بلکه ترې له ده نه هيله وکړه چې راديو ته ورشي . ده هم داغوښتل او زړه يې تلوه وروته درلوده ؛ خويلاره يې نهه پېښود ، هم له دې کبله چې ويل به يې راديو د سري غز خرابوي او بل هم داچسې راديو ورته ښه نه پېښده ، خو کله چې يې پلار سره تورو خاورو کې کښود نو ده هم نوره کلي کې گام ټنگه نه کړي شو او د پکتيا ولايت والسي ترښه هيله وکړه او روسي مکتوب يې په لاس ورکړ چې راديو ته مراجعه وکړي .

گلزمان راديو ته راغسې او امتحان ته کښاست . نصرالله حافظ چې هغه وخت د پښتو موسيقۍ مشر و و وایي :

(ما ته يې وويل چې راسه دگلزمان په نامه نومون په پښتو سندرې کې امتحان ورکوي کله چې زما غږ وس ليدل چې درې وروته دي او گلزمان داسې ښايسته غزلې اوښي سندرې وايي چې د سري زړه غواړي سلغونه ورو کښي او وايي وري په دې توگه ۱۳۴۳ کال کې د (بي بي شمېرې) په کلي) سندرې دراديو ته خپرو کي بهر ته دخواست دچيني کلي ته ولاړه او کليوالو ترې خوندي اخيست او بري بهارل يې .

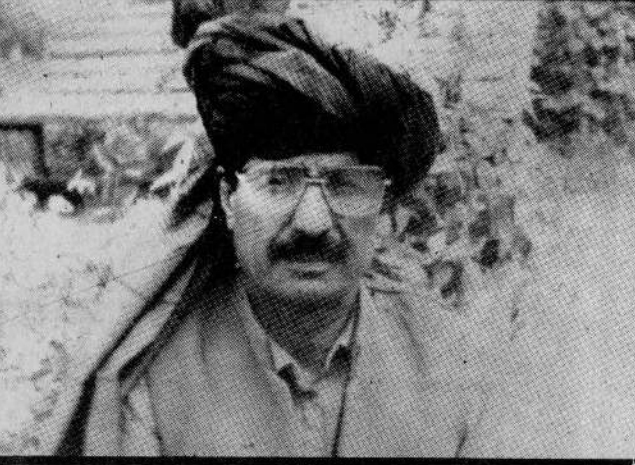
بلکه يې (زانگي ليلو) ستا په سپينه غاړه د لوزنگو امپونښه ليلو) په همدغه کال دده لخوا په راديو کې اجرا شوه . نورښو گلزمان يوازې دچيني کليوال نه وو ، بلکه په هرښتانه کلي کې کليوال گزېدلي وو او د بېرولو ولايتونو څخه به خلک کاښل ته په گلزمان يسي راتلل او دې به يې وډونو ته د سندرې ويلو په خاطر بيوه .

په هرکليوالي واده کسې

به چې گلزمان سندرې ويلې نو پخپلي به له هرې کرکسي اوډروارې څخه پښتانه ترو د (غوندي مندي داتوري زلفي جوړې کړه په ټډي) د سندرې ويلو کې سوان وروښي . گلزمان په دې پوهېده چې دده همدغه سندرې د خلکو خوښوي نو په دې بڼه يې سندرې ويلو ته دوام ورکړه او دوه لومړني بهالښووب وو چې د خلکو زړونو ته لاره پيدا کړې وه .

دده سره مينه نه يوازې د ده د هنر خوښوونکو درلود ، بلکه نورو سندرغاړو ته هم دده استعداد معلوم وو او دده په زيار او گامسي ايمان درلود ، نو ځکه دده نه دا هيله هم پيل شوه چې نورو سندرغاړو ته سندرې

استعداد يوازې دمان له پاره نه ساته بلکه نورې هم ترې بهرمن کړل او سوانو هنرمندانو دده نه داستادي هيله وکړه . لومړي وروته يوازې گورې کښوده ، چاوره دښ محمد ، ايشان موند ، غلام محمد تره ، باغي اونورو سوانانو څخه يې کورې پښتونخوا کې شوانو سندرغاړو ته د شاگرد ي گوره کښوده او گلزمان په دېره مينه دوي ته زده کړه پيل کړه . گلزمان ته يوازې په افغانستان ، بلکه په هندوستان ، ايران ، بنگور ، کومې ، مغلستان او د شوروي اتحاد په اتسو جمهوريتونو کې کسرتونه اجرا کړل او چمبه يې وپزوله ، پوځ ته په تاجکستان کې د کسرت ورکولو په جهان کې تاجکسي هنرمندان دده دواړې غزلو



ته حيران شول ؛ بلکه دې په دايرو کې په ښي لاس (بېم) آواز او په کښ لاس (نېر) آواز پاس ، دوي به راديو حيران . نوونکي او زړه پوري وو . په رښتيا هم چې دگلزمان دايرو هغومو چې مشهوره ده هغومو يسي ساري ، او ښکلي هم ده ، دده په شان دايرو تراوسه هېڅوک نشي غزلوي ، دې په دايرو کې خپل محلي تکورونه او محلي ټنکري غزوي چې دادنه يوه اهمه ښانگړه ښاده . گلزمان سره پردې ، چې خپل محلي سازه ؛ لکه ، ډهل ، ساپ پاتي په (۸۹) څخه کې

جوړې کړې ، ده دا هيله په دېري خوښي ونه استاد اولمېر يې !

خو محفل ښي ساتي نوې چاونه منځ احمد ظاهر ته يې د (او) نه راسي جانانه زيا) گلزار يکسي ته يې د (راشه آشنا ستا ديدن لپاره نري سترگسي تورو ، نلس سندرې) اوښلا ناهيد ، رخشانې ، سرمن پرون ، منگل ، غمښ ، او بيا ن شامحمد ، دښ محمد هماغوږو ته يې ښکلي سندرې جوړې کړې چې شمېر يې حتی ده ته هم نه دي معلوم په دې توگه گلزمان خپل

گلزمان د سازونو او آوازونو غوږپېژندل



نام

شهاب
 از زلفی تنهایی خویش می آیم
 سپلند
 گردن افراخته
 رحمتراز تمامی نای ها ه از تمامی فریاد های زمین
 چه صلح ه چه دشغوار
 شهاب به تماشانشستم
 عاشقان محتاج
 در رگشاد ه تپش روزها و شبان
 حقیر و چه بسهار هعلق شاد هی از کا و چرهای پائیز
 به گدایی میروند

در تارکترین درد ها و در ریخ من

خوشید را بر هیچ آستانه ای دستی به در بیزه دراز نکرد ه ام
 آموخته ام دل به دریا ها رها کنم
 تیران دلی از من به وام گرفته است
 تا بر ماسه های گریه گریه غلطان رفتن را قامت خم نکند

آنک ه کوسه پیرودند انهایش لحظه ها
 و امید سپیدش که بر روی و موی من شگرفان شده است
 و اینک ه تو ه که میخوای با مرکه خونگی
 دگرگون کنی به فریاد نرسیده
 دلی از ذروه به زرفا افتاده است
 در تعلق جان برگد عشق
 با مضری ه که گاه گاه بنواز دش

کهنک زده ه گنج ه فنک
 به عشقی نه ه که میخوام به دست نمی آید
 به جانی ه که می بوسم و از دست می گریزد

لطیف پدرام



دوبنموهار

راخوڙي دي جي به خ زلفي تار تار شي
 به کي چو کي و کورنه د بهار شي
 د خودي بياله به و نه عکسي به ژوند کسي
 جي دجا ترخاري ستا دوزموهار شي
 که به لاردي دونا گاهو نه کي دي
 داس لاري توه زما به هم به لار شي
 دوصال به تورو مشغلي رگي نيه دي
 نه جي هسي خوک د ستا د بنو پنگار شي
 که تپور به ((سمع)) بيا به خير رافلسي
 ستا که مخي به گلزار تول ((چپهارا)) شي

سمع الله سمع

دشيدو جام

باوڙل چس ستا
 د اوڙل و شنبوله اوڙل دو لارو به
 د سپور من کلي ته
 د مڙن اوڙده لاره وهم
 اوڙه دي خيال من
 ستا پلو لپڙتو کي ته و
 چس من د هيلو مخته
 د لمر له سترگو زير پدلي ماهان
 د شهد و جام کي
 له مارا نوسره ولسپدل
 اوڙ ما د مڙن لاره
 لنگره نه شوه
 لاپس اوڙ ده پڙهه

۱۳۲۰ - ۲۲

کابل

کمال الدين مستان

غزل

مڙن د اثناله چس اسري وينم
 خبر دي جي خوزي او که ترخس وينم
 تو د تورو زلفو مار چچلس ميم
 بلس به وجود من سري لپس وينم
 که جي به تاز سره موسکي شي مار
 نو کله کي نگو نه تاتسري وينم
 پو پڙهه لاله کي د صبا پڙهه
 ماويل جي ديار د مڙن عولس وينم
 که به پڙا به از غوضغ شي
 نکهه من پڙهه به وينو سڙي وينم
 پڙهه جي به درکي شي مڙن ته
 آخر خوبه سره مڙن د لپس وينم
 د اوصال زيري دي واحده نسبي
 تله کي چس من رنگي وڙس وينم

عبدالواحد پٽان

کیتان سینما:

دنیای سینما را تغییر داد



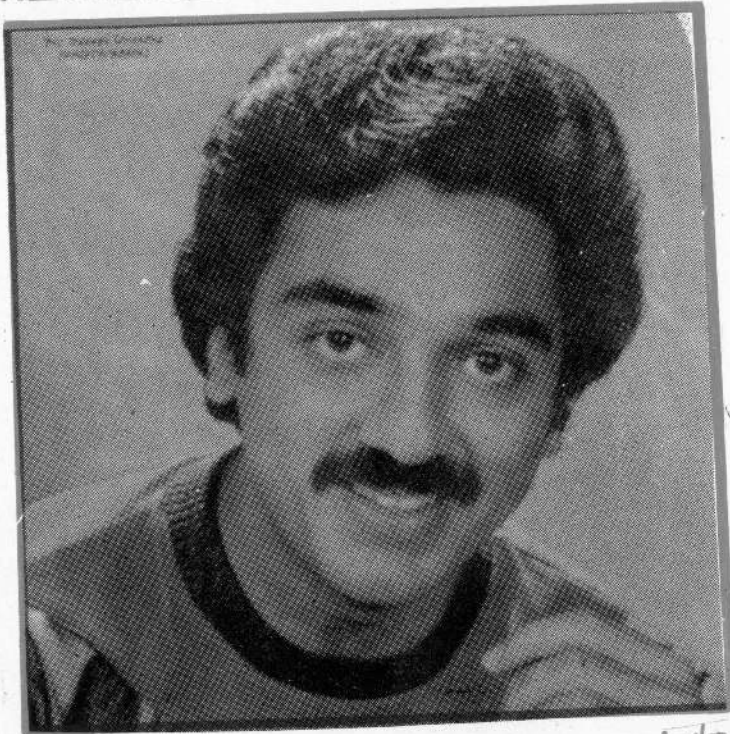
فلمساری رانشانی کرد که ژورنالستان آن را سینمایی موزی تعریف کردند . در فرجیام فقط اختلافهای همین سینما با سینمای دیگر اوراکشت و نابودتر کرد . شاید کار برداژه کشتن برای اونا درست باشد ، مگر میتوان گت که مرگی به سواغش آمد . ممکن از دیها - لکتیک آن آگاهی داشت که نخواست ت به دفاع در برابر آن بپردازد . بانا سف که امروز سینمایی مارا بیشتر ضد و نقیضها فراگرفته است ، آنچه سینما میخواست بر آن غلبه حاصل کند .

انسان در زنده گی خود چند دوست محدود میداشته باشد که در فراز و نشیب روزگار میتوانند در کنارش باقی بمانند . وقتیکه سینما از دنیا رفت چنان مینمود که کسی را از دست داده بی که با تو بزرگ شده است . به مرحال مرگ او هم ما هم دنیای سینما را تغییر داد که در هر صورت ت

امیدوارم آنچه من میخواهم بگویم حرفهای محض در مورد یک انسانی که از جهان چشم پوشیده و یک یاد بود شتاب زده نباشد . بیشتر از چهار سال میشود که او از دنیا رفته و ما هنوز هم عشق او را در دل داریم . توانایی را که خداوند به سینما داده بود ، باعث میشود که یادش بیشتر در خاطر ما باقی بماند . من برای نخستین بار در سال ۱۹۷۴ در انستیتوت فلم پونسه او را دیدم . او به انستیتوت مذکور آمده بود تا دیپلومش را تمام کند . با دیدن او با خود گفتم که چهره سینمایی دارد ، باید هر چه زود تصویرش را گرفت . کترین کماتی موجود اندک چهره بی چون سینما داشته باشند .

سینما آدم را آگاهی میدهد که در زنده گی چی چیز ممکن است و احساس را داده آن چقدر فریبنده است . او هم بی دوران





کمل هاسن

سینمای ناکام هند

آنچه مراب خیرت بیشتر و امید دارد ایضت که اینجاءه کس سینمای ساخت بیسی را به باد انتقاد بیست و میگرد از هنریشه ها گرفته تا کارگردانها موزیسین ها و تئاترگران ، اما کارها همانگونه که است ، جهان دارد . مثل اینکه آب از آب تکان نخورد به خاطر دارم چندی قبل یکی از کارگردانهای نام آور سینمای هند به من گفت : کمل توبه غرور چاق شدن مهوری و این خطر بزرگ هر لحظه ممکن است ترا از ستم بلند هیروی شماره اول به زمین باندازد . "وقتی به حرفهای او فکر میکنم ناراحتی ام بیشتر میشود - آهانام تیل - شریک هنرمندی به خاطر پیت هیروی لاغری بودن است ؟ آیا این خودتیک کمیدی نیست ؟ مگر تاریخ هنر به جای ارزشمندها از وزن و سنگینی فیزیکی حکایه خواهد کرد ! من بانا سرف میکنم که سینمای هند بهترین هنرمندان خود را به زمین شو . از دست داد : چاق شدن ! اصل شخص نباید معیارها و دیدگاه های هنری تماشاچیان مارا تشکیل بدهد . اگر ما به سوی چنین آینده ای مهوریم ، باید از همین حالا پیشبینی کرد که از دست و آوازی به نام هنر فرستگاه فاسله خواهیم گرفت .

(نوشته حاضر بخشی از کتاب "مباحثه" جلوانی کمل هاسن با گزارشگر مجله ستار اندستایل و نقطه نظرهای این هنرمند درباره سینمای تجارتن هند است .)

* * *

نقدانم ، این جنون از کجا به سرم زد که سینمای جنوب را وداع گفته ، جانب فلستان بیسی آمدم .

در سینمای جنوب پیت اصل پذیرفته شده وجود دارد ، نقدم هنر پرچم شده . در حالیکه در سینمای بیسی مساله برعکس است اینجا به چهره حق اولیت و ارجحیت داده میشود .

به عقیده من شاید یکی از دلایل شهرت موقتی داشتن همین باشد ، به خاطر اینکه نهایی چهره پتانمانت است و امانت عمر کوتاه دارد . آرایش صورت با گذشت هر روز در معرض تعدید خطر پیری قرار میگیرد ، اما هنر با گذشت روزگار به سویی جاودانه کی میروید امروز وقتی به تازم نهن فلم تجارتن (که خود در آن نقش دارم) می اندیشم و آنرا با فلماهای جنوب خودم مقایسه میکنم ، سخت احساس ناراضی میمکن . چقدر فاصله است از کیمت و آرا تالیک دو جن کی لئی .

آن مانند گذشته نیست . سمیتا از نیمه سالهای هفتاد و تانیمه سالهای هشتاد ، زمانیکه با شهام بنگال ، گووند نهالانی ، سنجایت رای خودم و دیگران کار میکرد ، آراء بخشن عمده سینمای هند را به عهده داشت . با آنکه کوتاه زنده گی کرد ، مگر هم او در سینمای ما خیلی نهاد بود . کسر و او را دوست میداشت و برای او کسر زنده گییش بود .

نخستین فلم من به نام بهوانی بهوانی در فضای دوستانه ساخته شد . سمیتا نصرالدین شاه ، ام پوری ، موهن گوپل و نیامین جیلانی بدون خواستن کدام پولی کار کردند . علی الرغم آن در لاله باهم یکجا بودیم ، غذا میخوردیم و چون اعضای یک خانواده باهم زنده گی میکردیم سمیتا زنی بود که طبیعت آزاد داشت و نسبت به رولهای که او در آن کار میکرد روحیه آزادتر داشت . مردم در فلسم بهوانی بهوانی رقص او را به خاطر دارند . باری ما تلاش کردیم تا آن را دور کنیم . به این منظور شو تنگ را از سریلان ساختیم . سه روز تمام سمیتا و موهن باهم کار کردند تا آنکه آنها در قالب آزادی محلی درآمدند . وقتی که اولم بهوانی بهوانی را به تماشا نشست ، گفتم که واقعا از فلماهای بزرگ است . امروز فلم مذکور از فلماهای خوب و دست آورد بزرگی برای سمیتا محسوب میشود .

بعد از آن فلم هولی را ساختیم که نصر و ام پوری رولهای کوچکی را به عهده داشتند . او نیز باید رول کوچکی را به عهده میداشت ، اما بنا بر وظایف دیگر نتوانست . در همان وقت پندار فلسم هیچ وصاله به وجود آمد . او واقعا مهوریمین فلم مذکور بود . او در فلسم رول زن آزادی را داشت که میتوانست کلمه "نی" را بر زبان آورد .

من نمیتوانم در مورد تمام قضایای زنده گی او تماس بگیرم ؛ زیرا که نهاد است و درین مختصر نمیتوانم مگر اجرا کارش خیلی عمده مینماید . فکر میکنم هومیکا رول ترسناکی را برایش سپرده که سمیتا خود را وقت آن ساخته است . به همین گونه از اجبارتا نام میگیرم و هونگامیکه به با هنرگی خود فضا میبخشید ، خیلی دقیق معلوم میشد . و این بود سمیتا ، سمیتا که تنها در خود فروخته زنده گی نمیکرد . او همیشه میخواست که دیگران را دست دهد ، دوستی باشد و به آنها بیونند و این یکی از دلایلی که چرا او هنوز هم در دل ما جا دارد .



خبر ما شیرین هفت رنگه محبوب
ماجک تان در کنار مقبره
احمد ظاهر هفت رنگه افتخانی

گلناره و ستاره دو هنرمند
ماجک تان که در کابل ستاره
هنری داشتند .



خود را محتاج سایه ، همبخت مجنون و -
آشفته مضمون معزنی کرده بود ، اما سیه‌دی
حقیقت زنده کی پردرخشش و فرزان‌ش شفا -
فتر از آن بود که بتوان پنهانش کرد . زیرا
او بیوسه رخسگی نشناس (به امید سیه‌ده)
گام بر میداشت و قلم میزد .

درین دیرینه دیردیر بنیاد
زمانه داستانها میدهد باد
بیانات در یکدیگر بدانیم
که تنها ایست مرگه آن میزد

عبدالحسین توفیق شاعر ارسته ، پرک - ار
و متواضع که از لحظه لحظه زنده گمش در هنگا -
ه برداشت و بر خورد با اشیا پدیده ها -
ورونده‌های جاری محیط پیرامون رخشنده -
کی و تلالوی توفیق ورستگاری صیحه -
سرانجام به گفته خودش ، ((بار امانت -
پنهاده بردوش)) حیات رابه منزلگاه رسا -
نهد و نقطه پایان تلاشهای سازنده و پسر

بارش را نقطه تمام گذاشت .
او یاکه پنهان داد و پاک سرشتی بود از سلا -
له قلم و سخن که هفتاد و سه بار شاهد ورق
برگردانی بهار و یامیز بود .
سه سال داشت که توسط خانواده اش
به هرات باستان آورده شد ، تا در این مهد
هنر پرور و تاریخی به معرفت‌های شعرا رف
و سفرهایی به جانب سواحل رموز و کشفوز
دقایق برتر دست یابد .
وی نیز که به گفته نزدیکانش روان نا -
آرام و ذهن پویشگرمی داشت ، پیه -
در دستجو بود و به پیش میرفت .
در سفرهای به سوی سرزمین معنویست
فقط از خداوند توفیق میخواست و کلا -
الحی رایگانه و اولین چراغ رغبتی پوس -
شاهراه زنده گمش میدانست .

توفیق در برتونهات و با انکاه به ترحمه
بی همانندش در سالهای ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ -
تحریر کشف المطالب (آیات مبارکات -
قرآن کریم) را از روی قرآن مجید چاپ
سلطانی همت نمود .

توفیق در طول عمر بیاری پرافتخار و ش
دامان این خط روشن اندیشه و باور را برای
لحظه بی رهان کرد . شور پر سوز و عشق برد ل
باتمام قوا جلو و جلو تر رفت و چندمین
اثر دیگر بر مبنای اندیشه‌های عقیدتی
خوبش به رشته تحریر درآورد . در این
راستا میتوان از اعلی نامه ، در خط قرآن ،
الهدیر (مجموعه بی در حال جذبه)
قرآن کریم که نظم گردیده ، برگردشع قرآن
(چیده های منظوم از تفسیر مشهور
ملاحسین واعظ کاشفی هروی) کلمه اللهم
العلیا و شماری از رساله های منظوم و مشور
دیگر از جمله کتاب النور (چیده گلعلی
از گلستان قرآن کریم) را نام برد .



جامی گنجینه

کتابخانه گنجینه

برجسته‌ترین کار استاد توفیق نگارش تفسیر قرآن مجید است

به گفته * دانشمند فرزانه امروزگار
 محترم نمک سیر بزرگترین و برجسته‌ترین
 کار عمل استاد توفیق نگارش تفسیر قرآن
 مجید است که وی آنرا آئین دفتر زنده گان
 نیش آرزو میکرد که چنین شد *

میردالحسن توفیق از محضر استاد
 حاجی شیخ محمد طاهر قندهاری گند
 به قول اکثرت، علامه * زمان خود به شمار
 میرفت همواره میخندید بوده و از هموزبان عربی
 بیادای علم عقلی و نقلی فلسفه و حکمت را
 آموخت * سپس با چنین پشتوانه، به روش علمی
 و اندیشه‌ی شعری راه پیشه گرفت * و در جوانی
 به انجمن ادبی هرات راه یافت * و به کار
 های قلمی اش شور و اشتیاق بخشید *

اشعار آزاده این شاعر آزاد اندیش
 که به گفته منتقدی بعضی زمان در آنجا متعهد
 درجیده * (وطن) چاپ شده و به همه
 کان قوت قلب و ایمان داد *

استاد توفیق اکثرت نبشے هایش را
 در ولایت هرات به اسم مستعار * جامی بشتر

دروازه * اتفاق اسلام چاپ میکرد. انگار
 جام ، آینه حقایق و صفت های جامعه -
 بی بود که شاعر در آن منزهت جام
 در سروده هایش که به شصت و چهار
 هزار میرسد * بیشتر آینه دار و رفیق بوده
 است هر چند تعدادی از مضامین فلسفی
 اجتماعی ، عشقی و تاریخی را نیز شامل
 شعری پوشانیده است * عشق و جوانی
 نوازی دل ، گلهای توفیق ، قطرات اشک
 فریادها ، سایه روشن ، جام ، طنین های -
 دل انگیز ، آهنگ صرا ، جهان ما
 پندار ، نقش تاریخ ، جرعه ها ، توانی
 ها ، سوخته گان ، به فرزندان من ، روشن گران
 شگفتی ها ، هرات ، اندوخته ها ، جویبار
 جای پا ، آسایش ، فانوس خیالی

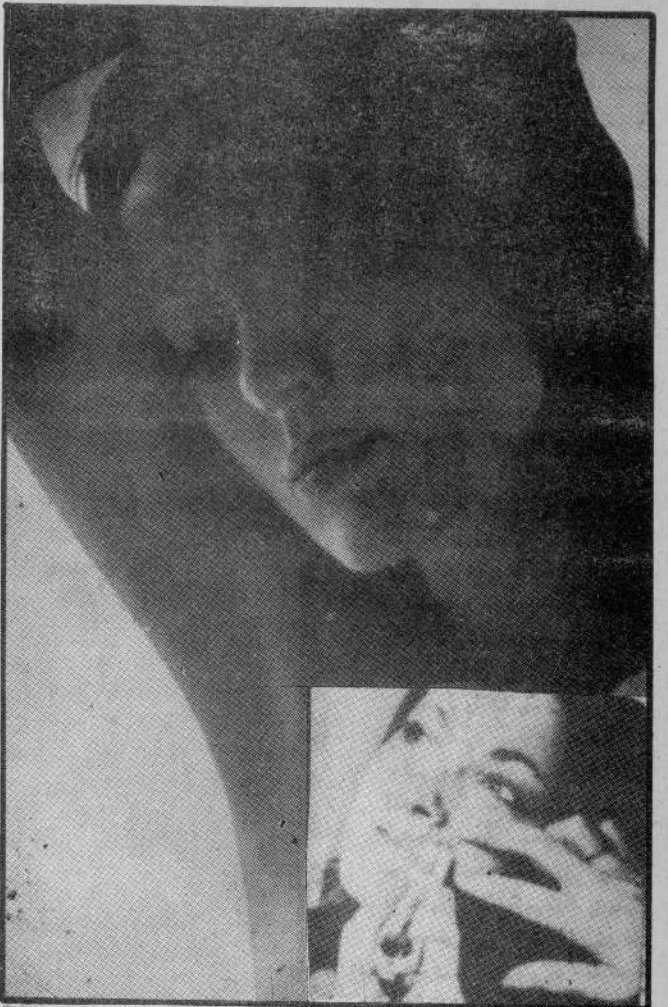
نجات بیشتر ، سایه دیواره اسپند
 به امید سپیده ها ، بهر زار رفته گان
 رهاصات ، جامی و دیار جامی و چندین
 تایی دیگر که تعداد مجموعی آنها
 به دویست و سی و یک میرسد * بخشی از
 آنرا در هرات قلمی او در رشته های دیگر
 است *

با اندوه بی پایان باید گفت که این
 جام هنر و ادب از دست اجل بروی سنگر
 شدایی تقدیر افتاد. روح ایمن انسان
 بزرگوار را شاد میخوایم *

سپهرین

جلدی و خیمه‌ها را می‌آورد -
 ۲- نباید موه‌ها را برخلاف
 سمت و میلان رویشان تراشید،
 (مثلا از پایین به سوی شقیقه)
 جهت تراش باید مطابق موازات
 میلان رویشان موی باشد .
 ۳- ده دقیقه قبل از تراش
 نشین موی را با آب گرم های مرطوب
 طوب سازند ، ملام ساخته
 و پس از پنج دقیقه نخست
 ساحه را با شامپوی خفیه اطفال
 شسته و موه‌ها را ترنگهدارند .
 ۴- خاصیت چسبندگی
 در مقابل تیغ فیزی همواره سد
 نسر باشد و جلد حساس
 نه باید از آن استفاده کنند
 هر استفاده از تیغ تراش
 شش های پر می بدون هدایت
 دانش قضا مجاز نیست .
 ب : برتندن :
 کشیدن موه ، جمله موپوشند
 سر در تراش کویک مورد
 استعمال دارد نه موه‌ها نسبتا
 قوی بوده و با بریدن از بیاض
 خود کنده شوند . موپوشش این
 سوره از بین رفتن دایس موی
 انسانی و نه آن در دستا
 بودن میا ، به خاطر
 بسیارند :
 (استفاده از برتندن
 مورد حاجات بزور و ریختن سر
 بدن ، زیانبار است و امراض
 جلد را ایجاد می‌کند .
 ۲- بین خرابی برتندن
 موی باید حد اقل پنج الی شش
 ساعت وقفه زمانی وجود داشته
 باشد .
 ۳- اراش موی ، سوی
 آن برکنده شده است ، بیشتر
 از دو بار بازم موی تازه میروید
 در برابر آن ، این سوره صرفی
 نظرسر نباید ، زیرا در قدم اول
 خطرات آنات معمولی و در مراحل
 پیشرفته تر سرطان های
 جلد وجود دارد .
 ۴- در میان نگهداشتن
 ساحه ای که موی آن برکنده
 شده است به خاطر مگرش
 نشدن حد اعلا احتیاط به
 کار است .
 ۵- برای اینکه برکنده
 موی به سهولت و بدون درد
 بقیه در صفحه (۸۸)

می‌آورد ، لذا درست تر آنست
 که پیش از استعمال اول در
 ساحه به اندازه یک حکمیکار
 آژ موده شود .
 دمای تهیه شده را با لای
 یک ناحیه کوچک بدن تطبیق
 نموده و برای پوست دقیقه
 انتظار بکنید . در صورت
 نداشتن عکس العمل پیشگفته
 میتوان از آن وسیعاً استفاده
 نمود ، اما یاد داشت های
 زیرین باید به خاطر سپرده
 شوند :
 ۱- استعمال مداوم ادویه
 سپید سازی برای جلد ناحیه
 آسیب مبرساند .
 ۲- بهتر است ، دواها
 به فواصل حد اقل شش روز
 استعمال شوند .
 ۳- مایعات سپید سازی
 موه تراش بودرها و پاکرم های
 آنست و آنرا میتوان در خانه
 نیز تهیه نمود ، به شرح ذیل :
 در حدود شش تا هشت لیتر
 صابون ورقه ورقه تراش شده را در
 پوست سی سی خاید روغن پر-
 اوکساید حل نموده بالای آن
 نخست سه قطره امونیا و پس از
 دو دقیقه دو قطره گلیسرین
 علاوه نمایید . مواد قوی را تا
 به سه آمیخته و برای (۲۰) دقیقه
 انتظار رسید . ترکیب ناصله
 برای استفاده مناسب است .
 ۴- تب از استعمال دوا
 حرارت ناموسای مورد نسر
 پاکرم رس (مردانه) ، ناموس
 ۵- امید اسفا ، مخلولات
 معتدل مستشو و مزاج سازنده
 نرم ساخته شوند .
 ب : تراشیدن :
 تراشیدن سریعتر و
 آمانترین سوره دفعه تراشیدن
 است ، اما نتیجه آن موپوشش
 است . زیرا پیاز آن سالم میماند
 ، اما اینکه موپوشش موه‌های
 تازه نه پس از تراشیدن میروید
 قوی تر و روشن تر میمانند ،
 حقیقت ندارد ، البته تراشیدن
 لطافت جلد را از بین میبرد .
 مراعات نکات آتی در این سوره
 لازم است :
 ۱- هرگز نباید موه‌ها را
 تراشیده شوند ، زیرا آفات -



مساعذ کنند ، و برای روپیدن
 آن فواجم تر میسازد ، بلکه
 هر سوتیزم را به وجود آورد و آنرا
 تشدید می‌کند .
 ۸- عوارض جانبی یک
 عده دواهایی که طی شوره‌های
 منظم صورتی تداوره استعمال
 میشوند ، دواهایی که عوارض
 جانبی آنها انشرا سبب روپیدن
 مو می‌سوند عبارتند از :
 - مشتقات کرو ، کورتیزون ،
 قرصهار سد حامله کی ،
 دنیازون ، دیلا ندامون و دیلا-
 نتین .
 ۹- استعمال زیاد لوازم
 آرایه ، تیز درنمای لونا سون
 عسریات ، رنگها ، آرایشیدن
 هدایت و مشورت دانشرناگهانی
 سبب هر سوتیزم شده میتواند .
 سوره سار از بین برکن
 هر سوتیزم در قدم اول مرطوب

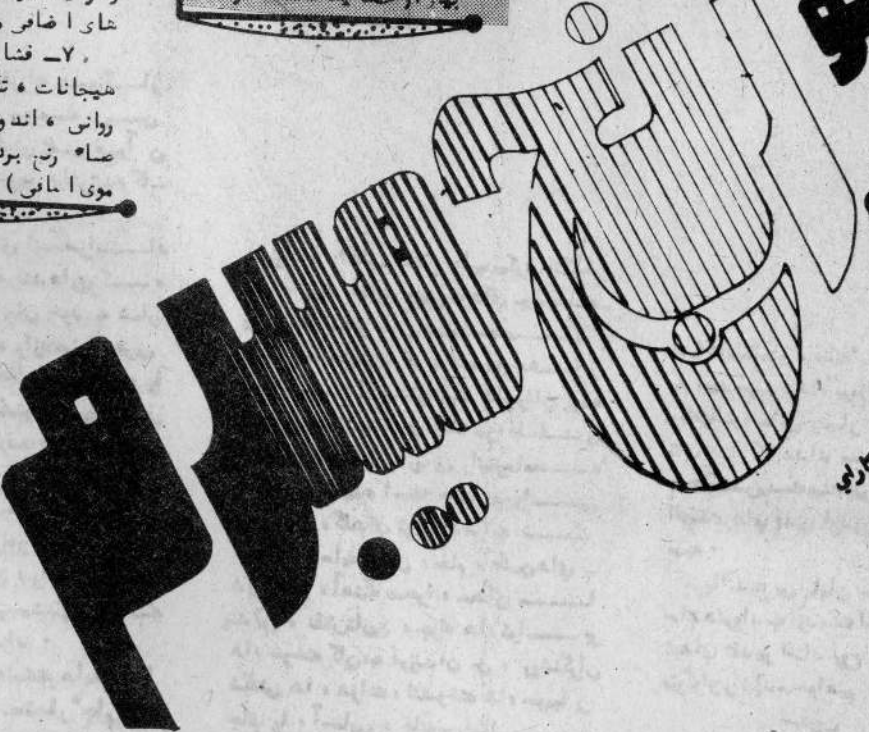
قدوات خاس در دوران بلوغ
 به طور ناگهانی همراه با تشو-
 شات و ناپهنجا رهای عادت
 ماهوار یک زنک خطر برای
 پیدایش هر سوتیزم بوده می
 تواند .
 ۳- شماری از آفات و -
 امراض جلدی (به ویژه در -
 ماتیت ها) سرعاً سبب
 هر سوتیزم میشوند ، باید گفت
 که یک تعداد دیگر باعث ریز:
 آنی موی شده ، میتواند .
 ۴- تقریباً تمام امراض
 اندوکراین (آفات غدوات) -
 دارای افزایش داخلی و تشوشات
 و تغییرات وظیفوی هورمونها
 مخصوصاً در زمان انقطاع -
 طبت (پائنه کی) یاد و از
 پایان یافتن خصلت جنسی -
 زنانه در سنین پیشرفته ، بسا-
 عت هر سوتیزم می‌کند .
 ۵- امراض نفو پلاستیک
 توموری و آفات همیشه نیز مستقیم
 و یا غیر مستقیم (از سریت پر-
 سم زدن تعداد هورمونها) هر-
 سوتیزم را بار می‌آورند .
 ۶- امراض کمستیک ما-
 نند پوست عاری تخمدان ،
 امراض غد ، قوی الکویه و سایر
 غدوات مترشحه ، مانند نخامیه
 و در قیه نیز سبب روپیدن مو
 های اضافی می‌سوند .
 ۷- فشارهای عصبی ،
 منیجانات و تالوف پیشرفته
 روانی ، اندوه طولانی (مخصو
 عاً رنج بردن از پیدایش
 موی انسانی) نه تنها زمونه

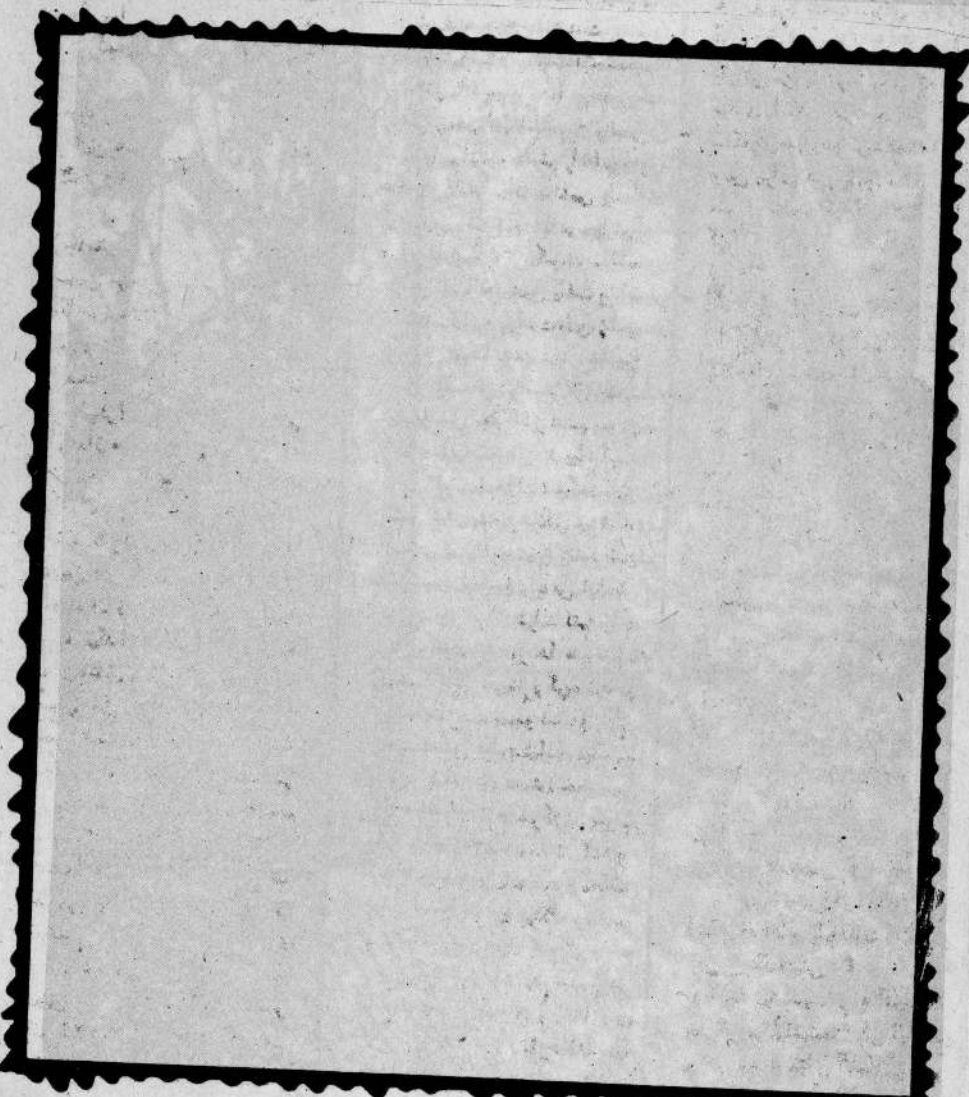
برای پرورش آوردن موه‌ها
 جهت خوشایند ولد تیغشتر
 نیز تمریف شده است .
 پیش از اینکه در باره شیوه
 ها و روشهای کوناگون از بین
 بردن پر موی سخنان فشرده
 می‌گفته شود ، بهتر است بدانیم
 پر موی چیست و چه گونه
 وجود می‌آید .
 پر موی (پایه اصطلاح
 علمی هر سوتیزم) عبارتست از
 موجودیت موه‌های غیر طبیعی و
 انسانی در قسمت های غیرشده
 بدن به ویژه در روی (اشده
 پایینی شقیقه ها ، زنج ، پشت
 لب) و قسمت فوقانی اندام
 دو جانبه گردن ، دوزن ها و
 دختران .
 اسباب :
 ۱- اساسی ترین سبب
 پیدایش هر سوتیزم ماله
 ارثیت (از جانب مادر) که
 بیشتر به یک نسل و یا نژاد
 خاص ارتباط می‌کند ، دختران
 کندیگون ویا سوز که دارای
 موه‌های تیره سیاه ویا خرمایی
 باشند ، بیشتر از دیگران به
 این آفت مبتلا میشوند .
 ۲- قرط فعالیت و پرکاری
 به از حد یک تعداد از -

بدون شک بارزترین و شاید هم
 یگانه نشانه تمیز کننده زبانی
 لطافت جلدی باشد . زبانی
 چهره از نگاه ساختار آناتومیکی
 با نداشتن جلد لطیف صرف
 میتوان برای یک لحظه دیدن
 (آنهم از دور) خوشایند باشد ،
 نه برای خیره شدن و تاها کردن
 طرح و اداه ، این بحث از در
 نقطه نظر متفاوت ، درنگ
 بیشتر میخواهد :
 تابستان موسمی که
 به خاطر پوشیدن لباس نازک
 زک و کثرت میتوان قسمت
 زیادی از جلد بدن را
 بدون پوشش نگه داشت
 به عیار دیگر تابستان
 وقت مناسب برای شایه
 جلوه های زیباییست
 اما این امر در شرق
 و غرب از هم
 چه قدر متفاوت
 دارد ؟
 در کشور
 های شرقی
 هیچ آفت
 جلدی به
 جز سرطان
 نماند
 کشته
 سر
 از

**از موه‌ها
 جلای که**

نوشته دکتر هوشیار آینه‌ها با همکاری
 نوحه س س س س س س س





میگوید: من به خاطر اعتراضی
نزد شما آمده ام. از سبب بهترین
و تلخترین لحظات زنده گیم
به شما جنایت میکنم و رازی را
برایتان فاش میسازم.
بعد انگشتان خود را در جیب
های پیراهنش نیرو میبرد. شرم
زده سویم میبندد. نگاهم در
نگاهش من نشیند. چشمها -
پیش غمزده میشوند. مانند آه
است که همه زنده گی او در
چشمهایش جمع گردیده است.
در چشمهایش درد است
خزان زنده گیت هیرسادی
آرزو هاست. در چشمهایش
قصه نوره زار هاست. رازش
مردن است و راز سوختن و -
ساختن است.
و حقیقت آنست که نمیدانم
کجا آغاز کند. شاید هم دارد که
مبادا نام او را بر زمین مجله
بنویسم و یا شاید هم ندارد.
وقت میگذرد و من قلم به دست
چشم به دهانش دوخته ام.
اندکی در جایش جا به جا
میشود. و بعد میگوید: بگذر
من هر لحظه مانند قلم سیمنا
از مقابل چشمهایم میگذرد و سرا
به سختی می آزارد. درین قلم
دختری را می بینم که همه سر -
ماهی هفت و شرافت خود را به
پادشاه داده است.
دختری که فقط فاصله بین
خانه و مکتب را میدانست. به
خانواده اش انس داشت.

هستنی هایش را دوست
داشت و استادش را احترام
میکرد. بگذر از این فلسف
لمنتی که هر لحظه از مقابل
چشمهایم میگذرد و زجرم مید -
هد. برایتان بگویم. آن را بنویس -
بمسجد تادرس باشد برای -
دختران جوانی که چشم و گوش
بسته به منجلا بیدنامی سرو
موروند. لطفه به خط درشت
به همه مادرها بنویسد که
مراقب جگر گوشه هایشان باشند
و نگذارند دختران معصوم
شان به سر نوشت من مبتلا
شوند.
ببینید حال من چه استم یک
درس عبرت. یک لکه تنگه یک
زهر تلخ. من یک زخم همک
زخم ناسور. من هر لحظه رنج
مهرم دردم میکنم. رنجی
که نمیتوان آن را انداز گرفت.
درد من تقسیم کردنی نیست
اما گفتمی است.
من در اگر دستف ۱۱ یکی از
لیسه ها بودم. در اگر خوب
و لایق صنف خود بودم. با و ر
کمند خیلی خوشبخت بودم.
خانواده ما یک خانواده نمونه
بود. آینده ام را از در چینه
خوشبختی نظاره میکردم. همین
داشتم که گل سعادت و خود
شبختی در زنده گیم میشکند.
آن وقت همه وجودم بهار میشد.
براز شکوفه میشد مانند هر

دختر جوان از روی رفتن به
خانه بخت را داشت و لب
اقنوس که دستهای گل خوش
شبختی ام را بر پر کرد. خانه
بختم ویران شد. دستهایم
ببهار و خزان کرد. امسک
در رگهایم مرد و من امروز یک
کشتزار سوخته ام. یک زمین
نور زده.
این همه یک سال قبل اتفاق
افتاد. استادان حاله را پیش
رو داشتیم و - ال تعلیمی به
فرجامش نزدیک میشد. ماری
صمیم ترین دوست من بود.
ما گاهی به خانه همدیگر میر -
فتیم و در درسها همدیگر
را کمک میکردیم. آن روز که
فرمایشاتحان الجبر داشتیم
ماری از من خواست تا به خانه
اش بروم پذیرفتم. خوب به
پادشاه بودم. ما یکی دو ساعت
الجبر کار کردیم. در خلال
همین دو ساعت ماری هر
لحظه اتاق را ترک میکرد و سرا
تنها میگذاشت. بار آخر که
ماری اتاق را ترک کرد و من
سرگرم حل معادله می بودم.
کسی هسته ادهسته از عقب
به من نزدیک شد تا خواستم
روم را به آن سو دور بدهم
دفعته. دستان قوی و نیرو -
مندی که بدون شک دستهای
یک مرد بود پادشاهی بینی و
دهنم را محکم گرفت. بیوی
تندی شبیه بوی درای خشک
بینی و دهنم را پر کرد. هر
قدر تلاش کردم نتوانستم خودم
را نجات بدهم. بعد از یک
کشکش خسته کننده تصور
کردم تم سبک میشود و من در
بحری فرق می شوم. معلوم
نیست چه مدتی بین نیمه بس
هوش قرار داشته اما در تمام
این مدت حس میکردم جسم
سنگینی مرا در خود میفشارد و
بوم تم در قالب دستهای -
کسی شکل میگیرد. کسی بسا
درنده خوبی تن صحت مرا
در بازویان خود میفشرد. وقتی
به هوش آمدم در یافتم که کسی
و یا کسانی به من تجاوز کرده
اند. ماری را ندیدم. بسا
آبروی بر باد رفته و چشمهای

اشکیبارا و تن لرزان راه خانه
را در پیش گرفتم. همین که
وارد اتاق خود گردیدم و درس
را بهانه قرار داده دروازه را
ببرم بستم. همه وجودم بسوس -
خت مشقیقه هالم از شدت درد
شهر میکنم. نمیدانستم
چه کنم؟ به یاد ندا رف که چه
کردم چقدر گریه کردم. ولسی
گریه نمیتوانست آشتی را خاموش
کند. ولکه سیاه بدناس را از
دامن من بپوشید. دقیقه هفت
از پی دقیقه ها میگذاشتند
اما زمان پایان نمی یافت و شب
به صبح نمی پیوست. آن شب
نا قوس بدنایم در گوش هایم
صدای برداشت. از آن شب
شکجه روح من آغاز شد و من
زندانی زندان بی دیوار گرد -
دیدم از آن روز زنده گی من
ملو از رنگها و بی رنگی هافند
و من ساهی و زشتی زنده گی
را لمس کردم. در باقی اطفال -
نات نتوانستم اشتراک کنم. به
بهانه مریضی روزها دروازه
اتاق را بروم بستم و گریه کردم
از یک سال بدین سو شب و روزم
در یک کابوس وحشتناک میگذاشت.
رد ماری آن مار خوش خط و
خال را دیگر هم هرگز ندیدم.
نمیدانم چه تعداد دختر کاش
معصوم را به بهانه حل معا -
دلات الجبری به پرتگاه بد -
نامی افکنده باشد؟
چندین بار خواستم بخوابم
کف می گم ولی یک فکر و یک اند -
یشه مرا ازین عمل باز داشت.
تکر انتقام از دوستی که دوست
خوشبختی و سعادت من بود
دوستی که راه نشاط را بر من
بست و خنده را بر لبهایم -
خشکاند. انتقام از مردی که
هرگز چهره اش را به خاطر
ندا رف. تم ملو از نفرت است.
همینکه به بستر مهرم تصور میکنم
قبری پیش چشمهایم در من باز
کرده است. خواستگارها همه
وقت به خانه ما می آیند ولسی
جواب من همیشه منفی است.
ببچاره مادرم چه زن خس -
بوست ز یاد میگوشت از من
جواب مثبت بشنود ولی چه گونه
میتوانم بگویم: ماد را دخترت

نمیتواند به خانه بخت برود.
به عوض پیراهن سپید عروسکی
اورا کفن بپوشان زیرا که بخت
دخترت را از دست داده اند حالا از
هر چه مرد است بهزارم. از همه
آن ها نفرت دارم. دنسای
جوانی من با دستهای کتشف
مردی مانند ظرف چینی بروی
سنگش هوا و هوای شکسته است
و من برای هر پارچه آن تسا
سرحد خسته گی گریه ام.
گریه دخترت را مجال صحبت
کردن نمیدهد. کلوش پسر
میشود. از چشمهای زیبایت
که در نظر من از آسمان خدا
پاکتر اند قطرات اشک چون -
دانه های مروارید من هم بر
رخساره های رنگینیده اثر فرو
مهریزند. یک لحظه تصور میکنم
بزرگترین بحره ناپیش روی هم
سریزه کرده است.
دخترت اشکهایش را بسا
بخت دست پاک میکند و میگوید
"بین حال من یک آدم تنها
استم. آدم تنها بازنده کسی
تبی و بچ. با آینده نا
معلوم. برای مادرها بنویس
و بگو که شما را به خدا متوجه
دختران تان باشدید. به آنها
زیاد اجازه رفت و آمد به خانه
دوست و همسفی راند همد.
من پرسم وقتی آن حادثه
اتفاق افتاد چه را والدینت را در
جریان نگذاشتی؟
از آنها میترسیدم. آنها
حقا. مرا میکشند. ولی ایگاش
میگفتم با داستان آنها از رنج
مرگ تدریجی رهایی می یافتم.
بعد میخواهد برود با اجبار
قدم بر میدارد. من از عقب او
را مینگرم که لرزان پس تما دل
آهسته آهسته چون سایه
بی از روی زمین برچیده میشود
و لحظی بعد چون ستاره ای
که افق زنده گیش را کمر کرده بسا
شد ناپدید میگردد.
حالا که این سطور را می نویسم
چهره معصوم و چشمهای گریه
آلود او پیش نظر من می آید و شاید
تا در هر هاتاشنیدن من راز دیگر
و تا نوشتن یک کشتزار سوخته.
دیگر نفس خاطر می باشد.

اخبار نوشته اولاد سعادت

مشال خوشه

مردی به اتهام قتل محامد موشده قاضی رویه مرد کرده گفت: شما چرا آن زن را ازباماند - اختیاد ؟ مرد گفت: به خدا سوگند است که از پشت سرمشل خوشه معلوم میشد .

عذر بلندی از گناه

آواز خوان بد آوازی که در یک پروگرام تلویزیونی کسرت داد و بعد از آنکه برنامه اش را اجرا کرد و از تلویزیون بیرون آمد عده ای از مردم را دید که با چسب و چاق در جلو دروازه خر و جی ایستاده اند و حالت تهدید آمیز دارند .

آواز خوان با ناراحتی گفت: انشاءالله از بابت اینکه صدای من خوشتان نمانده باین کاری خونه خواهی داشت ! یکی از آن ها گفت: نه ما با آن کسی کار داریم که ترا به تلویزیون آورده !

تصرف با بیسکول

بایسکل یک قاطر آهنگس است که د و پادارد چون جو نمیخورد از آنرو خیلی لاسر است بوسیله گوشه اش هدایت میشود قبحین لازم نیست باید در شکش لگزد ها تیز تیز برود و برای ایستادن گوشش را محکم باید گرفت .

د فتر تبلیغاتی ریاست بی نظمی خبر میدهد که ترافیک یکی از جاده هاد رفته کنترل به خواب عمیقی فرو رفته که در اثر این خواب و چادری خله نی راتند باد موثرهای تیز رفتار که آخرین درجه سرعت را گرفته بودند به فضای لختنا هی پراند و به نقطه نا معلوس برده است . خبر اعا فه میکند . ترافیک هم چنان مصروف دهن خواب های شهرین بود . قوه تحت تحقیق و بررسی خانیس کچا در ری اش را از دست داده قرار دارد .

امروز شاگردان و دانش آموزان مکاتب ولیسه هسا نخستین دور امتحانات شان را در فضای کاملاً دموکراسی بانقل های طوماری و تاپیزی آغاز کردند .

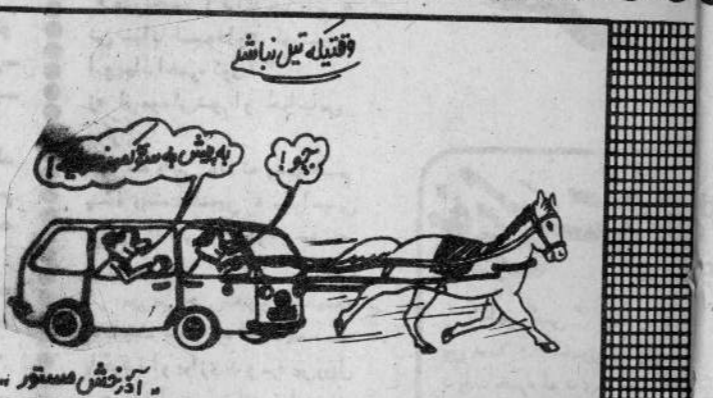
خبرنگار ریاست بی نظمی گزارش میدهد که در جهان امتحانات معلمین و مفتشین حاضر بوده با این که حضورشان لریزه بر اقدام امتحان دهنده گان انداخته بود و با آن هم بسا ملاحظه نقل های نقل و ریزان صمیمانه تیرخود را میآوردند و خبررما افزاید ، یکی از اعضای مفتشین و اعتماد شاگردان را در زمین تهیه و تدارک تاپیزها به سایر های مختلف عالی دانسته و آینده پرسیاری حتی در سطح تحصیلات عالی برایشان پیش بینی نمود . گزارش علاوه میکند و سهم و سطح داران نیز چون سال های گذشته در این دور امتحانات قناعت بخش بوده است .

پروتریکول دوستی و همکاری دو جانبه بعد از نصف دشب میان ترافیک و تکسی ران یکی از محلات مزد حم شهرد رضای آراسی که گاهگاه باصفا ای هیلل آبی خندق وسط سرك مختل بقیه در صفحه (۸۱)

خواب پریشان

گفت : شما خجالت نمیکنید که بالای مرکب دو نفره سوار شده اید ؟
گفت : من شنیده بودم که روی باسکل دو پشته سوار شدن را ترافیک شغ کرده ولی در مورد مرکب چیزی نشنیده ام .
گفت : در حالی که از غم سرخ شده بودید گفتند :
- حیوانك معلوم را از دست میگیرد .
تازه متوجه شدم که روی باسکل تری که آنان از آن پیاده شده اند نوشته شده : "انجمن حایه حیوانات" فهمیدم که کارم زار است مرا سه صد افغانی جریمه کردند . جریمه را برداختم . یکی از آن سه نفر پرسید :
- اسم این حیوانك چیست ؟
خیال کردم بپریم را میگویند .
گفت : "فصلو" گفت : این مرکب قشنگ را میگویند نه پست را .
و از غم خندیدم و گفتم :
نام ندارد . من او را حیوان - بقیه در صفحه (۷۲)

اندیشه ها و چرتها به خواب رفتند . اما میدانم چن خواب دیدم .
- باغچه نشان دادیم تا او خواب را که دیده است همه کند . فقیر جان او امه داد :
خواب دیدم که یک خردارم و با پسر فضل احمد جان در راهی روان هستم ما هر دو سوار مرکب بودیم و با هم آهنگه " اگر جلوه نمانی " راز میزدیم .
میکردیم در یکی از جاها ناگهان موتری شبیه امبولانس پهلوی ما توقف کرد . و سه نفر از موتر فرو آمدند و به سوی ما آمدند . یکی از آن ها کتابچه اش را از جیبش کشید و قلم به دست گرفت و از من سوالی کرد :
اسم شما چیست ؟
گفتم فقیر جان :
او از وظیفه محل حکومت من و سالم هم پرسید و بقیه



شادی

دختر شورشندی با یک مرد فقیر و نادار ازدواج نموده روزی به شوهرگفت:
مودانی عزیزم از جمله چیزی که من در خانه داشتم یکی هم شادی بود که خیلی خوشم میآید . مرد گفت:
دختر شورشندی با یک مرد فقیر و نادار ازدواج نموده روزی به شوهرگفت:
مودانی عزیزم از جمله چیزی که من در خانه داشتم یکی هم شادی بود که خیلی خوشم میآید . مرد گفت:

آدم که بیچاره ماند چه افکاری نیست که به گله اثر - خطور نمیدند . من فقیر جان و مدبر عهدال و سر معلم فقیر همان طوری که یکجا مکتب را به پایان رسانیدیم و همزمان وارد مشاغل دولتی شدیم به فاصله کمی از هم دیگر تقاعد کردیم معمولاً با هم جمع میشدیم و یک میز زهم رزمه میخوردیم خاطرات و ماجرا های زندگی را به یاد می آوردیم و از دوستان بخفور و مرحوم خود یاد آوری میخوردیم فقیر جان که زبانی مأمور دولت بوده و در پست های مختلف کار کرده و چند بار به خارج هم سفر کرده است همیشه یک کپ را سر زبان داشت مرتب شایه است میکرد که :
- چرا ما انجمن های حمایتی نداریم . مثلاً چرا انجمن متقاعدین نداریم انجمن حایه حضرات نداریم انجمن چی و چی نداریم .
فقیر جان که به قول خود در درباره حیوانات بسیار مطالعه کرده است بیشتر درباره حیوانات شایه حرف میزد .



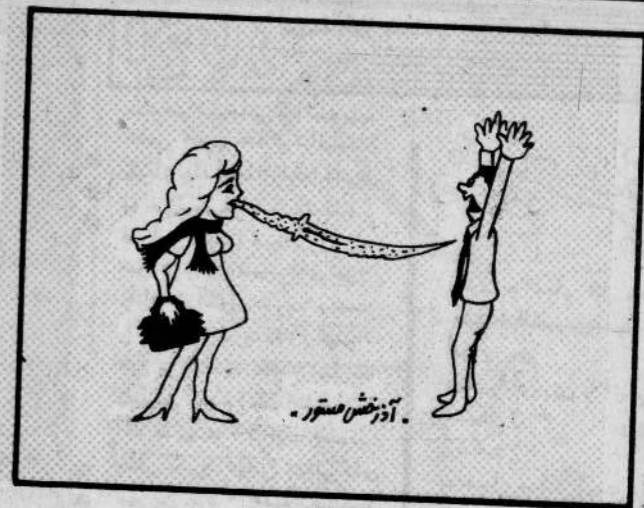
کرده پرسید :
ملاچی موشی چرا -
رسمان را به کسرت بستمای ؟
ملاگت : میخواهم خود کشی نامم
شخص پرسنده گفت :
اگر مهل خود کشی داری باید رسمان را به گردنت آویزان کنی نه در کمر !
ملاگت : خو ، چقدر رهوشمار استی ، بیشتر در گردن خود بسته کرد و بودم قریب بود که بپریم .
ارسالی د پانا ارشاد "خند - ان" متعلم لیمه خدیجه جوزجانی .



الحمد لله

فرید شاکرد یکی از مکاتب واقع در یکی از قصبات دور افتاده یکروز آمد پیش معلمش و به او گفت :
پدرم گفته است تا از شما بیترسم آیا خروس را دوست دارید ؟
معلم پاسخ داد : البته پسر جان ، خیلی زیاد خوب شم میآید ، مگر چه باید کرد ؟

شاکرد جواب داد :
پدرم میخواست برایتان یک خروس بیاورد . چند روزی گذشت اما از خروس خبری نبود ، بالاخره حوصله معلم سر آمد و گفت : فرید جان مگر خروس را که وعده کرده بودی چه شد ؟
شاکرد گفت : الحمد لله که وضع خروس فعلاً خوب شده است .



کالیزه

زور په کلي کی چاکلېزه
 باساکره نه پخوانده هخچس
 کله مور بارته کده راوکره ه نو
 دغه لو به موهه په کور را ننوته
 ورم کال مې نیکه چس عمر چس
 په نوی کلو نوښه اړولې او د
 آزادی په جگړه کې یې لاس پورته
 په چپه تاوول ه دگاونډی په
 کور کې دده دو پروکې زوی کا
 لیزی ته تللی و . کله چس کورته
 راغی نووا رمی زما پلارته منځ
 وړ وای او ه
 بچو! په رښتیا چس مور
 خوشی عمر تره کره نه موخپله کا
 لیزه زموه اونه هم د ژوند په
 خوند پوه شو .
 پلار مې له واره لخوا ب ورکره
 باباجانه هته زره
 خوره ه په نیت کې مې ده چس
 ستاد کور مې کالیزه ونسم .
 نیکه مې د پلار زخیره په
 خوله کې ورښخه کړه :
 " ته دکور سوغم په کوه
 اوس زمانه دکور سوډه ه کا
 لیزی هم ددویدی ؟ خوتنه
 زمانه خوره چس خدای ناخوا
 سخته یې کالیزی درختی مړینه
 شم .
 دنیکه لمدی خبری سره
 مې پلار مجبور شو چس بله ورځ
 دکور په چت پوری رنگه کاغذ و نه

مې اناد کالیزی په کوه کی پنځا
 شمسی و تو مېلی اوتیرتال مې له
 پلار سره دکالیزی شوو پید ا
 شو . پلار مې دکوه له پاسه
 پنځه دیرتر شمسی ولگولی اوبغا
 یې مړی کړی ه مور مې دکالیزی
 په ورځ له پوی خوانی پنځلس
 کلنی پېغلی خنځه هم زیاته سره
 او سپینه پوقیده ه خنځه چس
 پنځه ویشت کلنی یې ثابت شوه
 او هغه په دی چس خان زمانه
 پلار خنځه لس کاله کشر بولی .
 خوتر توله په زړه پوری دا ده
 چس همدا سز کال خووړ خس
 د مخه مور راته وویل :
 " زویه ! ستا په کالیزه کسې
 به کله و خاند و "
 له دی خبری سره یومشبهه
 په چرت کی شوم ه خنځه چس
 د مور کشر زوی وم ه که خه هم
 دتذ لری له مخی خلو د پسر ش
 کلن مې ه خود عمر پتو لو پسر
 خه کی مې دخپلی کور سړه
 د رواغو پتو لو په خاطر مور ته
 وویل :

مورجانی ! زه تراوسه
 پوری لا زېږېدلې نه مې هکله چس
 وزېږېدم بېاد کالیزی خبره کوه .
 مور مې له خنځه راته وویل :
 " وې بچمه ! داته خس وایې ه
 نن سجاد لسوخاوند کسېری
 او بېاد خبره کوی ؟ "
 زه لېر موی شوم او خواب مې
 ورکره :
 ښه وایم ه که ته رښتیا هم
 پنځه ویشت کلن مې ه نوداس
 یې پوه له چس زه لاتراوسه نه
 مې زېږېدلې .
 مور مې چس خپلی اشتباه
 ته متوجه شوی وه له خا په
 پاخېده او یوازی دو مړه یې وویل
 " رښتیا یس زمانه خرابه شوی
 دده ه که نو زوی خنځه مور ته
 دا خبره کوی . "

مرښت

براتی وروسته دد وه دری
 مهاشتوپه یوغور خیرات پېښ شو
 د واره یې خان کوچ ته کسې
 ترخو دری نفری غوری په یوازی
 سره ووهی ه همغی چس وایې
 پېس پېسو راخی د طالع
 پسر طالع راخی ه خنځه د براتر
 دلس دم د خیرات آشیز راخوت
 نود ستر کویه ستر گرکېد و سره
 د فورس د غوښو د ن قاب پسر
 غوری اسانه شو ه براتی هم
 خوراک تمداسی دوام ورکره چس
 ته به وایې دخوړو لو په کوهسه
 مسا بقه کی یې گدون کړی و ی
 او د پلو همنځ دیوست یس
 رډنه کر همېشه و چس په دستر
 خوان بانډی او رداوړ د وخر پد
 اوه لسوتوبی په زښل کې وا
 چا وه اود شفاخانې به لوری یې



دینار کی پوهی
 هسې شوال : باغچون
 په کور کې هم د ماشومانو د
 مور له لاسه پرتاوې را بانډی
 توره شهه ده . هر سهار چس
 دهند اری ترنځ د پیری خربلو
 لپاره د پېر ه نو په تر سوسو
 تند ی اوله گواښ نه پک غز راته
 وایې :
 " بېاد چاله پاره پېزه خړی ؟
 ضرور له بل چاسره تارغو لسی
 یې ه که دغه ماشین مې در
 لخنس په لنګری کې ونه تګاوه ه
 دیوکلې لور به نه مې .
 که سپینه یې ووايم اوله تا
 سویی پته نه لیم نو دا پنځ شپږم
 ماشین دی چس دچ مریکسی
 غونډی زمور دکور په لنګر کسې
 ټکړی . "

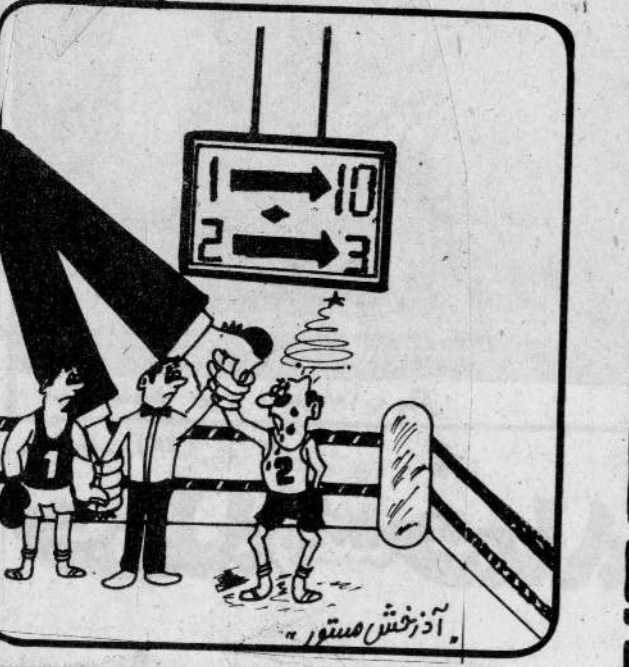
نوی ستوری

د یاتو توگی

غوره شوی معلومه

تېت قد په کتاوونه لسوړ
 پری .
 په شرو مهوکه چاغېدای ه
 غوړکه به چاغ شوی وه .
 د ایمان زوال دروغ دی
 دتو تو زوال ددوغ دی .
 گناه په خپله کړی ه لعنت
 په شیطان وایې .
 غله ته هر بوتی سسری
 دی .
 په خپله خرنه لری د پل
 په آرمپوری خاندی .
 خره ښکر گېل غوړونه
 یې بایدل .
 پتوی اوبیان اوخی تېت
 تېت .
 اوزه له لپوه تختېده ه
 د قصاب کره یې شهه شوه .
 پېشو چس خوب ونشې ه
 چوموزک په خوب بکی ونشې .
 اول مېزه به نوسه هاو
 جسی نوسې یې نوتېنگه یې نوسه

شمشه پورخانه ه خیر . . .
 بېادی کوم خوامنه کړی ده ؟
 - تخم چس نن یې دکور د صفه
 یې د کتابچې وعده را کړې ده
 - مالو مپوری چس دکور خنځتن
 شوی یې ؟
 - تراوسه خونه مې ه مگر د پسر
 زړه یې خنځتن شم .
 - خنځکه ه او په خه ؟
 - دا چس کارونه یې ټول خلاص
 دی او یوازی کور پاتی دی د تل
 امر مې اخیستی او کارونه مې ورته
 خلاص کړی دی ه د پسر شنا مېتر
 خود ایو کال کپری چه له امر
 سره یو خای مې د دفتر په مېز
 خانمکی کولې کړی دی ه او
 تېلفون مې هم خو ورځی د مخه
 له نو مړی سره یو خای تر گډوډ کړی
 اوس تخم چس د صفایې کتابچه
 هم ورته واخلم .
 - چس د اسی ده ه نو ضرور
 دی کور هم تر لاسه کسړی دی
 اوزموړ شپرنی دی لکه چس
 د کور توغو ندی وکړه کله که خه ؟
 - شمسه پور کورت خود دی خو
 خان ته یې نه کړ پوی . کله
 چس د کور خنځتن شوم بېادغه
 خسپری کوه .
 - چس دکور خنځتن نه یې ه
 نو تېلفون ه بېرېشنا تل صفایې
 کتابچه دی خنځه تر لاسه
 کسړل ؟
 - زو روره ! ته رښتیا هم چس



تازه های دانش

چاقی اطفال و بیماری قلبی

دوکتوران بر این باورند که بیش از نیمی از کودکان چاق در بزرگسالی نیز بیش از اندازه چاق خواهند ماند و در نتیجه در معرض خطر بیماری های قلبی و دیابت قرار می گیرند در این رابطه روزنامه واشنگتن پست در بخش بهداشت خود نوشته دوکتوران متخصص اطفال معتقدند چاقی بیش از اندازه باعث درد سر در بزرگسالی است. این دوکتوران معتقدند عدم خذیه صحیح مصرف بیش از اندازه مواد چسبناک مانند شیرینی ها و شکلات ها و چاقی بیش از اندازه در دوران طفولیت و بزرگسالی می شود دیگر تلویزیون از نظر فروش کت های تبلیغاتی هیچ مزه یعنی بر سایر رسانه ها ندارد.



اجرای تکنیک تیمو و سانهاال آه آپ چاقی

حمله و فتل حمله

بقیه از صفحه (۲۸) - ۲

تلویزیون بدون اعلانات

برای خلاصی بینندگان تلویزیون از اعلانات فراوان تجارتی اخیراً جایابی ها دستگاهی ساخته اند که به کمک آن تماشاچیان تلویزیون در فواصل برنامه های خوشی خود نگاه نکنند. این دستگاه (۱۰۰۰۰۰۰) نام دارد و تا به حال ۱۰ هزار عدد از آن در کوریا جنوبی به فروش رفته است. در این رابطه تبلیغات چی ها ساخت تکران شده اند زیرا اگر رفتار باشد بیننده تلویزیون به راحتی از مزاحمت اعلانات ناات تجارتی تلویزیون خلاصی شود دیگر تلویزیون از نظر فروش کت های تبلیغاتی هیچ مزه یعنی بر سایر رسانه ها ندارد.

حای مثل آپیرین

گروهی از دانشمندان در ایالات این ادعا می کنند که نوشیدن چای در سلاطین انسان اثر مثبت دارد. چای معده دار و مازان چای آن به دنبال آزمایشاتی اعلام کرده اند انواع چای تخم تره هیزیت در خون را تحت فشار قرار می دهد. تجمع تره هیزیت یکی از مراحل اولیه انسداد رگ انتقال خون از قلب است. تاثیر چای به دلیل وجود مواد مختلف رنگی در آن است. این مواد مانند اسپرین برای جلوگیری از لخته شدن خون مؤثر است.

اصول کوریایست که سابقه چندین هزار ساله دارد و در کشور جهانیه آن در کشور کوریا و جنوبی در شهری به نام "کوکی وین" است و این - یک کاملاً مبارزه می محض است که حرکات نمایشی در آن کستر به چشم می خورد مگر سبک تکواندوی هیانگ که فد راهون بهمن المپلی آن در کشور کانا دا می باشد سابقه هژده ساله دارد و سبک کلاسهک تکواندو می باشد. حرکات نمایشی آن بهشترازا کراته الهام گرفته است در موج تکواندو در جهان به عنوان کاملترین و خوشترین سبک رزمی در میان سایر هنرهای رزمی شناخته شده است. عبدالناصر هرتکی صرفاً از کمیته ملی المپیک متقاضی است تا بخاطر منجم ساختن کامل -

گلگون روی رانسان و نگینریک

بادرمان صحیح کلودرد (تیز - رقی یک پنی سو لین) منابع بروز عارضه قلبی - آنزیم استریتوکوکیک یکی از بیماری های نسبتاً شایع اطفال در سنین ۱۰ الی ۱۵ سالگی است که شروع این بیماری در رصول پاییز و زمستان حدود ۱۰ برابر بیشتر از فصل دیگر است. عامل این بیماری "استریتوکوک پتاهمولیتیک" گروه A می باشد که به راحتی بر اثر تماس نزدیک و توسط ذرات معلق در هوا، از راه دستگاه تنفسی به فرد مستعد منتقل می شود. یک تا پنج روز پس از ورود میکروب به بدن، علامت بیماری به صورت تب ناگهانی، گلودرد دل درد، استفراغ و گاهی لکه های جلدی شبهه مضمک ظاهر می شود که پس از مراجعه به طبیب در معاینه حلق و رهران این رشته که حده و عفناد کلس همین اکنون ترین این ورزش را میگردند. راسون را ایجاد نماید هزیرا زمانیکه یک ورزشکار به صورت کلی از آمون ورزش تکواندو موفق بد می آید مجبور است تا از کشور دیگری کمر بند این ورزش را به دست بیاورد که این مسئله در واقعیت امر اگر خطا نکته باشم احساس می شود - لیتی محض در برابر ورزشکاران است. ماه قضا به کمیته ملی المپیک پیشنهاد می نمود تا بار دیگر خوشرا به اصطلاح "به کوچیه" حسن چپ نژده "پیشنهاد دات ورزشکاران را به مثابه جزه از فعالیت های مربوط به خوش بداند در غیر آن کمیته ملی المپیک یعنی چی؟

رهروان این رشته که حده و عفناد کلس همین اکنون ترین این ورزش را میگردند. راسون را ایجاد نماید هزیرا زمانیکه یک ورزشکار به صورت کلی از آمون ورزش تکواندو موفق بد می آید مجبور است تا از کشور دیگری کمر بند این ورزش را به دست بیاورد که این مسئله در واقعیت امر اگر خطا نکته باشم احساس می شود - لیتی محض در برابر ورزشکاران است. ماه قضا به کمیته ملی المپیک پیشنهاد می نمود تا بار دیگر خوشرا به اصطلاح "به کوچیه" حسن چپ نژده "پیشنهاد دات ورزشکاران را به مثابه جزه از فعالیت های مربوط به خوش بداند در غیر آن کمیته ملی المپیک یعنی چی؟

به پنی سلین از تزریق آن خود داری کند و زهر اثر عدم تزریق پنی سلین تجویز شده توسط دکتر فرزند آنها ممکن است مبتلا به تب روماتیسمی شده و دچار عارضه قلبی - روماتیسمی گردد که تا آخر عمر طفل را گرفتار و احتمالاً زمینگیر می کند که در آن صورت دیگر پشیمانی سودی نخواهد داشت. در همین جالزم به تذکره است. چنانچه اگر کودک بر اثر قتل مبتلا به تب روماتیسمی و عارضه قلبی ناشی از آن گردد، برای پیشگیری از بروز تب روماتیسمی، از تزریق ماهانه پنی سلین طبق تجویز دکتر به هیچ وجه نباید خود داری شود، زیرا با هر بار خود تب روماتیسمی، اگر عارضه قلبی وجود نداشته باشد ظاهر خواهد شد و اگر همین بیماری وجود داشته باشد تشدید می گردد. از آنجاییکه در اطفال کمتر از پنزده ساله حساسیت نسبت به پنی سلین بسیار کم است، لذا میتوان به مشوره، دکتر آنرا تزریق نمود در این صورت نیاز به تزریق جلدی نمیباشد.

آرزوی تان چیست؟ - آرزو دایم عده برای اینکه یک ورزشکار یک تاز و متواضع در رشته کانگوا باشم اولیس دکتر روانی باشم که از طریق تلویزیون بتوانم روزی هیولنا غیور را تدا وی نامم لگه همچنان عمدتاً از ریاست محترم صحبت روانی تمنا دارم از کسانی که به هیئت من دست یافته اند در تدا وی میشان شان طلب همکاری نمایند. - آيا شما حاضر استید در صورت تقاضای ریاست صحبت روانی با آنها همکاری کنید؟ - بلی - آخرین گفتی تان چیست؟ - آخرین گفتی من اینست که: زنده کی خون من می خواهد فخر اقبال رایگانی نیست.

سفر به آمریکا و شوروی

دانشمندان آمیکانی و شوروی در نظر دارند تا یک گروه بین المللی زبانی بر روی کوه میخ ارسال دارند این برنامه قبلاً قرار بود توسط آمیکانی ها صورت گیرد اما شوروی ها نیز حاضر شدند در این پروژه و همپوشانی هر دو شوند. هزینه این برنامه بر روی هشتی بالغ بر ۱۰۰ هزار دلار است و مطالعه ای است که توسط چهار پرفیسور ۲۰۰ دانش جو صورت خواهد گرفت. طبق این بررسی اقرار است یک دستگاه مدار جلدی ساخته شود که خرج آن معادل ۳۰ میلیارد دلار است. از زمان کشف لنز در سال ۱۹۶۰ توسط (امپان) دان - نشمند آمیکانی این پدیده مراحل پیشرفت و تکامل را سرعت یافته و طی می سالی اخیر لنز از اتاقهای ازما - یشگاه ها وارد زندگی روزمره مردم شده است.

یک از زمینه های جدید لنز طراحی دقیق قطعات صنعتی با روشی شبهه بسته نوعی فتوکپی به بعدی است. این روش که با پیوند رشته انفورماتیک (۰۰) پیشرانیت لنز در صنعت جوشکاری و برش قطعات ضخیم فلزی نیز استفاده می شود. درصن حال هم اکنون لنز هایی با قدره بیشتر بهمن ده تا پانزده کیلووات در ازما یشگاه های مورد استفاده قرار می گیرد و آخرین تحول در این زمینه برنامه نصب یک لنز ۲۰ کیلوواتی در مرکز فنرد تملیحاتی در آرکی فرا - نسه است که توسط ان بالغ بر ۲۰ میلیون دلار است.

تخصصی ورزشکاران

فرجام عالی و پیشگام عالی

حالا پدرم یک دایم الحسب است و مادرم دیوانه و بیگانه است

امروز کسی در من فریاد -
 میزند . یک نیروی جدا از من
 مرا به نوشتن وامیدارد .
 میخواهم در مورد سوزن
 و حشرات بی جاوی سو رد
 مادرم بنویسم . زیرا این مساله
 خانواده ما را به باد فنا داد .
 آرامش زنده گی ما را برحسانه
 به هم زد . حالا شب و روز من
 در گریه يك كابوس است . از همه
 زنان و شوهران از همه
 مادران و پدران میخواهم تاقصه
 خانه ما را به دقت بخوانند زیرا
 در آن درس بزرگی نهفته است .
 مادر بزرگ حسودی نبود .
 همیشه بالای کپه کپه چینی
 بهمانه میگرفت . همه وقت مرا -
 قب حرکات و رفتار پدرم بود
 اندک ترین تخمیری که در حرکات
 پدرم میدید بالای پیش ایسراد
 میگرفت همین که در مهمانی
 ها و موسی ها پدرم رامیدید
 که باد و مستش و با خانم دوستش
 صحبت میکند فوراً عنکبوت -
 حشرات و سوزن در دلش
 تار می تنید . وقتی به خانه می
 آمدند سهل برشها و پر خاش
 هانتار پدرم میشد . بیچاره -
 پدرم در چنین حالات خاموش
 میماند . زیرا مادر را زهاد
 دوست میداشت . اما مادر -

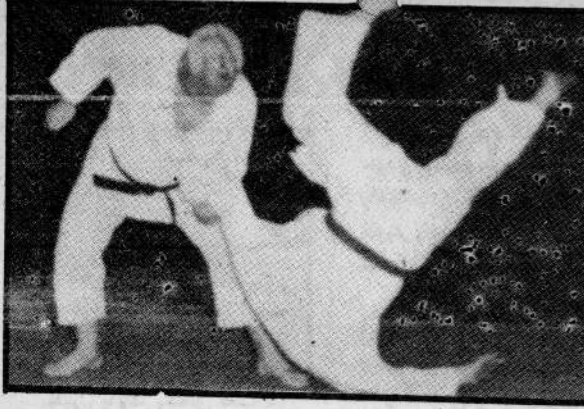
ندانسته توشه به ریشه سعادت
 خود و همه مامزد . در فرجام
 بهمانه صبر و حوصله پدرم تپس
 شد . روش غیر انسانی مادرم با -
 عت گردید که پدرم به مشروب -
 پناه ببرد . بیاد دارم آن شب
 هرد و از عروس برگشته بودند .
 پدرم نشاء بود . به مشکل
 تعادلش را حفظ میکرد . به -
 مجردی که داخل اتاق شدند
 باز مادرم شروع کرد : " بگو آن
 دختر کی بود که چند بار در چوکی
 مقابلش شستی و کتک کتک
 زدی و خنده کدی . پدرم که
 سرش را به پشتی چوکی تکیه
 داد بود چند لحظه سوزی -
 مادرم دید و بعد از جایش
 برخاسته از الماری يك بوتل -
 مشروب برداشت . آنگاه مرا
 صدا زد او گلاس میخواست .
 من از ترس ماندم بود مهربانم
 گلاس را با قهر از دستم گرفت .
 آن را پر کرد . دوس و سوسو
 راهم با یک نفس سر کشید . من
 دوباره به اتاق آمدم در سننم
 افتادم خواب به چشمهایم نمی
 آمد رفتم چسبیده به کلکیسن
 ایستادم . باز صدای مادر بلند
 شد که میگفت : " او شرابی خود
 مهربانی و عشق دخترک ده -
 سرت زده ؟ " پدرم نتوانست

تحمل کند آن وقت بوتل را با -
 شدت تمام سوی مادرم پرتاب
 کرد . بوتل به دیوار اصابت کرد
 پارچه پارچه شد . چهره پدرم
 از قهر و غضب زیاد کبود شده بود
 بی حال روی چوکی افتاد .
 چشمهایش مانند دو کاسه خون
 بود . نمیدانم . مادرم آهسته
 آهسته چه میگفت که يك بسا ر
 پدرم غضبناک روی چوکی نهم
 خیزید . و با شدت تمام بر مادرم
 فریاد زد : " اوزن روی خدا ره
 ببین . زنده گی ره سر خود و مه
 د وزخ نگیردان . " من عقیب
 شیشه کلکین گریه میکردم . آبی
 آنها من برادر را اصلاً به -
 حساب هم نمی آوردم . بمسد
 مادرم خیلی بی اعتنا از جایش
 برخاسته زهوراتش را بالای . موز
 آرایش گذاشت و با بی اعتنایی
 روی تخت خوابید . و من به امید
 آن که دیگر مشاجره آنها به پایان
 رسیده . به بستر رفتم . تانیه
 های شب خواب به چشمهایم
 نمی آمد . اشکها با لاشتم را -
 نرم میکردند .
 صبح به امید این که مشله
 چه آن ها خاتمه یافته از بستر
 خاستم . اما بعد از نوشتن
 چای بگو مگوی آنها دو بساره
 آغاز شد . مادرم میگفت

و در میان عشقش گریه
 میگفت : " اکه بوتل به سرم -
 میخورد ؟ " بعد مشاجره
 تند تر شد تا آن جاکه یکبار پدرم
 فریاد زد : " بس اس دکه زن -
 هر چه حد و اندازه داره . " -
 مادرم بی اعتنا به فریادهای
 پدرم و چهره های رنگ پریده
 و تن لرزان من و برادرم گفت :
 " دکه نمیتوانم کت تو زنده گی
 کنم ، طلاقه بی . " این
 دو سه روز ادامه داشت ، گریه ما
 و مدخله قوم و خویش همیشگی
 نرفتاد . بعد آن دوباره محکم
 رفتند و خیلی آسان از هم جدا
 شدند . من برادرم با هم
 ماندیم . مادرم نزد پدرم مادر
 خود رفت . برادرم ۸ سال
 داشت . از وقتی که مادر ما را
 ترک کرد ، در بدین درمانی بنه
 جان برادرم افتاد . همیشه در
 آنتر تب مسمومت مریض او
 ۴ ماه ادامه داشت و يك روز
 هیچ که لحاف را از رویش
 برداشتم دیدم که چشمهایش
 به سقف اتاق مانده اند . شاید
 او تاب جدایی مادرم را ندا -
 شت .
 وقتی بار آخر چهره او را از
 لای کفن دیدم ، يك چشم او
 نیمه باز بود . زنها میگفتند :

او دیده به راه مادران .
 بیچاره طفلک دل انداخت
 وقتی جنازه را میبردند مادرم
 آمد ، مانند دیوانه ها بود .
 خواست خود را بالای جنازه
 برادرم بیندازد مگر پدرم -
 برایش اجازه نداد . با خشونت
 او را از خانه کشید و نگذاشت
 که روی پسرش را ببیند . از آن
 حادثه یکسال میگذرد . و من -
 تک و تنها بدون هیچ خوشی
 ماندم يك سایه لرزان ، -
 بدون امید زنده گی میتم . در
 حالیکه دختری به سن و سال -
 من به محبت والدین چنان -
 ضرورت دارد ، مانند گل به -
 آب آمان از محبت هرد و
 محروم . همیشه با خود میگویم
 چنین است فرجام سعادت و -
 سوزن که کانون خانواده کی
 ما را بر باد ساخت ، ما آواره
 شدیم خندیدن و خوش بودن
 را فراموش کردیم .
 حالا پدرم يك دایم الحسب
 است و مادرم پشیمان و من بسا
 چنین پدری زنده گی میتم
 و با چنین زنده گی میازم و -
 مسوزم .

مغلوب ساختنی بدون...



جودو کاهلی را ازین برد
 و ذوق جودو بهدار کنند
 ای نیروی کار در نهاد
 ادبی است .
 باید متذکر شوم که در جودو
 اشخاص قوی و کم قوت شانس
 مساوی دارند . و برای
 خانها يك وسیله تدافعی
 بسیار خوبی است . این
 ورزش نخستین مرتبه از کشور
 چین نشأت نموده و در -
 جاپان انکشاف یافته است .
 مفهوم جودو اصلاً از کلمه
 "جو جو سو" مشتق گردید .
 و در پهلوی جودو شعبات
 دیگری نیز از آن جدا شده
 است .
 قابل یادآوری میدانم
 اینکه :
 موفقیت در جو جو سو بهایه
 کار بردن زور ، قوت و خشونت
 ممکن نبوده ، بل با مهارت
 زهره گی هنرمی و ملاحظه
 میباشد که جودو بعد هابسه
 صفت يك ورزش بی خطر
 از جو جو و سو مجزا گردید .
 س : چه نانی که تعمیم شد ،
 جودو از جمله ورزشهای رزمی
 به حساب میروند تکنیک و
 تخنیک آن با سایر ورزشهای
 رزمی چه تفاوتی به هم
 میسراند ؟
 ج : انگاهیکه جودو از
 جو جو سو جدا گردید به شکل
 يك سهورت مستقل سهورتگامیل
 خود را پیود از شعبات
 دیگری چون کاراته اکیدو و
 تکواندو و کیودو و کتدو و کاسا
 نودو و هایوسامی هاگیناتا
 و کوزاری نانا که همه با تخنیک

های رزمی انکشاف یافتند
 و شامل بازهای المپایی
 گردیدند . مشکل میباشد .
 زیرا جودو و عاری از هرگونه
 ضربات و جراحتات
 صدمه ها و خطرات بوده
 مانند کشتی چنگکی سمست
 شمال کشور يك بازی بی خطر
 و خوشایند میباشد .
 از انبیه گفته آمدیم احتیاط
 می گردید که جودو يك سهورت
 رزمی نبوده و تخنیک های آن
 شامل پرتاب ها و محکم گرفتن
 خفه و تاب دادن مفاصل است
 که همیشه کدام برای ورزشکاران
 در اجرای مسابقه خطری را
 دارانست . تخنیک های این
 سهورت به طور کلی دو مسابقه
 عملی می شود اما از سایر
 شاخه های این ورزش که
 احتمال خطر در آن محسوس
 است بطور کامل عملی نمیشود .
 ویژه گهای عالی این
 سهورت در این است که زن و
 مرد در اجرا و بهیچر داند -
 سهیم شده میتوانند و تفاوتی
 به هم ندارند .
 س : چند نوع تخنیک در
 این سهورت وجود دارد تحت
 کدام نامها ؟
 ج : جودو در یک
 کودوگان که اولین استنوتوت
 تحصیلی جودو در جهان
 است و در توکو مرکز جاپان
 فعالیت دارد متشکل میباشد
 از :
 تخنیک پرتاب ها ، به زمین
 زدن و تخنیک محکم گرفتن
 و ضربه



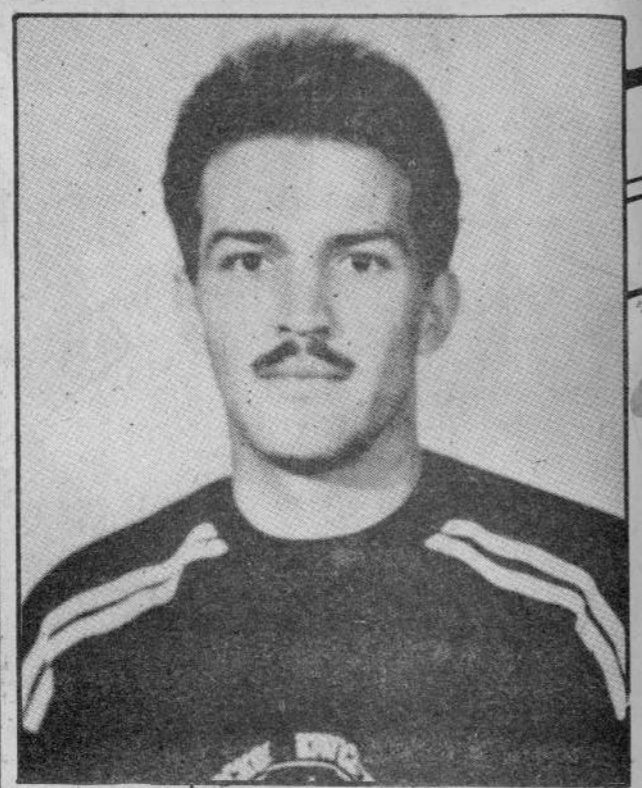
آرزو دارم همیشه قهرمان بمانم

چندین سال است که بود انهای ورزشی کشور میزبان ختران ورزشکار نبودند است با وسد آینه سالها قبل تصهای دختران ورزشکار در سطح کشور غوغای رابریا نموده بودند اما به یکباره گسی دامنه آن چنان پیده شد که نشانی از آن باقی نماند و خود شبخفته در راین روزها در کالبد بی روح ورزشی دختران روح دمدمه زنده گشته است به هموسن منسو ر پای صحبت یی از قهرمانان بد منتون محترم میا میرو ورزشی در انستیتوت پولی تخنیت کابل غنوتوبهای ملی بد منتون وپوسنت پانک منشیعیم میخوانمهم که در مورد خورد ورزشی چیسی گفتنی دارد

مناجان اگر موافق باشوید پرسشهایم را طرح میونم

باکامان مولی خیر آن پیزی را که در دستم دارم برای شما باز دو مینایم بعدا با شوخی عریغی میگویم: نشود که سوال غنای منش را از من صرح نمایید

بغیه در صفحه (۸۲)



است اما در کشور خودمان آنطور یک میبایست در این عمره کار شود نشده است و نیز ند داشتن امکانات وسیع جهت ارتقای سطح این ورزش تا شهر ناگوار خود را در ساحه ورزشی جا میکند که مسن سعی نموده ام تا صرفا از اندرخته ها و تجارب ورزشکاران خارجی استفاده اعظمی نماع که میتوانم این دستاوردهای ورزشی ام را برای شما به شمارم هشت مدال طلا و د ه د بیلوم ورزشی و لقب ماحتر سورت پو در سال ۱۳۶۶ به سفت بهترین گولزن از جانب فدراسیون فوتبال کشور به من داده شد



فوتبال را دوست دارید یا نه؟

مجله با اعلام رسول رحیمی عضو تیم ملی فوتبال کشور

فوتبال ورزشی است که در ایران در مورد دستاورد های ورزشی تان به عزیز خواننده این صفحه معلومات بدهید

اگر د فین گفته باشم تقریبا هشت مرتبه به خارج از کشور سفرهای ورزشی داشته ام که نتایج همه یی آن ها بر ایسم قناعت بختر بوده است

سطح ورزش کشور را با ورزش سایر کشورها چگونه یاقنید؟

طبعا سطح ورزش سایر کشورها نسبت به کشور خودمان بلند تر است زیرا تجهیزات ورزشی و امکانات و زمینه های مساعد جهت تمرینات در اختیار آنها قرار دارد که فالت عملا به موقعیت و پیشگامی همین موسسات

فوتبال ورزشیست یکی بر تخنیکها و تکنیکهای زیبای هجوس و حمله یی که این ویژه گیهایش سبب گردیده تا عدد بی شماری از جوانان خوش ذوق ورزشکار را در دامن خود بچرواند از جمع جوانان ورزشکار و با فبالست ممتاز صمیمی و علاقه مند سر سخت فوتبال غلام رسول رحیمی مواجه شدم که مصاحبت را با من پذیرفته به سوالاتم چنین پاسخ ارایه کرد:

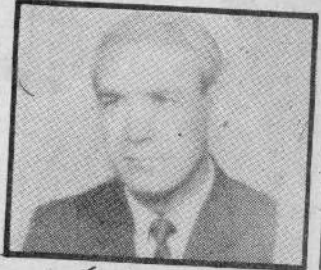
چرا از میان سایر ورزشها فوتبال را برگزیده اید؟

آزادی که فقط یک تماشاچی بودم در ذوق زده یی این ورزش شدم به مرور زمان در وجودم علاقه یی نهایت نسبت به این ورزش به وجود آمد به همین سبب بعد از تمرین متواتر و پشت کار خودم از هفت سال به اینطرف به عضویت تیم ملی فوتبال کشور پذیرفته شدم همین اکنون در خط مهاجم تیم ملی مسروف بازی میباشم

مشخصات یک فوتبالست خوب در جریان مسابقه چیست؟

در گام نخست یک فوتبالست باید آراسته باد حیلین عالی

مغلوب نمودن بدون اسلحه



این نجیب زاده ها صنعت جود و را بعد ها به طرز بهتر و اصلا حتر به هموسنسان خویش و جهانپان پیشکش نمود

جهت آشنایی بیشتر ارجمند خواننده یی این صفحه مصاحبه یی را با محترم نظرمند نهکژاد ترینر تیم ملی جود و انجام داده ام که دران میخوانم:

س: جود و به نوع ورزشی بوده و در جهان چه سابقه یی دارد؟

ج: جود و یکی از بهترین ورزشهای بدنی و یک واسطه انکشاف فکر و سرعت در عکس العمل و تمرین وجود و اخذ قدرت عالی جسمی بوده که سابقه در صفحه (۶۷)

بنابر روایت بعضی کتب در اوایل سال ۱۶۵۰ پکتفر تاجر چینیایی موسوم به "نصرت گمین" در یکی از نواحی توکیو بنام اکوزای صنعتی را به سه نفر از نجیب زاده های جاپان آموخت که با استفاده از آن می توانستند دیگران را بدون استفاده از اسلحه مغلوب سازند

یوگورو کانویکی از شاگردان



حمله و ضد حمله

دان دو و ترینر تیم ملی توانندی پوسه کلب هدایت میباید بهتر خواهد بود تا در مورد گفته منای خود ترا با هم بخوانم:

از سال ۱۳۶۲ که مدت دو سال از تمریناتم در ورزش بوکس سپری شده بود نظریه محاسبه همه جانبه از استعداد و توانایی فیزیکی وجودم به نگو اند و رو آوردم و بعد از سپری شدن یکتیم سال موفق بعدر یافت کمربند سرخ شدم

باید بگویم که این رشته را بطور مکن و منظم در کشور ایران فرا گرفته ام ابتدا به کاراته شو توکان که یک سبک جاپانی است و متعابا به کانفو تو و در آخرین مرحله به تکواندو پیوسته علاقمند شدم که همین اکنون این رشته را با علاقمندی دنبال میباشم در جریان آموزش در کشور ایران مسابقات را با ورزشکاران ایرانی اجرا نموده ام نتایج همه یی آنها برایم قابل محاسبه میباشند زیرا در اثر موقعیت من در مسابقات کمربند سیاه و آن دو بغیه در صفحه (۶۵)

کلام شهبایی دارد و بهان فصیح و او را از نزدیک دیدم فنون تکواندو و آیین ورزش معاصر را به قدر توان واستعداد خویش در ذهن متمرکز ساخته است

این جوان آراسته پاتوری و پراتیت ورزشی و عبدالناصر هوشنگ دارند که کمربند سیاه

معلمان در معلم

گزارشگر: مهسا آذر

سپه صم یکی از معلمان شهر خوارگه کودکان دوستی - چنین گفت: بسیاری مادران کودک مرخص را به کودکان میآورند که این کار نه تنها برای کودک خود ترسناک دهنده است بلکه سبب اذیت و آزار دیگر کودکان نیز میگردد.



معلمان میگویند: کودکانی که مادران تحمیل کرده دارند...

بعد از آن به طرف صنف بالا تر این کودکان که در آن جا کودکانی از سن سه تا پنج ساله مصروف درس خواندن و کارهای عملی قصه گوئی میباشند رفتیم.

بقیه در صفحه (۸۷)

نخست از همه سوزی زدیم به کودکان دوستی با داخل شدن به محوطه این مهد پرورش اطفال، توجه ما را نظافت، سلیقه و کار دانشی استادان و آمین امن کودکان جلب نمود. پس از معرفی همراه معاون کودکستان دو ستن راه صنفهای مختلف آن چهارا پیش گرفتیم.

اولتر از همه داخل شهر خوارگه این کودکان شدیم معلم ها هم مصروف آرام ساختن و تنظیم نبودن کودکان میگرفتند. دیگران می گفتند شاید آن یکی گرسنه بود که نهاد نموده، معلمان پس هم به جانب کودکان میدویدند آن جا اگر مادری بود او حالت معلمان را میدید دیگر هم حرفها برایش حل شده میبود و شاید هم نمیگفت که کودک در کودکان هر روز گریه میکند راستی هم چقدر دشوار است. ما دوری از چقدر میماند، از ناراستی اثر شکایت نمیگفت اما دیگر برای معلمان کودکان حزین وجود نداشت که کودکان نا آرام نشسته کودکان میگرد و...

کودک

گزارشگر
کودستانها
شهر



هدف این گزارشنامه...
والدین و معلمان...
از کودکان...
در این محوطه...
توجه ما را...
نظافت، سلیقه...
دانشی استادان...
و آمین امن...
کودکان جلب نمود...
پس از معرفی...
معاون کودکستان...
دو ستن راه صنفهای...
مختلف آن چهارا...
پیش گرفتیم.

مکان و...
ای راه خوارگه...
از کودکان...
در این محوطه...
توجه ما را...
نظافت، سلیقه...
دانشی استادان...
و آمین امن...
کودکان جلب نمود...
پس از معرفی...
معاون کودکستان...
دو ستن راه صنفهای...
مختلف آن چهارا...
پیش گرفتیم.

تواریخ بر سرستان

صدای موزنم • آنان خروشهیدند و گفتند :
 عالم ... حتی يك نام خوب برای او انتخاب نکرده ای زود باش به خاطر این اهانت بصبر کب " صد افغانی " دیگر جریب بده •
 صد افغانی دیگر هم از سن گرفتند • نفر سوس که معلوم میشد وتر تراست پرسود :
 غذای این حیوان را چطور به او میدهند ؟
 خود بی بخورد •
 آه چی آدم بی بند و باری •••
 بهادارشه را نمانسته به او نهی با ترس گفت •
 - نخبر ••• چی خیال کورم •
 اید ••• رشقه را هر روز با پتاس پورنگات می شوم •
 انهن ••• جای او خراب نیست؟
 نزدیک بود بگویم که در طولمه میخواهد اما از ترس جریبم گفتم :
 اتاقش پاک و عفاست • در رزمستان بخاری برقی و در تسمایستان برایش کولر میگذارم •
 - آبی که به او میدهند چگونه است ؟
 - همین آب معمولی است پس که خود ما هم مینوشیم • او بدید بطرفم دیدم گفتم :
 - ظالم ••• حتی آب را جوهر هم نمیدهی ؟ •••
 وارخطا شدیم و گفتم :
 - بسیار معذرت میخواهم تسمی فهمیدم که این حیوان چای هم نمیکورد •
 - جای لازم نیست •
 - طرف هایش چگونه است ؟
 نزدیک بود بگویم گویا که اما

مورا گفت :
 با شمشه •••
 اما فکر باغچه که حتماً تا شکر باشد •
 - اتاق او چیزی کم ندارد ؟
 از ترس جریبم شدن گفتم :
 - یک راد پوکست برایش گذاشته ام که موسیقی بشنود ولی اگر شما امر میکنید برایش يك تلو یز یون هم میخرم •
 او سوش را تکان داد و گفت :
 - خوبست ••• برای انبساط روحی او بد نیست ••• منتوس فکر باشد که بعضی برزنامه های تلو یزوتی بسیار خسته کن و تکراری است • گفتم : اگر تلو میگوید قرض و وام کرده ویدیو میخرم • گفتند :
 - لازم نیست ••• دیدن زها در طرف تلو یز یون چشمانش را ضعیف میکند • آنها با مهربانی به سرو روی مرکب دست میکنند •
 وترتر باز توصیه کرد :
 - وقتی که برایش رشقه میدهی باید دست هایت را با صابون بشویی گفتم :
 - اگر فکر میکنی دستهای مسرکتف است رشقه را بعد از این با قاشق و پنجه به دهنش میدهم •
 فقیر جان اهی کشید و گفت :
 دوستان عزیز در همین وقت من از خواب پریدم از عرق پهرانم ترشده بود بعد از آن عهد کردم دیگر در فکر چنین چیزها نباشم •

با درن خانه زن را رسانید
 میزند • نوریه ظهرا از آنکه
 محمد نسیم به بلای راسر
 سر آورد نواست • در یک کج
 دکان آرام میگرد • محمد کریم
 مالک دکان محمد نسیم را از
 گوئی موسی و اف میسازد
 به اتفاق هم
 این زن گریه را از دست می کشد
 بالاخره زن را صبح رها می
 سازند • نوریه بعد از پرسیدن
 وجویان • به رهنمایی بی زن
 راه خانه اش را در پیش میگرد اما
 به خانه شوهرش نمیرود پس به
 منزل کاکا شوهرش پناه میبرد •
 بعد از جستجوی شوهر زن -
 دستگیر می شود اعتراض می
 کند • ونشک دینار یک شوهر تر
 ویراستم به سرفه هشتصد هزار
 افغانی نموده است که نوریه آن
 را در بریان تحویل خود رد
 کرد راست • اما اینکه اصل
 قضیه چه خواهد بود و به خوا
 هد شد ؟ به مسوولین مبارزه
 با جرایم جنایی ولایت کابل
 ارتباط میگرد •

سر راه در آن پای پیوند مقدس
 از دواغ و پاشوازان طفلان کند
 شمره بی این پیوند مقدس میسا
 شد در میان است • زنی بنام -
 نوریه که یکسان قبل با نسیمی
 به نام نسیم در صفه مقدسی
 نشیند و سوخته پایداری را بر
 دستان میاورد نسیمه دلایل
 بر اساس و ویرا خوسیر دو بار
 مورد لت و توب قرار داده •
 است راه فرار از منزل شوهر را
 واقع در قریه گلخانه ناحیه
 نسیم در پی میگرد و به عرف
 شهر میباید • نوریه که حسنی
 عاصفه مادری این را زیر پانهاد
 و طفل بار ماهه را را در منزل
 رسان کرده مدت چهار شبانه روز
 را در منزل اشغال مختلف و -
 ناشناس سپری میساید بالاخره
 در یکی از روزها باید سرساز
 به نام محمد کریم رو برو میشو
 د محمد کریم زمین را به او دیده
 زن را به بهانه آنکه به منزل
 شوهرش در دوباره میسازد راه -
 تایید را در پی میگرد و در -
 یک از دکانهای رنگرزی

اوراخواهر خواهد داشت بدفشارکند

هوس را بر خود کش ترجیح داد

کوه بارشانا کید بر این
 نقطه شده است تا شوهران
 نسبت به خانهایشان راه -
 انعطاف را در پیش گیرند تا از این
 طریق بتوانند به رازها و اموال
 درونی زنان بی برسد • اما
 میبایست تعدادی از مردان را که
 هیچ سیر معمولی به وجهه
 میروند و سمره منزل می آیند •
 بدون اندکترین توجه نسبت
 به زن و فرزند خویش که این امر
 باعث بروز فاکوارترین نواقص
 و مضافتده کی بعضی شوهران
 نزد مردم می شود • یا م این
 قضیه را با همه موسم و قسبه

بهبانه آنکه زمینه خوب زندگی
 برای شقیقه موسر نیست ویرا پیسه
 منزل خود • در مکرور بیان میبرد
 دخترش روز به بهانه آنکه به
 دیدن مادرش میبرد از خانه
 کاکایر بیرون می شود به -
 رهنمایی خواهر خوانده از
 این سرویس به آن سرویس یا
 در پوران و نگرانان این های
 مختلف شهری معرفی می شوند
 به حدی که شب بخارا با دیو -
 ران و نگرانان سرویس های کلون

در کتبم
 شقیقه که عاقره دخترک
 آرام و محسوس است • اما
 باطنش شعله های نامم کند
 نوجوانی به نوست می کشاند •
 وی که زنده کی مشرق را با پد ره
 مادر و خواهر و برادر طاقت -
 برسانتی میکند گاهی به منزل
 خواهرش و گاهی هم به منزل
 خواهر خوانده یو نساد پیشه
 یا زنده ساله بی بنام شقیقه
 با شنده ناحیه یازدهم شهر -
 کابل مرتکب گردیده است با هم
 کاکایر به موسوع بی بود به

اقترا متوجه شده و دیده
 اینکه در پوران بیس های شهری
 با نصب دستکارت های رنگارنگ
 و پوشش ستاره های طلوع و شبنم
 کت های موسیقی از با م
 تا شام عده بی را مجذوب و -
 عده بی را ناراضی میسازند و -
 مجد و بین آنها همان جوانست
 های کوتاه اندیش میباشند •
 بهایید این قسبه را که دختر
 یازده ساله بی بنام شقیقه
 با شنده ناحیه یازدهم شهر -
 کابل مرتکب گردیده است با هم
 کاکایر به موسوع بی بود به

درد هلیزهای معاکم چی تیر است

بیوهی که بیوه نبود

زن طرف به این میز خود را زن
 بیوه وانمود میسازد بالاخره
 از هر کج تقاضا میکند تا با هم
 یکجا زندگی کنند زیرا هیچ
 کمزوری ندارد آنها یک خویشی
 را به کوبه میگردند و مدت شش
 ماه را در آنجا مشترک سپری
 میکند بالاخره بالای موسیقی
 بنا میسازد شان بر هم خورده و -
 کتبه کی های میان شان به
 وجود می آید • در یکی از روزها
 سگینه با استفاده از غایت پر
 یکل دخترش آینه را که درازده
 سال دارد از خانه فراموشند
 و مدت یکسال سگینه از هلسان
 منطقه لا درت میشود به اشرف
 جستجوی مسوولین کشف جرایم
 جنایی سگینه دستگیر می شود
 اما از اختطاف دخترت -
 در رازده ساله خویش را بیسی
 خبر وانمود میسازد و موضوع
 خالب اینکه سگینه زن بیوه نسه
 بیل زن شوهر دار است که شوهر
 هرگز در کوال متقاعد قوای -
 مسلح میباشند سگینه تا اکنون -
 به جرمش اعتراف نکرده است اما
 شواهد گواهی میدهند که جواز
 اختطاف کننده آینه دختر هر کج
 سگینه کسی دیگری نیست

چنانچه بر همه همد است
 عدس از زنان جوان مانعست
 به شهادت رسیدن شوهران
 شان بی سرپرست شده اند
 و آنها مجبور اند تا برای فرار
 هم آوری همیشه فرزند دان
 يتم شان در پی جستجوی کار
 بگردند • اما دیدم شده است
 که یکده از زنان با وصف آنکه
 شوهران شان حیات اند بخاطریه
 یک ترجم مردم را نسبت بیسیه
 خویش برانگیخته باشند خویش
 را بیوه بی کن معرفی میگردند
 با هم این چال و فریبک بی زن
 را میخوانم •
 دو سال قبل از امروز -
 هر کج زن بیوه بی که با خود
 چند طفل قدرتم داشت
 پلخمری را به قصد دریافت کار
 به طرف کابل ترک میکند و در -
 دستگاه ساختن هلسان بیسه
 صفت کارگر اشغال وظیفه
 میسازد زنان بیخوسر بیسه
 طفل يتم خود را از راه حلال
 به دست میاورد • در یکی از روز
 ها با زنی به نام سگینه رو برو
 می شود بعد از مباحثت و -
 گفتگو با هم معرفی می شوند

مصاحبه از نگین

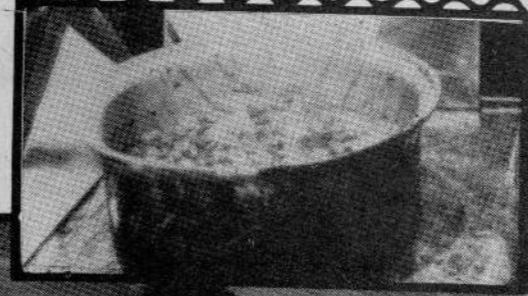


صدیق مخترع و اختر اعانت جدیدتی کتاب در چند ثانیه



صدیق مخترع در چند ثانیه گوشه را با زایه مخصوص اشعه کتاب میسازد

تنگ مخصوص که صدیق با زایه مخصوص کتاب در طرف نیم ساعت در آن شویا میزند



گوشه را با زایه که صدیق از آن به جای کوکورد با سکره لامپ استفاده میسازد



صدیق صرف بیساختن پیل توسط ماشینش که از اختراعات خود اوست

چندی پیش صدیق مخترع به اداره مجله سیاهین آمد و خواست تا در مورد اختراعاتش چیزهایی را به نشر رسانم. اداره مجله سیاهین این که توانسته باشد با بی کفایتی رانجام دهد روزنامه آه جرد بد واد بووتلوپوزون را درجهان گذاشت که اینت مصاحبه انرا با خبر نگار مجله سیاهین می خوانید:

باز هم غمگین است باز هم دلزانیاتش آنغضی است باز هم میخواهد نهاد کند - صدیق مخترع که ساکنان درای را با نهیدستی گذارنده است اما هنوز به اختراعاتش ادامه میدهد.

مرد عصبیست چنان مادانه صحبت میکند که گوی سالیهاست با او میشناسم مرد بیست متوسط قامت با چهره استخوانی و لاغر اندام این بار خودش به دفتر ما آمد بیست از سلام و علیک مختصر چوکش را اختیار نمود و با همان تپ مخصوصش یا را بالای پا قرار داد و نشست خیلی مظلومانه حرف میزد بعد از لختی درنگ پرسیدم حتما اختراعات جدیدی را انجام داده اید؟ در حالیکه دستهایش را با هم میمالید گفت همیشه آرزو دارم که برای وطن و مردم خدمت را انجام دهم که حلال بعضی معضله ها

باشد و هموطنان ما بتوانند برای سهولت کارشان از آن ها مستفید گردند. بعد با هم به طرف چاپک - لوازش را گذاشته بود راهی شدم.

صدیق قبلا همه وسایل را مقابل آفتاب گذاشته بود تا آماده تجربه باشند نورناهیستان همه دورتر حلقه زدند.

بعد صدیق مخترع شروع نمود به کار.

ابتدا یک مقدار گوشتی را که برای کباب و پختن شویا آورده بود توتی نموده بعد در بسین دیگ گوشت را با مواد لان انداخته و سر صندوق شیشه می راکه از هر چار طرف با آهن احاطه بود بست و برای یک ساعت به زاویه معین مقابل آفتاب گذاشت.

بعد ۹ خمیری را که خود آورده بود در دیگ نان پیزی قرار داد که برای پختن نان و دیگ خمیر را نیز در یک صندوق که بالای از شیشه و چهار اطرافش از آهن بود گذاشت. تا گفته نمائید که بالای هر دو صندوق یک یک آینه بقدنمانیز قرار داشت.

صدیق سیخ پوز گوشت را بالای تشت آهنی که روی آن از زردیق پو شانیده شده بود به زاویه مخصوص در مقابل آفتاب قرار داد پس از لحظه کوتاهی

همه متوجه شدم که از گوشه دود بلند میشود. تا ناگهان همه در حیرت فرورفته و لبخند میزدند زیرا در مدت پنج ساعت هفت دقیقه کباب پخت شد. اما این اختراعات را برای دیگران هم می آموزند؟

در حالیکه سرورهایش را از عرق پاک میکرد گفت بلی کورسی را برای علاقه مندان اختراعات و ابتکارانم که اگر علاقه به یاد گیری آن داشتند ایجاد نمودم ام که هشتاد نفر به آن مراجعه نموده اند.

دین کورس چه چیزهایی را شاکردان می آموزند؟

دین کورس اختراعاتی همچو گرم نمودن آب در حمامها پخت و پز غذا که گرم نمودن اتاقها با در نظر گرفتن زاویه آفتاب تولید آب از آفتاب - ذوب نمودن هر نوع فلز به درجات مختلف با لونی که میتوانند توسط آفتاب چند کیلوپتر فاصله را طی کنند.

آیا حکومت برای ایجاد این کورس با شما مساعدت ها می رانجام داده است؟ در حالیکه زهر خندگونی از چهره او نمایان بود گفت بالاخره به خاطر پیشبرد این کورس همه مردم عالم و ده جلد کاپچه برای تدریس این کورس در تمام نقاط گردید در حالیکه من همیشه خواستارم ام تا زمته خوبتر کار برآیم

ساعت کرد زیرا هدم خدمت برای اجتماعتته برای خودم چنانچه چندی قبل به منظور ایجاد یک ورکشاپ به یکی از مراجع ذمه صلاح رو بردم در آن جا نه تنها حرفهایم شنیده نشد بلکه توهین هم کردیم. پرسیدم آیا این گوشه پر خورده ها شمارا دلسرد از کار نمی نماید؟

در حالیکه چشمانش از حده برآمده بود گفت باور کنید در مقابل چنین برخورد ها ان قدر دلسرد شدم که دم میخواستم نهاد بترسم و ان چه راکه اختراع نموده ام ازین بهر و ذوب تمام باری صدیق اتقان گفته بود: (آنچه راکه تاکنون اوسته ام از برکت نام صدیق است مختصر است یعنی زمانیکه تا او جوانی به شرف بودم و نام صدیق مخترع را شنیدم همیشه ذهنم مشغول اختراعات او میشد آرزو میکردم روزی من هم بتوانم از همین طریق خدمات شایسته ای برای هموطنانم انجام دهم که همانطور شد.

آز ۳۰ سالگی شما کارهای او ارتباط داره؟

خود را اختراع ساخته ام که در صفحه (۸۵)



داوینکو سمندر

داوینکو به خیو کی من دردونه بسادوم
 داخیل خمیری گهوان ته سیلابونه مادوم
 برحال من هیس خاندی زمانه او کسه تقدیر
 چی وئی بره مان نیاسی مینونه بسادوم
 بیلنو ته سئاله لاسه دا جهان واره تورم شو
 به تورو نیوکی هیس شه الو نه بچنا نوم
 داوینکو سمندره ای و داستاستو خپو کسه
 دغم د یاسه غم کی طوفانو لسه بسادوم
 و هیس مستو نیکی خیار ساتی بسه زاری
 ((ژوی)) ستادنی گونی پر هرونه بسادوم

دعمونو نو پوه چیو کی

زبه سپاه دنجونیه په لسه
 کی هغه بیخله ده چی لسه
 خلیرو و کلو نورایه دیکخوا
 کس لکی اوله دورو کلسو
 راهیسی شمروای
 زبه وایس چی پوره دولس
 کاله دناروی په بستو کس
 پوره و او خلیرو واری دمرگ
 شربولی تللی ده - هسی
 دپوی پو بستن په خواب کی
 داسی وویل:
 ((لکه دنورو نچو نویسه
 شان تری پره وخته پوری لسه
 کوره نی سمانتو نو سوه مخا
 من زه زه زه کوره نی لپاره
 شمرویل نه کار نه ووه خو
 ماد لیکو او شمرویلو لمن
 پری نه بوده او دای او د
 غه کاره هخول کنه
 دینشو شمروانو په لسه
 کی د حافظ او ددی شعره
 نوخه دتعارفاسی له اشعارو
 سوه خامه بینه لره
 زبه سیا غواری چی هپوته
 ورته و نه دشعریه زه لسه
 نیل کوکل غصه زاوایس

د عبدالاکبر لکمر

عبدالاکبر از سیمها و تانیاک
 شعر امروز جوانان است که
 تقریبا در راه و رسم ویژه هسی
 شعر میسراید و دارای نقطه
 نظرهای بسیار تازه نسبت به
 هنر میباشد - او سه سال
 بیشتر به شاعری پرداخته
 و اینک چهار مجلد «اماده
 ولی چاپ نشده دارد»
 آگاهی یافتیم که عبدالاکبر
 از مدت یک سال به انتظار
 به خاطر شعر دست به قلم
 نبرد است و وقتی درین مورد
 او او پرسیدیم در پاسخ گفت:
 هنوز هم در ایستاد ایمن
 سکوت خایوشم
 در شعرهای وی که ظاهرا
 به وزن شاملی می باشد دیدیم
 وافق تازه و شگفتی نسبت به
 اشیا و پدیده ها و روشهای
 جاری هستی به مشاهده میر
 شد
 او میگوید در باره شعرهای
 چیزی گفته نمیتواند اما به
 الهام ناگهانی باور دارد - بدون
 الهام یک مصراع نیز سروده
 نمیتواند
 شعری از عبدالاکبر به نام مایه
 کج را با هم میخوانیم:

من در خانه بی چشم کشودم
 که کلید در انتراد در دهان مار زهر ناکسی
 گذارد و بودند
 وان مار
 در دست وسط خانه به دور خود پیچید و بود
 و من از کنار خانه
 فریاد میزدیم

 با هم جنگیدیم
 مار



دعوتبران - پسران

با آنکه مسجد جامع بزرگ شهر هرات جایگاه مقدس مذ هب است، مگر از چندین نگاه طرف توجه علاقه مندان علم و هنر قرار میگیرد. زیرا در این جایگاه مذ هب هنر و صناعت و مهندسی و سنگتراشی و میناتور و کاشیکاری خوشنویسی و گچبری و ... در بخشهای همانند یافته اند.

آنچه بر عظمت و شکوه بیشتر آن مینافذ اینست که علاقه مندان علم و هنر هر کدام شیکارها و طرافت های آنرا به رفته و به خود وابسته میدانند و حق بجانب هم استند.

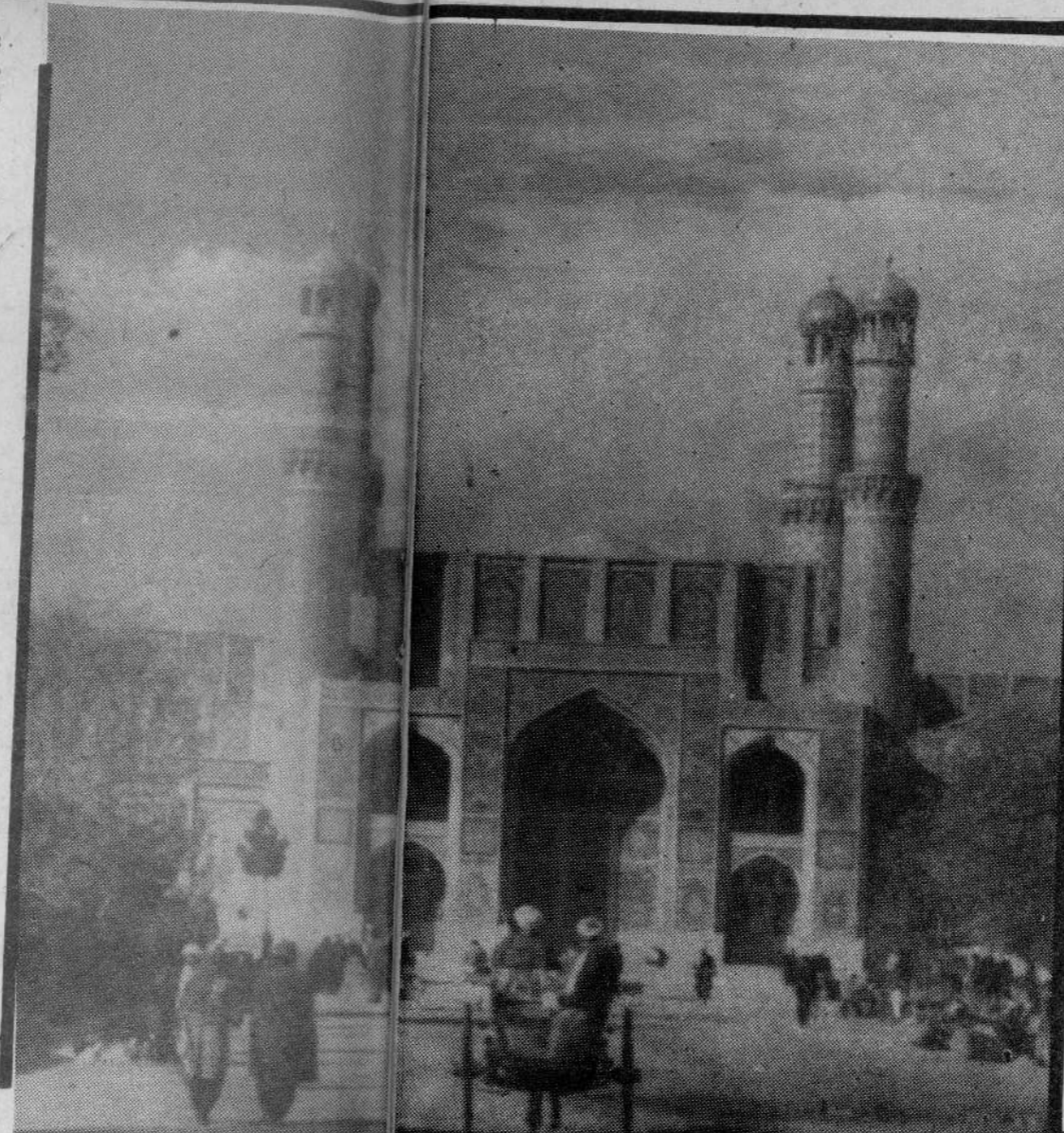
با اینکه نخست جدا از مذ هب بودن این جایگاه - مسجد جامع یک طرح و اثر بزرگ مهندسی و معماری است. با بهره گیری از مهندسی اسلامی (FUNDAMENTAL) این طرح به نظر یک ساخته شده است. کاردهی (FUNDAMENTAL) کافی و لازم داشته و در آن در آورده و در آینده نیز خواهد داشت. دور نیاها و نیاهای دوری و به روشی زیبا و برجسته کسی و به روشی دارد. چنانکه دور - نمای شهر هرات با میناتور مسجد جامع آراسته و دلپذیر گفته است و نمای شمسی مخصوص به آن داده است.

از صفات ویژه کپهای دیگر منحصراً به گردان اینست که هنر آنها صنایع میناتور و کاشیکاری و سنگتراشی و نقاشی گچبری و آلاخوره جلوه های هنر و ادب و نحو خوب و خوش با طرح مهندسی آموزش یافته اند. با اینکه همه اینها در روند با یکدیگر طرح مهندسی را بنیادیت بهار ساخته اند. اینها همه با رنگهای یک با است. بکاربرد از تناسب خوب و هماهنگی کافی و تکرار معین کانتراست (تفاوت نمایان) لازم و تضاد مؤثره که لازمه هنر اثر خوب هنری میباشد. بهر حال در قرار میدهند.

یکی دیگر از برجسته گی های آن موفقیت صنعت سا - ختمانی بحیث یک شیکار دیگر است که ظالها با در نظر داشت مواد ساختمانی کار شده (سنگ خشت پخته و سارو) آن زمان واز نگاه محاسبات ستاتیکسی و ایکنات موجود امار چنن واحه های بزرگ با ارتفاع (۲۰ متر = ۱۵۸۸ = ۱۰۰ متر) عرض) برای عملاً بسیار دشوار بنظر میرسد. با آنکه گمان نمیرود که محاسبات ستاتیکسی به روش معادل به امروز صورت گرفته باشد. در حالیکه مهارت و عظمت ساختمانی آن با این شیوه و مواد سنگی انگیز هم است.

آنچه درین نوشته مطرح میشود اینست که آیا انکشاف و انکشافات تاریخی و مهندسی این مسجد او صاف و خصوصیات اصول وابسته به خود در راندها میکند. یا به بهر اهنکی میگذرد؟ پیدا است که سهای کوشی آن - در گذشته های دور و نزدیک - چنن نبوده است اما این نکته در تحقیق اینست که بعد هم پیش از امروز انکشافات معماری و بازاری این بنای تاریخی و مهندسی با الهام از سیک مهندسی بهین هماهنگ و متوازن با آن صورت میگرفته است. هر چند اندک - بیگانگی هائی از اثر در کارها رخ میداده مگر هرگز به بیابان دهه اخیر نبوده است که در بعضی تاکنین نیز داده دارد. اگرچه طرح های جدید و انکشافی باید متناسب با طرح گذشته و بهر این آن داده دهند. بهر کپهای آن نیز باشد و از زمان پدید آید خود هم حکایتی داشته باشند.

این گوناگونیها با طرز و طرح های بیگانه در آثار تاریخی به تنهایی و با روشی کار میکنند بهتر نسازند بلکه از اهمیت تاریخی و هنری بکاردهی آن بقدر کافی کاسته و آن را از لحاظ هنری و مهندسی در یک سوره قیمت نامساعد برانگیزد و نا آشنا قرار میدهند.



این طرح های انکشافی بیگانه در دو بخش درونی و بیرونی مسجد جامع بدینگونه بکاررفته اند:

۱- بخش درونی:

الف: - سنگتراشی جدید و نیمه کاره صحن و مسجد درونی مسجد بجای فرش خشتی قدیمی سا آنکه به تناسب صف و مشون و مساحت لازمه هر نماز گذار - تقسیم بندی شده اما از رنگارنگی و تون سنگتراشی (سبزه و سفید) اثر بخشی و هماهنگی لازم را با عناصر اصلی مسجد دارا نبوده نمیتواند. شاید استفاده و بکار برد نوع کاشی با رنگهای یکدگر در تزئین دیوارها و کف کاشی ها - (صافی ها) بکار رفته در تزیین کعبه آن مؤثر تر میباشد. و از سوی بعید پنداشته میشود که تقابل و تفریق (Contrast) بتواند جای بهتری داشته باشد.

اگر از فراز نام مسجد جامع - در زمینه ژرف نگریسته شود، این انگاره نادرست جلوه می کند که تقابل و تفریق پدید آور زبانی نبوده پس شده با هدف و باز با بودن دستگیره - شی سازی در مسجد جامع - مورد نیاز نمیتوانست به آماسی در دسترس قرار بگیرد و به همین ازمه این صحن بزرگ که دو تا پستان بیشتر مورد استفاده

قرار میگیرد. داغ شدن - سنگتراشی کاردهی آن را مورد بهر شی جدی قرار میدهد.

ب: - وضو خانه دارای دو قسمت درونی و بیرونی است. بخش درونی از نور کافی طبیعی برخوردار نبوده و امکانات نور رسانی دیگر هم عملاً معسر بالای آن یک طرح بیگانه از مسجد است. بخش بیرونی حوضی دارد که در بیگانگی - مطلقاً با محیط خود قرار دارد. آب سرد و بخش زینت پوشش فضایی نیمه باز قرار دارد و در واقع کشتزار چمنک ها و نباتات آبی اند. این مسئله عدم لزوم چمن شوره بکار گیری و وضو خانه های بویژه از لحاظ صحن میان میدارد. در شرایط معاصر اینگونه مسامله با استفاده از امکانات جدید آبرسانی بهتر حل شده سنی تواند.

۲- بخش بیرونی:

الف: - پارک در واقع باغ مسجد بوده با بهرین شهر وندان و رهگذران در اوقات فرازادی نماز و دیگر مراسم و ارتباط است. چه رهگذران چاده های اطراف آن همواره مشاهده اثر میکنند. بحیث تفریحگاه نیز از آن استفاده شده و از لند سبک (Landscape) با تزیین ساحه ضعیف برخوردار.

دار است. چون این جایگاه را عامه مردم احترام زیاد میکند از سبب احترام به این مکان بوده که انکشاف و آبادی های جدید آن در محراق توجه و علاقه مندی مقامات قرار داشته و از همین سبب ساخته ها و انکشافات آن (از هر چمن ستن) اخت. بجان اینکه دارای یک چشمه آبی و انکشافی مهندسی باشد. چون انکشاف این بخش هم در بیگانگی مطلق از سبک مهندسی مسجد صورت نموده است. بنا به بنده نا آشنا این قسمت را ملحق و متعلق به مسجد فکر نخواهد کرد. در چند دهه اخیر در این پارک کارهای تزیینی انجام شده است. الف: - احاطه در دوره در مرحله اخیر کتاره و ادخال های فیزیکی ناموافق که احاطه یک مسجد و بهرجه این مسجد بوده سنی تواند بالای احاطه خشکی - بهین کار شده است. ب: - حوض های وضو گیری دارای نل های بد شکل چمنی و بزرگتر ساختمانی بیگانه و دارند. ج: - اتاق واتی هم دارای بزرگتر صنعتی نیا.

بقیه در صفحه (۸۴)

مسجد جامع هرات

نمای دور نما

هدف عمده :

مفاصل ران و قسمت های خارجی ران ها را سفید ساخته و موجب تقویت شکم میگردد .

تبصره :

توجه کنید که پای دراز شده باید تا که میتواند - استوار نگه داشته شود . تا جاییکه توان دارید این پوز را برای مدت طولانی نگه دارید .

تمرین پایه کمک دیوار

هدایات :

- ۱- طوری ایستاده شوید که پشتتان به سوی دیوار باشد .
- ۲- تنفس کنید و پشت را به دیوار چسبانیده و فشار دهید .
- ۳- نفس بکشید و وساق پای راست را تا سطح لگن خالصه بلند کنید . پای تان باید نرمش و ارتجاعیت داشته و زانوهای تان راست باشد . این حالت را برای مدت (۱۰) ثانیه نگهدارید . عمیقاً تنفس کنید .
- ۴- تنفس کنید و پارا به حالت اول پایین کنید . استراحت کنید و پارا عوض نمایید .

فوتوی شماره (۴۰)



هدف عمده :

ماهیچه های چار سرولگن خاصه را سفید و مسازد .

تبصره :

در موقع بلند کردن پا میتوانید با چسباندن دستها به دیوار توازن خود را حفظ کنید .

تمرین سطح

هدایات :

۱- شکم را روی فرش بچسبانید و دراز بکشید طوری که دستهای تان در کنار تان قرار داشته باشد و هوله رانزیر لگن خاصه هموار کنید .



فوتوی شماره (۳۸)



38

هدف عمده :

بطن را خرد و ثابت نگه میدارد .

تبصره :

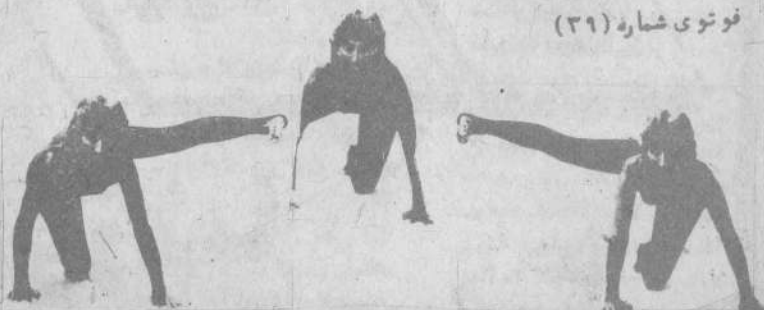
موقع نفس کشیدن و بلند شدن توجه کنید که شکم را بداخل فرو ببرید .

تمرین بلند کردن پا

هدایات :

- ۱- روی پاها وزانوها تکیه کنید .
- ۲- ساق پای راست تان را به یک جناح به طرف خارج دراز کنید . پای تان باید ارتجاعیت و نرمش خودی را داشته باشد . ولی پای دیگر تان باید روی فرش - محکم و استوار باشد . نوک انگشتان تان باید موازی با شانه های تان باشد .
- ۳- کمر به طرف چپ مایل شوید و ساق پای راست را بلند کنید . عمیقاً تنفس کنید و همین حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید .
- ۴- آهسته آهسته پا را پایین کرده و استراحت کنید . پارا عوض کنید .

فوتوی شماره (۳۹)



یوگا

- ۲- تنفس کنید و در همین زمان قسمت علیا و سفلی تنه را بلند نمایید. کمر را قات کنید و به بالا بنگرید. این حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید. عمیقاً تنفس کنید.
- ۳- نفس بکشید و به تدریج به حالت اولی برگردید. یکبار دیگر این تمرین را تکرار کنید.

فوتوی شماره (۴۱)

هدف عمده:

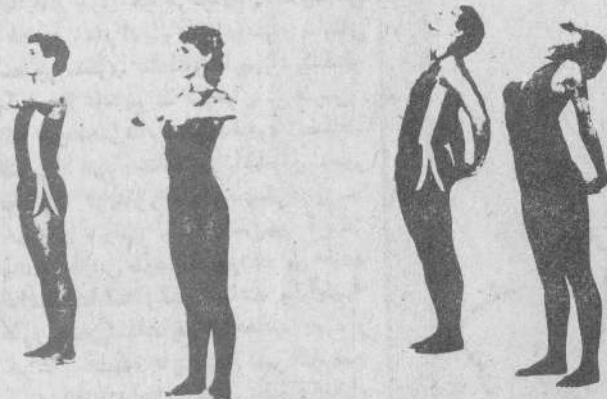
سینه، کمر، ران ها، لگن خاصره و شکم را تقویت میکنند.

تبصره:

این بزرگترین تمرین تقویت کننده عمومی بدن است.

تمرین فشار و هم آشننگی

هدایات:



- ۱- با راحتی ایستاده شوید.
- ۲- کف دستها را به هم محکم بگیرید و بازوها را تا سینه بلند کنید. آرنج های تان را قات نگه دارید.
- ۳- عمیقاً تنفس کنید و بعد نفس بکشید و کف دستها را بهم بفشارید. این حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید.
- ۴- خود را آزاد سازید و تا شمارش چهار استراحت کنید. تمرین را بار دیگر اجرا کنید.

فوتوی شماره (۴۲)

هدف عمده:

سینه و بازوها را سفت و متناسب میسازد. این تمرین به صورت خاص برای بند دست و مساعد نهایت مفید است.

تبصره:

موقعیکه کف دستها را بهم میفشارید سعی کنید عضلات سینه نیز فشرده شوند.

تمرین های درانت

هدایات:



42

- ۱- روی دستها وزانوها اتکاء کنید.
- ۲- زانوی راست تان را به یک جناح به طرف چپ بپسرون تا که میتوانید بلند نمایید. توازن و کنترل را حفظ کنید. این حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید.
- ۳- ساق پارا تا حدود شش انج پایین کنید و این حالت را مجدداً برای (۱۰) ثانیه نگه دارید.
- ۴- آهسته آهسته پارا پایین آورده تا بحالت اول برگردد.

استراحت کنید و بعد تمرین را با پای دیگر مجدداً آغاز نمایید.

جنگی اصفهان

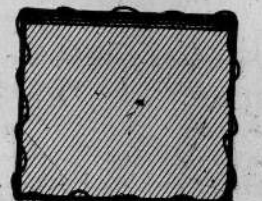
نوشته بود من اگر عطار و ابلیس فروش هم بودم
برای تو ابلیسوی فارس مرا که یگانه داروی -
بیماری تو می باشد منی فرستادم تا از آن
مرغی بمیری و نواده چنگیز در جهان وجود
نداشته باشد .
و صول نامه مژ بور مرا خشک کن کرد و
دانستم که سلطان منصور مظفری پادشاه
فارس مدتی است مغرور و خود پند و
نادان چون اگر نادان نبود در جواب -

من راجع باصفهان که می گفتند قدیم
ترین شهر عراق است بیزها غنیده بودم
و میل داشتم که بروم و آن شهر را بموم می از
علل حرکت من از خراسان در فصل
زمستان بسوی ماوراءالنهر این بود که
در بهار سال ۷۸۰ هجری برای غنیمت
بطرف عراق آباد میباشم و بتوانم خود را به
اصفهان برسانم من نمودم بعد از -
اینکه باصفهان رسیدم چه خواهم کرد و
آیا عازم فارس خواهم گردید یا نه ولی
اطلاع داشتم که باید روزی سزای سلطان
منصور مظفری سلطان فارس را در کفلو
بگذارم (توضیح - در تواریخ فارسی
نام این شخص شاه منصور مظفری است -
مترجم) شرح اختلاف من با سلطان منصور
مظفری از این قرار است : در سفر دوم -
خراسان ، وقتی وارد آن سرزمین گرد -
یدم حال من خوب نبود و پزشک من عقیده
داشت که کسالت از گرس می باشد و اگر ابلیسوی
فارس بخورم کسالت رفع خواهد گردید در
خراسان ابلیسوی فارس پیدا نمی شد من
گفتم که تو از سلطان منصور مظفری بخواه
که با کاروان - ریح السه را را به برای تو
مقداری ابلیسوی بفرستد .



بینی

بازگشت



من آن نامه را ننوشتم در همان روز که نامه
مژبور من رسید تصمیم گرفتم که روزی دماغ
سلطان منصور مظفری را بخاک بمالم ولی
تا وقتی عراق را نمی گزفتم نمیتوانستم خود
را بفارس برسانم زیرا بطوری که گفتم یک
قشون بزرگ نمیتوانست از راه کوه ایسران
عبور کند و در راه جنوب عراق یعنی نزد
کسریان و فارس برساند .
وقتی بهار سال ۷۸۰ هجری فرارسید
باید قشون یکصد و بیست هزار نفری از ماوراء
النهر براه افتادم و وارد خراسان شدم
من قشون خود را به واحدهای چهل هزار
نفری تقسیم کردم و فرماندهی دو واحد
را بدو سپهر خود واگذار داشتم فرماندهی واحد
دیگر را خود برعهده گرفتم از طوس به
راهی عریض بسوی ری میروید و من آن راه را
پیش گرفته بودم و اینکه بمقامتی برخورد

جاری می گردید آن شهر را مشروب می کرد
ولی دو سال قبل از این که من به ری بروم
در زمستان زلزله ای مهیب شد هر را بلرزه در
آورد و آن شهر بزرگ پس از چند دقیقه
ویران گردید و آرزوی غیر از ویرانه ای باقی
نماند عده ای از مردان و زنان که توانسته
بودند هنگام زلزله از شهر خارج
شدند و در قریه های اطراف پناهنده شدند
از آن پس چون باصفهان نزدیکی می
کرد بدو قشون کشی من وضع جنگی پیدا
کرد و دو طایفه بجلو فرستادم و من اول
دو دم پنج فرسنگ و من طایفه دوم و قشون
من پنج فرسنگ فاصله وجود داشت طایفه
ها و هم پنهان عقب در اوان موظف بودند
طرفین را به راهم تحت نظر بگردند تا ما
از جناحین غافلگیر نشویم از روزی که من

وارد ری شدم راه اصفهان را بستند و
شتم هیچ کس بسوی اصفهان نبرد تا کسی
خبر حرکت قشون مرا بسوی اصفهان بان -
شهر نرساند من میخواستم اصفهان را غافل
گیر کنم تا اینکه مجبور به رفتن و دو قشون
اگر اصفهان بدون مقاومت از پای در میسر
آمد من میتوانستم راه فارس را پیش بگیرم
و سزای سلطان منصور مظفری را در کنار
بگذارم اما اگر اصفهان مقاومت میکرد
و جنگ طولانی میشد ممکن بود موقع قشون
نشی بفارس بگذرد گواهی کند بدو -
که هوای فارس گرم تر از هوای عراق است
پس از اینکه اصفهان را محاصره کردم
میدانستم که شهر مزبور از تنگی از یاد رنمی
آید ، زیرا علاوه بر (زاینده رود) که از
وسط شهر میگذرد اصفهان در بطوری که

فمن تابستان و پائیز خریه داری می نمایند
بدین ترتیب که در اواخر تابستان
ابتیاع میکنند و خیزم را در فصل پائیز و هنگام
قطع درخت های خشک یا اشجار زائد خریدار
ری می نمایند لذا توانستارند اعتباری که
اصفهان بهما ، بزودی از گرسنگی از یاد آیند
ولی از ایام تابستان قصص در شهر آغاز
خواهد شد .
من نمی توانستم یکصد و بیست هزار سرباز
خود را تا ایام تابستان پشت حصار اصفهان
معرض کنم و علاوه بر هزینه قشون از شمال هم
خیلی ماضی نبودم ، من میدانستم که در
خوزستان دشمنان سرسخت دارم که اگر
بمن دسترسی پیدا کنند مرا با سخت ترین
شکنجه ها بقتل خواهند رسانید و نیز اطلاع
داشتم که در آن ریایجان پادشاه نوریوند

کردند و بعد نبودند بوسیله نبوتی از
بلاد دیگر کشته خواهند . عادت کبوتر
این است که هر جا باند بسوی آنجا
پرواز می نماید و اثر کبوتر را در اصفهان
آسیان دارد در فاصله پنجاه فرسنگی -
اصفهان رها نمایند ، بسوی شهر پرواز می
کند و وارد آسیان خود می شود ، گاهی فکر
میکردم که محاصره اصفهان خاتمه بدو هم
وراء فارس را پیش بگیرم و جنگ پادشاه فارس
بروم ولی من فهمیدم که قرار دادن شهری
مستحکم چون اصفهان را در عقب خود -
ورفتن بسوی فارس دیوانگی است چون شاید
راه مراجعت مرا قطع نمایند .
گاهی هم با خود می گفتم بماوراء النهر
برگردم و سال دیگر عزم اصفهان کنم ولی غرور
من مانع از این بود که بدو کشور شهر
اصفهان مراجعت نمایم .
در بهار ماه روزی از نزد هم جمادی الاولی
در سال ۷۸۰ هجری قبل از اینکه آفتاب -
طلوع کند و اندکی بعد از اینکه فجر دمید
صله بزرگ علما اصفهان شروع شد .
گفتم حصار اصفهان سخت فرسنگ و نیم
طول داشت و درای سصد برج بود و از
پشت حصار را به عبور میکرد . هیچکس
نمیدانست آن حصار چه موقع ساخته
شده ولی بدفعات آنرا درست کرده
بودند .
پیشتر نماز قصبه (سده) برای نقل -
کرد که حصار اصفهان از طرف نوح پیمبر
ساخته شده و آنقدر حصار مزبور محکم است
که طوفان نتوانست آنرا ویران نماید و حتی
گفت که نوح پیمبر قبل از طوفان -
کشتی خود را در اصفهان ساخت و از آنجا براه
افتاد . ویران کردن آن حصار حتی به
وسیله احتراق باورت کاری بود مشکل برای
اینکه خیلی غصه داشت . معذرت برای
اینکه بتوانم زودتر شهر را تصرف نمایم -
مجبور بودم که حصار را ویران کنم و وقتی
از سربازان خود را وارد شهر نمایم وقتی
سربازان من وارد اصفهان شدند در تمام
آن شهر یک شب و یک قاطر و الاغ و یک
سکه وجود نداشت و سکه اصفهان تمام
جانوران را از فرط گرسنگی خوردند بودند .
در آنروز گرسنگی سکنه شهر خیلی با
کمک کرد و اگر اصفهانها گرسنه نبودند -
بسهولت از یاد رنمی آمدند چون در -
مدت محاصره طولانی شهر اصفهان نشان
دادند که میتوانند مقاومت نمایند . پامداد
آنروز آفتاب در آمد و بعد از آن هوا مستور
از ابر گردید . و با ظهر اولین باران -
پانجمزی باریدن گرفت . و پیش باران ما را
از دست میکرد لکن بخت ادامه می دادیم .
ادامه دارد

هست و هرگاه امیر خراسان و امیر شمال
و پادشاه آن ریایجان با هم متحد شوند می
توانند یک قشون نوریوند علیه من بسجج -
نمایند . این بود من میباید هر چه زودتر
کار اصفهان را بپرستم . ولی صدای کلنگه
زدن ما توجه اصفهانها را جلب میکرد و طول
نمیگذاشت که از بالای حصار مشعل هایی که
بطناب آویخته بودند نمایان میگردد و در سای
حصار را روشن می نمود و صد کلنگه
های گران ، سر سبازان مافروید میآمد .
من از جنگ اصفهان یک آزمایش دیگر
تصمیم کردم و آن ضرورت تر بود
شاهین بود . و طبقه من وارد اصفهان
شد پیشا هدیه کردم که روز ها ، دسته
هایی از کبوتران در آسمان شهر پرواز
میکنند .
اهالی سده می گفتند که اصفهانها
خیلی به کبوتر علاقه دارند و از کودکی کبوتر
انرا تربیت و اهلی میکنند ولی من دانستم
که کبوتران مزبور بوسیله انتقال خبر از نقطه
ای به نقطه دیگر هستند . اصفهانها
بوسیله کبوتران زود پند شدن من بشهر -
مطلع شدند و خود را برای دفاع آماده
ادامه دارد

احیای کتید

هند اصلاً تاثيرند از بد چسرا که ميکيند بخاطر ارزان بودن قيمت آن تاثيران ادويه به کيبي ها فرمايش ميدهند که مثلاً امپلين • ايتانگي و کوکوترا ميکمانول ۸ ايتانگي زياده کرده بفرستد اينکه مواد آنرا از چي مي سازد مهم نيست در همین رابطه است که نزدیک است ادويه هاي توليد شرکت هونگست فارمسي ساخت وطن که خیلی موثر و مفيد است از بازار بيافتد بجاي چهل

تابليت ويتامين يا مسکن هندي ده تابليت از همین نوع ساخت وطن موثر تر است بيشتر در د رجالیکه قيمت آن نيز ميتواند اقتصادي تر باشد اما متأسفانه در شرایط فعلی بنا بر بلند بودن قيمت آن مردم ترجيح ميدهند ادويه ارزان اما غير مفيد و اخير پيداي نمايند اغلباً هشتمه يان بسواد مردم مانی که از اطراف مي آيند ادويه تاريخ تهر شده را بدست ميآورند که حتی سبب

مسجد جامع کرا

د :- منافع دگاری (مونسو - منت) دارند وجود غیر ضروری •
 ز :- تانک بزرگ فلزی برای ذخیره آب بالای دیوارهای سنگی بلند و کلفت •
 س :- تشناب های عامه و چاه هموق جدید (دوراز خصو - صيات ماحه)
 ش :- حوض های تزئينی ؟
 با ارتفاع بلند دیوارها و دارای دید دشوار که هيچگاهي زينت بخش و ظريف بوده نمیتواند •
 و نام هيچ سبک مهندسی را روی آن نمیتوان گذاشت •

خدمات و عناصر پياد شده بالامي شده که در خارج احاطه متعلق به مسجد بسا استفاده از امکانات تخنيکی و يا تفاوت ارتفاع (تفاوت بيشتر از ۲ متر در سطح) در زمين من بکار گرفته شوند • تا هم سوماي مهندسی اين بخش زيبا به هم نسيخورد و هم ناموس ترازان بدست ميآيد •
 همه و همه اينها اهداف خوب و شريفانه مي بوده اند که جهت فراهم آوري تسهيلات بيشتر و بهتر برای مردم و آراسته و پيراسته ساختن اين شاهکار جاودانی، از نگاه اهميت تاريخ

مرگ بيمارشان ميکرد •
 رپ بادنجان رومسی که از بدنها به اينسو ماجراي دور دراز را از سرگذشتانده است هنوز در انواع تقبلی خود وجود دارد به فروش ميرسد •
 در اکثر منازل بخاري ها و اشتوپ ها و در اکثر جاهها ماشين موزنه خراب شده اند چو که در تيل آب مخلوط ميکند و اهن آب آفت ماشين الات است که چقدر ضرورت دارد خدا ميدهد ؟ قطعی روشن هايی که با کچالو پرسي شستند همزگم نيست • اگر بخواهي براي ساعت پاراديو پاکدام و نگاه ديگر بظري بخري حافتمن نميست بيوانی بخري اميل پيداکتسي • و اگر انواع آن تقبلی است و بجز از چند روز کار نميدهد •
 و سرگام باين همه تشبیه بايد کرد ؟
 بهتر است ساختن مهندسی مردم را از طريق اعلانات و تلهفيلها

بخي ، مذهبی ، هنری و - مهندسی مسجد درست و چاه بکار بسته نشده اند • و حتی از ارج و بهای مهندسی و هنری آن کاسته اند • هر کاه کسی به اين بخش چشم بدوزد همای يك مو سه ساختمانس فرا روی او سبز ميشود تا - الحاقیه يك مسجد نگريستن به اين واقعيت آشکار می سازد که يا مهندسين مراجعه نشده و يا مهندسين روی بعضی عوام مل مجال و امکانی برای طرح های موافق و موثر نداشته اند •
 اين گونه برخورد های - شتابزده در برابر بنا ها و ساختنهای دارای اهميت تاريخي فرهنگي و مهندسی و بويژه در بارانکشاف مسجد جامع بزرگ هرات فردايي نخواهد داشت چنين مسائلي از چندنگام زياده برپاد شده های بالا زمان های اقتصادی زياد رانيزيمه بار ميآورد •
 ۱ - اعمار طرح های نا -

بلند پسر • شاروالی کابل از تادرنست ن راکتروان کند بايد جلو تقبل را بکسر د ترازيی که بي انصاف است و دست وزن نميکند ترازيی تقابلی که بيشتر از وقت انديساب شده چرو دارد بايد مختارات شود • اجناس فروشنده گان بايد در بازار چت شود آنچه تا اين گذشته و غير صحي است بايد از بازار جمع آوري شود و نظيره هر مشعري ماسست که هنگام خريداری نماز ميدان انسان را در انتخاب اشيا و اجناس مورد ضرورت شان از نظر درست بودن و صحت بودن کم کنند اخير ندهند که بدی فروشنده های بي انصاف خان به چشم خريدار سباده و بخورن باير پيانشد •
 • لطفاه به دوستان و نزديگان همکاران و مسايان شود •
 بوييد که در مردم و در هرگز خريد محتاط باشند چرا که اين بازار تقبل چقدر رنگارنگ رنگ شده •

موافق •
 ۲ - تخریب عيون طرح های ناموافق در آينده روشن فرهنگي •
 ۳ - پياده نمودن طرح های موافق دوباره در آينده - روشن فرهنگي •
 بمنظور جلوگيري از برهم زدن همای فرهنگي و مهندسی آثار تاريخی که در واقع بيانگر تاريخ و فرهنگ هر جامعه بگونه مادی آن اند و جلوگيري از زيان های فراوان اقتصادی ناشی از يزندونه بر خوزدها ها ضروری و حتی است تا صلاحيت طرح و ديزاين و اعمار انکشاف مهندسی آثار دارای ارزش های باستانی و هنری به اهل فن و مهندسين که به تاريخ و اثرات آشنايی و علاقه دارند داده شود • و بايد هر اثر قابل ترميم و انکشاف دارای جنرال پلان و پيا دور نماي انکشافی باشد و اين مسئله ای است که اندک توجه و دستوری به آن نبوده است •

بیار و جتنجیالهای

خانواده شناسایی شده است، از نظر سایکو لوژیکی نیز استقرار حزب کانگریس که شخصیتها ی چون جواهر لال نهرو و اندرا گاندی و راجیو گاندی در راس آن قرار داشته کار بزرگی است و ضرورت به آن دارد تا به راه هنوز هم بهتر و خویتر رهبری شود.

شرح مختصر زنده گی ناراسیمارو :

پامو لائوری و ینکاتانارا سیماراهو پی سیار مردی از جنوب هند است. او زیاده شناس هدا نشیند، و ژورنالوست و حقوق دان و معلم و اداره چی برجسته است. آقای راو که به تاریخ ۲۸ جون سال ۱۹۰۷ روان هفتاد ساله شد چندی قبل مسوول لیت بزرگی را عهده دار گردید. او به تعقیب قتل راجیو گاندی به حیث رئیس حزب کانگریس اندرا را انتخاب شد. آقای راو زاده یک اداره چی یا تجریه است از روی مهربانی پی. وی صدا میزنند و همیشه کارهای کلیدی را چون مستهای وزارت دفاع و وزارت خارجه منابع انسانی، حقوق و صحت و تعلیم و ترمه هم در مرکز هم در زادگاهش ایالت اندرا پرادیش از سال ۱۹۶۲ به این طرف به عهده داشته است. همچنان او را اعظم ایالتی اندرا پرادیش نیز بوده

است.

موصوف در سال ۱۹۲۱ در یک خانوادۀ دهقان در محله کربننگرایانست اندرا پرادیش دید، به جهان گشود. او با معنویت بزرگ شده و طبیعت شاعری نیز دارد. آقای راو درسه پوهنتون درس خوانده که عبارت اند از: پوهنتون هنتون های عثمانیه، بیثی ونگهور و دهرجه لوسانس در علوم طبیعی را به حقوق یکجا کرده است.

پگر شهرت و اعتبار او به شایه انسانی که بنفدین زبان را میدانند سایبر استخدامها و دستاورد هایش را تحت تاثیر قرار داده است. مهارتش در حرف زدن به دلسانهای انگلیسی و هندی سانگریت و تیلوگو، کانادا، امرای قاره سی مغربی و هسپانیوی و فرانسوی او را یکی از مؤثرترین وزرای خارجه هند و ستان نشانی کرده است. در پهلوی آن کارهای ادبی اثر نیز قابل ملاحظه است و جلایزه اول ساهیتیا اکادمی را به خاطر ترجمه اثر "ویشواناتاستهاناراینا" به زبان هندی به دست آورده است. او همچنان نا ویلی را از زبان مراتی به تیلوگو ترجمه کرده است. ناول مذکور را نوشته

پسندۀ معروف هری نارایان اپتی نوشته بود و مورد تحسین فراوان نیز قرار گرفته بود. آقای راو برای شش سال در راس کمیته انتخاب جایزه جان پت قرار داشت. آقای راو هنوز در مکتب بوده که به سیاست رو آورد و در اعتراض علیه حکومت نظام که سرودن و آندی ماترام راضع قرار داده بود، در سال ۱۹۳۸ در کالج خود فعالانه سهم گرفت. به همین گونه او در

جنبش آزادی هند در سال ۱۹۴۲ سهم فعال داشت.

مگر آقای راو بعد از آزادی هند چهارم شناخته شده سیاسی شد. از ۱۹۵۲ برای بیست سال تمام عضو اسمبله اندرا پرادیش بود. در ضمن مدت برای ده سال سمت وزارت و سه سال هم صدراعظم ایالتی اندرا پرادیش بود. او برای نخستین بار در سال ۱۹۵۴ از کربننگر خود راه اسامبلهکانند پد کرد و چندین بار بازم از همانجا وارد اسمبله شد. همچنان او برای نخستین بار بعد از انتخابات سال ۱۹۶۲ در کابینه سنجواریدی به حیث وزیر مقرر شد و خانم اندرا گاندی او را در سطح ملی راه داد. به حیث سکرتیر جنرال حزب در زمان حاله اضطرار مقررش کرد. هم چنان در سال ۱۹۸۰ او را وزیر خارجه ساخت.

راجیو گاندی نه تنها از سبب کبریا و بزرگی بلکه از سبب استعداد شریه ناراسیمارو احترام داشت. راجیو گاندی بعد از پیروزی در انتخابات سال ۱۹۸۴ مقام وزارت دفاع را به آقای راو سپرد و بعد او را به وزارت انکشاف منابع انسانی تبدیل کرد.

به این ترتیب جای تعجب نبود که چندی قبل به حیث رئیس حزب کانگریس اندرا تعیین گردید. راجیو گاندی و دیگران او را به حیث فرد دم حزب موشناخته حتی احزاب سیاسی رقیب در انتخاب او و به حیث رئیس حزب کانگریس مکن العمل مثبت نشان دادند. آقای راو سه پسر و پنج دختر دارد و خانمش در گذشته است.

کیا بی طرف ...

بقیه از صفحه (۵۷)

از کدیر و پیشبرد کارهایی تان
به ادگر دیده است؟
چندین سال قبل که امریکایی
ها به ویریا بودند بی کسی
شان ازین خواستند تا با امکا
نات از بیب اعتراضات را در
امریکا انجام دهند و بی چشمه اند
ان را را در نمود.

من هرگز یک های استیلا
دان پوهنتون کابل را فراموش
نخواهم کرد مخصوصا که است
استاد مانی را نمیتوانم بدست
فراموش کنم و در کار آن ها
دو تا در به نامهای طاجور و جاس
جمعه آن در دست ن و
دیزاین به مانتین به مسنی
مساعت بیرونی کرده اند از
هفته مشون با هم بود
آهای زمینه را بهتر از خارج

گفت: راه مدین افغان جدا
وراه مدین مخرع جداست.
کارهای ما به ارتباطی با
هم ندارند. اثر مدین افغان
ما همکاری بر مانتین کند همکار
به را من پذیرم آن هم به
تفاوت خدمت به مردم و ویسی
رشته های ما از هم جداست.
آچه کسانی شمارا در دست
کارهای تان مساعدت نموده
اند؟

اما یانا ست هیچ عکس العمل
و تشویق را در مقابل ندیدم
و ان مانتین را برای کسانیکه
خواهر خریداری ان را داشتند
فرود نمود.
بعد از ختم کلام متوجه شد
که باید دیگها را از زمین دایر
بعوض آورد قبل ازین که به
طرز دیده ها برود گفت: من
چیزهایی را بیجان که مردم و
هموطنانم به ان ضرورت
دارند.
یا انتم سنان به طرف دیگها
رفت زمانیکه روی دیگ را برود
داشت و اتعا جانب بسود
دیده شوریا محو مید و بیجان
دین ریخته شده بود که همه را
مستحب ساخت.

بسیاری از اطفال ها اطفال
 نادره قبل از این که به کو
 کستان بیاورند عادت داده
 اند تا به گریه ریشوا بر ساری
 شان از بازار مکتوب خوردنی
 بخرند تا طفل شان بارشاید
 به طرف کود کستان بیایند
 اما اگر روزی همان کار صورت
 نگردد کودک یا طفل با راهی
 شدن به طرف کود کستان
 به گریه می افتد دیگر این که
 بسیاری از کودکان در روزهای
 اول که به کود کستان می آیند
 نابلد میباشند از همان سبب
 با آمدن به طرف کود کستان
 ناراضی می شوند میشوند اطفال
 به نشان داده است که این
 گونه اطفال پس از مدتی بسا
 کود کستان چنان انزیم میزند
 که حتی با آمدن به این طرف
 دیگر خدا حافظی را با والدین
 خود فراموش نمیکنند در لغیر
 از اطفال نورستانی مساوی
 کود کستان دوستی در صورت
 آن چه که اطفال در کود کستان
 میآورند پرسیدیم

تشرف برده بود و دیگری نیز
 برای مدتی رخصت گرفته است
 با ظاهره ظاهر مساوی
 کود کستان ستاره بعد از یک
 صحبت کوتاه به طرف منسوب
 کود کستان راهی شدیم
 معلم میشد که
 معلمان همه با چندی بلندی
 اطفال سوگرت اند و غویایی
 آن دادگر برای شان خسته
 گشته نیست با بدین مایکی
 از معلم ها آمد از خاموش
 باشد ، برای معلمان سلام
 نهدید ؟ بعد همه اطفال باد
 یک صدای داد زدند سلام و هر
 کدام آمدند آمدند در سارو
 به جاهای شان نشستند من
 با ستاده از وضع پرسیدیم
 رابازگردد و این دیوان در سخن

بالای تریه اطفال چه نقشی
 را داراست ؟
 - ما خانه باید گفت که استند
 بسیاری از نواهران ما کسه
 ظاهر آراسته و تحصیل خوب
 دارند ولی در برابر کودک شان
 برعکس عمل میکنند محسسی
 لباس طفل اتوباشند و کتیف
 میباشند و به شکل ستوان قبول
 کرد که طفل از او است سپس از
 ماله دوست معلم دیگر
 کود کستان ستاره پرسیدیم که
 هدف عمده کود کستان چیست
 آیا صرفاً غذا دادن به اطفال ؟
 نخر غذا یک ضرورت است
 اما در کود کستان التین بر سر
 نندزه و نگهداری اطفال تشویق
 نمودن اطفال به خواب ، سا
 مت تیری ، بازیهای خفایه

نداشتند و اگر چند شاگردی
 هم گاه استند همه در خواب اند
 مامم سخنان او را گوش داده
 روز دیگر مراجعه نمودیم
 با داخل شدن به صحن
 کود کستان مگر میشد کسه
 کود کستان روز قبل نمیشد
 معلم ها و شاگردان با جدیت
 و نظم صرف کار بودند بسا
 استفاده از موقع در صنف های
 این کود کستان قدم گذاشتیم
 در صنفی که داخل شدیم معلمی
 به اسم خدیجه نیاز معلوم
 صحبت با شاگردان بود بعد
 از معرفی بوالا نی را با او مطرح
 نمودم که سخن ماله بسا
 پاسخ ما را ارائه نمود
 مثلا از خدیجه نهایی خواستم
 تا در مورد بازیهای شان
 در کود کستان چیزهای بگویند
 او هنوز لب ننگزوده بود که ماله
 چنان پاسخ داد : نداشتن
 سامان بازی و مواد درسی بکسی
 از بازیهای عمده است
 بعد پرسیدیم چگونه اطفال را جذب
 ب کود کستان می نمایند ؟

معلم، مادر و ...

بقیه از صفحه (۲۱)

با پلا نهدی پاسخ داد :
 در کود کستان اطفال موسا
 یک کارهای مدتی و محسسه
 سازی ، سرش کاری خواندن
 ریاضی ، شعر ، نواز ، کتاب
 گرا گوی روش ادبیات با اطفال
 و بعضی مملوای آسانی بسا
 در نظر داشت من شان آشنا
 میشوند و با ناعدی که توانستیم
 ام این امکانات را برای شان
 محسسه ساخته ایم
 بعد از ختم سخنان محترم
 ناطه نورستانی از پی تشکر
 نموده و پس از این سلسله
 کوتاه وارد کود کستان ستاره
 گردیدیم
 این کود کستان گریه
 نداشتند و با شیده تر نسبت به
 کود کستان درستی به نظر می آمد
 اما سلبه و نظارت درین جا هم
 کاملا برقرار شده به چشم
 می خورد ، با پیروان در بازیهای
 در و دراز عقب در مساوی
 رسیده با تا تک باید گفت که
 در هر دو کود کستان آمین شان
 تشرف نداشتند یکی به خارج

و نشان درسی این ها همه
 پلان هایست که باید بالای اطفال
 ل تطبیق شوند
 رحمه مشخص معلم دیگر
 کود کستان ستاره برای مادران
 کم تجربه چنین گفت : زمانیکه
 یک دختر مادر میشود باید
 بیشتر از همه توجه صحت ، نظا
 نت و کپیوردهای طفل خود بسا
 شد در ضمن آن طفل کپیوردهای
 راه در وجود خود احساس
 نمایند همه تا تیرا صورتی
 اند که آینده طفل راه خطر
 میاندازد در غم حرفهای
 معلمان کود کستان ستاره
 ره مان را به طرف کود کستان
 شور و تمهین نمودیم ، ساعت
 دویم پس از شام بود و تکی
 به امیر آن جا مراجعه نمودم
 با ماله میاندیدم آن کود کستان
 معرفی شد سخن ماله
 جان پس از معرفی و ختم
 سخنان ما از او است تا
 روز دیگر به آن جا بروم چه
 به گفتم خود در از طرف
 بعین آن قدرها نهاد شاگرد

ز اندم از جمله معلم صاحب
 ها یکی مسرور هام را تا به
 نمود دیگر سرشور استند
 و آن دیگر تیسر می نمود ناگه
 هر معلم شیر خوار گساره
 کود کستان ستاره در پاسخ
 یکن از پرسش هایم گفت : بعضا
 جار و جنجال های خانواده گن
 بر خاسته مادر و پدر و از همین
 ثعل حالات تاثیر مستقیم
 بالای روان کودک دارد ، ما
 داشتیم ام از همین گونه
 اطفال که روح امیض بوده اند
 همان حالت پزیرنده کی طفل
 پس اطفال دیگر را نیز تا تیر
 میازد ، این وظیفه معلم
 ست تا چه گونه طفل را از تشویش
 های روانی ، خشکی و دلنگنی
 برهاند زیرا راجحان مساوی
 سازد که طفل همه تشویشات
 درونی را فراموش نماید تا گتسه
 نماید گذاشت که سلسله نمودن
 خفی خوب زنده کی بسیاری
 طفل در قدم نند و وظیفه
 با تقنین اوست
 پرسیدیم تسلیل مادران

بقیه از صفحه (۶۱)

آرزو دارد ...

بد منتون پذیرفتندم که در هر دو رشته قهرمان میباشم .
 - آیا به نظر شما ورزش بد منتون ثقیل نیست ؟
 - بلکنی میکند و با جسم میگوید به تصور من سوال شما از این نکته منشاء میگردد که من یک دختر استم .
 - نخیر ، های-چنین حرفی در میان نیست و صرفاً از نگاه ورزش طرح نمودم .
 - خوب ، بشنوید]
 ورزش بد منتون ، ورزش - اجتماعیت که به تعقیب و الهیال یگانه ورزش ثقیل میباشد و زیرا این ورزش هم به شکل دبل و - هم به شکل سنگل " انفرادی " اجرا میشود و پرورزشکاران را تا حاکمیت عام تمام بالای میدا ن داشته باشد ، البته در شکل

انفرادی آن با نام این ورزش - بکیت بد منتون ، پروجا ل میا شد .
 - به اثر معلوماتی که در مورد شما به دست آورد ، ام شما - همیشه قهرمان بوده اید . راز موفقیت تان چیست .
 - در مورد اینکه همیشه قهرمان بوده ام ، و فعلاً خودم را از این نمیتکم و اما در این زمینه از - تیمران خوب خود محترم - محمد عظیم و محترم محمد رسول دشتی سپاسگزارم و در قدیم دهم پشت کار و حاضر بودن خودم به شکل منظم در تمرینات یقات میباشد . موصوف افزود چارصال قبل مسابقات فاینل جهت انتخابات اعضای تیم ملی

از طرف کمیته ملی المپیک در - انستیتوت پولی تخنیک کابل راه اندازی شده بود که با اخذ مدال طلا تقدیرنامه و یک کپ قهرمانی مقام قهرمانی را جایز کردم که - البته در رشته پینگ پانگ نیز دسترس کامل دارم و در این رشته یک مدال نقره کپ قهرمانی و بی شما تقدیرنامه های ورزشی دارم .
 - چندی پیش سفری به کشور اتحاد شوروی داشتم در مورد نوعیت و نتایج مسابقات تان حکایتی شنیدم .
 - یگانه قبل که جهت اشتراک در مسابقات دوستانه عازم کشور اتحاد شوروی شده بودم با تیمهای جوانان رشته بد منتون و پینگ پانگ مسابقات را اجرا نمودم که به اصطلاح همیچ " باخت " نداشتم و از آنجا با خود یک تابلوی ورزشی و یک پتنتون که تصویر ورزشی بروی آن حک شده بود از جانب -

فدرا حوسن آن کشور برام داده شد .
 - در اخیر اگر پرسشی را طرح نکنم خودتان چی خواهید گفت :
 اینکند آخرین لحظه رشته کلام را به دست من سپردید با استفاده از فرصت میگویم که ورزش بد منتون از سالان د رازی در دست ورزشهای کشور ما درج گردیده و ورزشکاران بسیار - متعدد همین اکنون در این عرصه دارم و اما اندک پیش توجهی بخاطر حضور ما - ورزشکاران این رشته در خارج از کشور نشده است و - موضوع دیگر اینکه همیشه و - میخواهم مقام قهرمانی ام را حفظ نمایم .
 - من هم موفقیت و قهرمانی همیشه کنی برایتان آرزو میکنم .

د (۳۳) سخنی را اخذ بفرماید ...

((داهلك لوتى دى . نيه به داري چي كوم بل شونهي تهين ولبزو))
 هلك وويل :
 - ((و لوتى تهيم . راصه چي دهغه شتمن سري ماهي ته ورشو او كوتى سي وگورو ته به حتما وويي چي دهغه د كوتيو شاو خواز نداد يار له غوتيو جهر شوي او ياشي چي دهغه دوه ستركي او پوزوه زوز د كوتيو به تلي پوري نيشي وي))
 مدير وويل : ((و عقده لرم چي دا كوچني لوتى دي...؟ محسن سواب وركر :
 ((دهغه لوتى ته دي . ما پخيله هم خو واري خيلي كوت نبي دده يلا ره ووري دي ، خو دوروستي بل لپاره كله چي وولم ، مانه سي وويل چي م شوي دي))
 دهغه خنگه م شوي دي ؟ بو وون دهغه فونشل چي به سوه كوتيه كي مخ وويي . كله مي

چي كار پايته ورخته و ي ليدل چي خيل كوتى سي تو - كلي دي . تا سو وگوري ، دهغه داسي محكم سندان و هلس ووي چي نژوي ووسندان سوري شي دهغه لاسره سندان پوري كلك نيشي وو او تول دهغه خلك چي به لپاره تهيدل ، مرسته بي ووسره ونگره ، هوكي ، له ده سوه چي مرسته ونگره او دي به سندان پوري نيشي موشو ...
 مدير محسن ته چي دكو - چني تر خنگه ولاړ وو ، وگل . دهغوي دواړه داسي پويول نيشي وو ، چي تا به ويل دوا - ره سوه بو دي او مدير خيل - سر خو واره بي له دي چي ووا سي ، وپوزاره . بيا بوسه وركوميد او په خيل بسه خو كي كيناست . دكافله پاني سي دسزه سوه واخيستي او شو شيمي ووسته به سي دسترگو له كوتيه محسن او كوچني هلك ته وگل .

بقیه از صفحه (۵)

مردم در ...

اتحاد ولدوله سردار احمد - القدوس خان صدر اعظم بوضاحت بمشاهده رسیده است . چنانچه همینکه سردار موصوف از کابل روزه عقد هار گردید در فزانه سران قبايل مختلف چون محمد آخان هزاره ، عباس خان هزاره ، محمد رحمد خان توري ، محمد الله خان قبايق ، نواب خان و سهند خان الکوزايي ، نور محمد شاه خان قزلباشي ، محمد اسلم خان بلوچ ، حاجي محمد محقوب خان توخسي و يك عده ديگراز خوانسين ، علما و روحانيون تا شهر قندهار زير شمار هاي اتحاد وهمبستگي در صفوف مبارزين پيوستند و با -

طرد هرگونه اختلافات فذهبي قوس و منطوقی چون مفت واحد علیه دشمن همایزه پرداختند و به این ترتیب وحدت ملی مردم افغانستان که توسط رهبران ملی تبلیغ میدادند - بانگر پیروزی تاریخی آنها علیه استعمارگران انگلیس بود . این اقدام پروسه مبارزه در راه استقرار حاکمیت ملی در کشور را تکمیل کرد . لذا دیده می - از همه پیش در امر استقلال کشور روی احساسات پاک و وطنپرستی مردم خطاب میکردند که این امر منجر به استرداد استقلال کشور ما گردید .

صورت کبره و پوست دقیقه قبل از آن محل را با خاکستر گرم و با داغ اما پاک و مانند خاک کستر کاغذ پاک و خاکستر سکرته و خاکستر تکه های ظرف زهر سندی بمالید .

۶- مالش دادن یک توتبه مکعب شکل پنج پاک قبل و بعد از برکنده موی علاوه بر جلوس گیری از نفوذ انتانات و میکروب های عادی در درازنای کاهش میدهد .

ازموهائی که رنج...

بقیه از صفحه (۵۷)

بل شود . نمیه آن تبخیر خواهد شد . جوهر لیمو را با آن یکجا ساخته تا وقتی که به قوام موم برسد حرارت دهید . سپس آن را از منبع حرارت دور کنید و نم قاشق کلسیمین به آن علاوه نمایید . دیگر واکسن تهیه شده فاسل استفاده می باشد . تست حساسیت مانند قبل - حساسیت .

د: الکترولیز:

شوره بدن از این بردن همیشه آنرا از بین ببرد . طرز استعمال آن نیز زیاد سهولت دارد . ورقه ضخیم موم داغ را بالای ناحیه هموار نموده و اندکی انتظار بکشید تا سرد شود . سپس آنرا برخلاف جهت تایل رو بیدن موبد داشته به طرف خود بکشید . در این صورت استعمال پارچه تکه و پلاستیک لازم نیست . شوره دوم آنست که موم گذاشته شده اما قابل تحمل را به آهسته گی روی جلد هموار نموده پس از یک دقیقه پارچه نازک و پاک و خشک ساخته شود . در مورد مدت تطبیق آن لازم است تا با داکتر جلدی تماس گرفته شود . زیرا استعمال آن روی جلد کمتر از مدت - معماری بپایند . بوده و بیشتر اهدت معیاره باعث تخشش سوزش و آفات پشرفته میگردد . استعمال در او روی جلد در رساچه گزیده گی زخم ها لکه های جلدی ، نواحی - دارای خارش جلدی مطلقا - ممنوع است . در این شوره - رویدن موی تازه تا نازده روز نامکن است . پس از ختم عمل جلد بار دیگر پاک فست و کرم تطبیق گردد .

شوره دوم آنست که موم گذاشته شده اما قابل تحمل را به آهسته گی روی جلد هموار نموده پس از یک دقیقه پارچه نازک و پاک و خشک ساخته شود . در مورد مدت تطبیق آن لازم است تا با داکتر جلدی تماس گرفته شود . زیرا استعمال آن روی جلد کمتر از مدت - معماری بپایند . بوده و بیشتر اهدت معیاره باعث تخشش سوزش و آفات پشرفته میگردد . استعمال در او روی جلد در رساچه گزیده گی زخم ها لکه های جلدی ، نواحی - دارای خارش جلدی مطلقا - ممنوع است . در این شوره - رویدن موی تازه تا نازده روز نامکن است . پس از ختم عمل جلد بار دیگر پاک فست و کرم تطبیق گردد .

پس از این بردن موم با شوره - الکترولیز باید تمام بدن را - حلقه کرم جلدی تطبیق نمود .

معمولا به خاطر پوسا - ندن بر موی ساعد از موهای زیاد استفاده میکنند که به دلیل ذیل باعث زیاد شدن موهای این ناحیه میشود : - عملت تحمیک پذیری - و متعدد رفت موهای ساعد در برابر تماس های مداوم با موها . - در سایه قرار گرفتن ناحیه - تریق مداوم پوشش .

د : استعمال مواد کمیابوی : کرم ها و مایعات و اسبوری های مخصوص برای از بین بردن موهای پاها و بازوها و تحت بازوها وجود دارد که در اثر استعمال آن موها به ندرت دوباره رویده میتوانند و اگر به وجود هم بیاید هنوز زودتر و کمرنگ تر از مرتبه قبل میباشد . مانند شوره اول (سبب سازی) تحت جلدی قبل از استعمال تحت همان شرایط حتمی است . یک ساعت قبل از تطبیق مواد کمیابوی روی جلد ساخته باید پاک شسته و خشک ساخته شود . در مورد مدت تطبیق آن لازم است تا با داکتر جلدی تماس گرفته شود . زیرا استعمال آن روی جلد کمتر از مدت - معماری بپایند . بوده و بیشتر اهدت معیاره باعث تخشش سوزش و آفات پشرفته میگردد . استعمال در او روی جلد در رساچه گزیده گی زخم ها لکه های جلدی ، نواحی - دارای خارش جلدی مطلقا - ممنوع است . در این شوره - رویدن موی تازه تا نازده روز نامکن است . پس از ختم عمل جلد بار دیگر پاک فست و کرم تطبیق گردد .

بهترین موثرترین شوره نجات از پرمویی مخصوصا برای پاها و بازو و بازو - غلبه واکسن تکه است . که - رویدن موی را کم تا دو سه نامکن ساخته میتواند . البته

مواجهه شده و رفته رفته حلقه مخفی سیاسی به شکل علنی به فعالیت آغاز نمودند مشهور ترین این حلقات به گفته نویسنده افغانستان در مسیر تاریخ دو حلقه بود . ۱- حلقه که خود را " جوانان افغان " نامیده و سرام تند تر و دست چپ داشت و اعضای مهم آن عبدالرحمن - لودین ، تاج محمد خان - پغمانی ، فیروز محمد خان بارت - ساز و میرغلام محمد غبار بود . ۲- حلقه سیاسی که از طرف میرمحمد قاسم خان رهبری میشد و در آن عبدالهادی - داوی ، فقیر احمد خان ، سید غلام محمد رخا ، پای کتری غلام رضا خان و دیگران شامل بودند .

از جانب دیگر رگابنده اختلا - فات شده بدین مشروطه خواهان و مخالفین مشروطیت بروز کرد این اختلاف نظر ها عمده تا فضا بین محمد و طرزی وزیر خارجه به عنوان مشروطه خواه و عبدالقدوس خان اعتماد الدوله صدراعظم به عنوان مخالف نظام مشروطه در میگرفت در ذهن شاه چنین القای شد که این اختلافات برای د وام شاه مفید میباشد ، محاله تا انجا بالا گرفت که عبدالقدوس

بقیه از صفحه (۷)

نهیضت

خان صدراعظم طی نامه از شمس المشایخ و نورالمشایخ مجددی برادرش خواهان اعلان جهاد علیه مشروطه خواهان شد و آنانرا واجب القتل قلمداد کرد . چون اهداف برنامه مشروطه خواه یا به قدرت رسیدن شاه امان الله پا در هوا ماند و اصلاحات سیاسی واجتماعی شاه نتوانست روشن فکران را مجاب سازد بنابراین مقاومت های ایمن روشنفکران در مقابل شاه آغاز یافت . شاه همیشه مقاومت روشنفکران را در مقابل خود احساس نمود یکایک آنان را از پهلوی کنار گذاشته در عرض افراد فرصت طلب و مقام پرست را به جای آنان گذاشت و در پیبرفته اداره دولت شکل یک اداره مطلق العنان را به خود گرفت علاوه محمود بیگلر بگری از وزارت خارجه معزول شد ، محمدولی خان وزیرخبریه از پست فعال وزارت خبریه

نارضایتی مردم از شاه بود . شمارهی غریب که شاه از اروپا باخود آورد ، بودیا - واقمیت های زنده گی ، احصا سات مذہبی و عرف وادات سستی مردم ، موافق نبود بنیابران تحریکات انگلیسها را خوترتجیحترده میتوانست . قشر تحصیل کرده و قلمچی ملت که با تندر شاه موافق نبودند و درسیاری موارد اهداف برنامه مشروطیت را رویه قنایند یدند از تکرار شاه دور ایستادند . بنا بر آن شاه مجبور شد با این شمارکه :

مهرم تاتونشنوی نامم اگر از نام من ترانک است " وطن را ترک کنید ولی در پیمان نهیضت امانی قشار موج معکوس فعالیت های تند روانه شاه را انانی متحمل شدنکده اصلا با تاتونشنوی های امان الله خان موافق نبودند تعد از نه این رو - شفقگران اعدام شدند ، و یاد در غلو زنجیر زندان ها افتادند که ادا م شخ آن از حوصله این بحث خارج است .

بقیه از صفحه (۶۱)

مکرید به امضاء رسید . در متن پروتوکول آمده است : ما هر دو جانب نقره رشوه گیرند مورثه دهند . را مخفیانه بازی نموده از تخلفات همدیگر زهر کانه گذشم منجاسیم و تمسک مس - بندیم که به شکایات خورد و - بزرگ از طفل بی دندان گری - فته تا پیر مردی که آخسین دندانش را حین بالاشدن به سرس از دست داد ماند و وقعی نمیکند ارم . - به اثر صمی تلاش منسو - بین اهمیت جمع آوری بیستکارت مد بهت مبارزه با جرایم فلسی در هرز مقدار زیاد تصاویر و - بیستکارت های مغایر اخلاقی و کلتور از نزد " متن پرورد - بزرگ دوست " شاکر دستف ششم یکی از کتاب کشف چه دست آمد . بیستکارت تصاویر به دست آمده ضبط گردیده مضموم به چنگال بهره های - نهشدار صغی هاسپرد شده و قضیه تحت تحقیق نگران صنف قرار دارد . - از خواننده گان ارجشند صمیمانه تقاضا به عمل میاید تا با خواندن این مطالب بر ما خنده گری که نکرند .

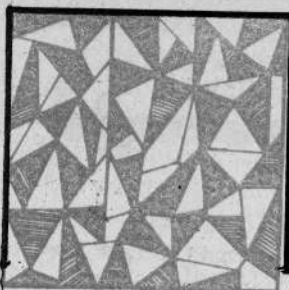
د (۴) خ پاتی

گل زمان

به جورولو کی کارا خلی . گلزمان به نایتمستوالو - نوکی گودن کوی دی دیملمستان به نیتوال کی بی افتخاری دیلیم ترلاسه کوی گلزمان اوسر به پیتوکی دغزل موسیقی دودی به خاطر نهاتن هشی کوی ترخود پیتوکی برخه موسیقی هم خیل لهمان لور نمای به روسی دده دغ - هشی بی گبی نه دی هما - فس چی دده دینه استعداد له برکه دده شعرت او محبو بیت نهات دی نودده دکار له برکه به دیتو موسیقی و له هم مکه هی .

معددا سفر بوش به سکو از نظر سیاسی ضروری منمود . دوکراتها او را ملاقات میکردند که باید در پاسخ به تهمیلات در اتحاد شوروی خیلی محتاط باشد و تلاش نکند تا از مخالفت گریاچف پشتیبانی به عمل آورد . شاید از همین سبب بود که آقای بوش در میانه خود احتیاط را از دست نداده و پشتیبانی اشرا بر بنیانی اصول وانمود کرده است . و بلاخره بشهت نعمای لبتدای صلح جهانیه ابرقدرت ارا لالی اینها می کند . اگر چه (ستارت) نگران انسانها را از خطر های اسلحه هسته ای دور نگریه ؛ مگر مستوان گت که سرفراز خوین برای ایجاد جهان فارغ از جنگهای هسته ای خواهد بود .

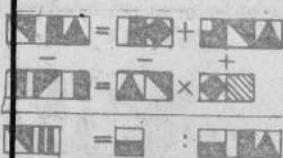
ملاقات در مسکو



در این مورد هیچ ستاره وجود دارد که نامرئی است. اما اینرا پیدا کنید.



این یک نقاشی مرموز است. بآن دلیل که نام بی از ایالات متحده آمریکا در آن بیستم من خورد. این ایالت کدام است.



اعداد مرموز

اعداد مرموز در اینجادر هیچ نقش عددی را بازی میکند و شما این اعداد را از روی علائمی که در اطراف آنها دیده میشود منی توانید پیدا کنید.

حل کنید و جایزه بگیرید

تهیه کننده لطیفه "سهدی"

افقی:

- ۱- عروس شهرها • دلبری
- ۲- مخفف کز • دنباله درختی بر سر
- ۳- از شهرهای عربستان •
- ۴- لکه کوچک حرف مفعول بهیواسطه •
- ۵- از اسمای ارضی • فراغنه مصر •
- ۶- اگر چیزی از روزگار باشد آدم خالخورده • چشیده • است •
- ۷- حرف انتخاب جمله کمتک • طلبی • از حالت دریا •
- ۸- کتاب جمعه • در یکی از آثار جان اشتاین یک پنهان شده است • فلزی است •
- ۹- خوراکی با تخم مرغ • از هراهان دوت •
- ۱۰- رسن فلز گرانبها •
- ۱۱- هنریشه فلم بیک • نهک •

عمودی:

- ۱- مسردترین نفاثر جهان در حال حاضر
- ۲- از حروف الفبا • انگلیسی
- ۳- از سران آلمان نازی • خواننده گلستان •
- ۴- بخاطر سپردن • از انواع خواهر و برادر •
- ۵- از جشنهای باستانی • از کلمات پرستش تصدیق روس •
- ۶- واعظ در جمع •
- ۷- سنگ تازی • میزان کر • دن • عددی است •
- ۸- از ادارات تابع وزارت • کشور • از موجودات افسانه ای •
- ۹- تکراری از حروف • رویاه صحرا •
- ۱۰- نخس • از خاکهای • صنعتی • از حیوانات مزاحم •
- ۱۱- از مخترعین معروف • آمریکایی •

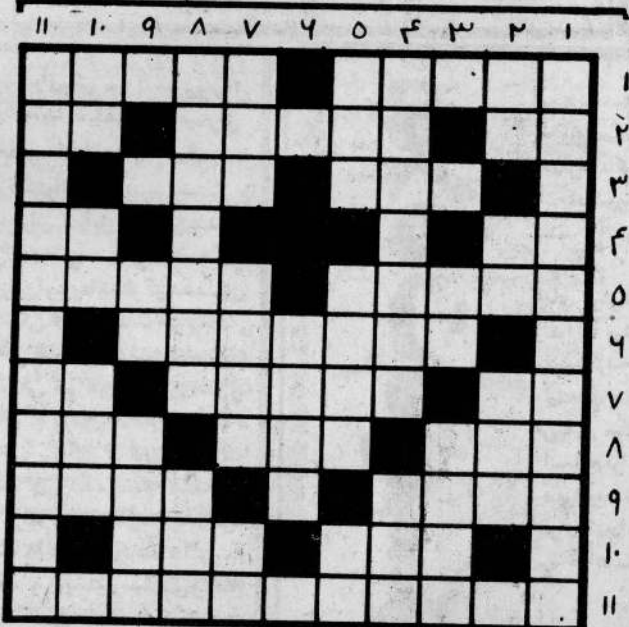
سعدی

۵۵



پند و اندرز

ها



حل کنید و جایزه بگیرید

- ۱- استغفار احوال است نه مصافح
- ۲- بر سر در را بکشید
- ۳- برای زیبایی آن ورزشی -
- ۴- است - رنگ در در میند - مایه زنده گانی
- ۵- تکرار یدرف - جنون را جمع
- ۱- شود - در امان و آسوده خاطر
- ۶- آریاه لعن تسبیح کرده اند سرانجام است و بعد از آن است
- ۷- هر چه - مبرورین
- ۸- مرکب موش در مبرورین - امر در آن زنده در مینمایند
- ۹- و در ویدیا - هشتم و زهران در مبرورین و میموند
- ۱۰- به غذا غرض می ورزید - علم به دست دارد - در ردیف دوم خودی - ب. وید
- ۱۱- بی میدان و زهران - وزیر بار - اثر از آنست که بتواند شراب است - حمت راست
- ۱۲- پدر مردگان - ستاره غنا و شهنشاه آسمانی
- ۱۳- تغییر در ششروزا رتخانه را اداره میکنند - محمود - به آیین کریم میزنند
- ۱۴- وسیله تا زنجار - نوعی بود کیمیای - خداوند کار
- ۱۵- یک از فنون - آیین تارل مارش بوده که اصول سومیا لوزم علمی را تشریح میکنند
- ۱۶- (..... کارها) کتاب - بیست از لغون - تولستوی
- ۱۷- آواز کیوسا است و از سنا مع شعری - و دینی دارای اقلیم مدیترانه که پرومیس زیتون در آنجا سمورت می گیرد
- ۱۸- متحرک نیست - پست و فرو مایه - کدام غله جات
- ۱۹- دختران هندو بدست برادرانش می بندند - اولی - نوعی طیاره و دوس هفتسین نجرا
- ۲۰- فراموش در ششوپناه گاه است و کتابه از وطن - سمت چپ
- ۲۱- مژده دهنده مرکز لایت نهمروز - اول و شروع است با پانزدهی حرف و او
- ۲۲- تکرار حرف پهن در ششوی میگویند "بودم" از امراض خطرناک - روز چهارم
- ۲۳- حاتم شاهی که الماس کوه نور را به احمد شاه بابا تحفه داد - ناف آهوی مشت

- ۱- جسته و پسته موشد - آسمانی
- ۲- در میند - آب و هوا که - برابر مصالحه و برقرار بیجا
- ۳- ران مخصوصا - تلولین میسازند
- ۴- عمودی
- ۵- کتابی از حتم تا مخرج سرو
- ۶- یعنی - معنی مایه آن معتاد است و گویند تا نکریت در نندان است
- ۷- هر چه می توان دید - راز نهدار - نفس در دست
- ۸- شهر مهم تجارتی تا یلیند
- ۹- اسرار زاده اتلوس - در -

- ۱- مد - نار و یار در سنده - جرم دارد - شهید نهلتی
- ۲- در زمستان برای تسخیر می گذازند - شستن و پاک کرد آنچنین - سبب را جمع کنید
- ۳- کلوله (لرزه او.....)
- ۴- پروگرام است در تلویزیون - صفت و پشت سر هم
- ۵- سرزمین نامیازان - برای عید می یزند - فرودگاه بوسه کلمه فازه
- ۶- در ردیف عبادت معمول است - پنج در روز یا چارسا

- ۱- شاعر پارسی گو - پانستان شاعر جوان ماهه در مینمونه - در خطا فایده از اوست
- ۲- دره زیبایش در مینان - نفس امر رساندن - از حیوانات است فاره ایست
- ۳- جانور نیست - حیوه جلیبسه که در آب و آتش زیت میتواند معلوم و دست رسید - خدمت مقدس است
- ۴- نشان که ریا می کنند اما بی سراسر - کسی را کشته از فلان عدا - سرور بر آغاز
- ۵- رقم را جمع کنید - بد نیست از سببهای مشهور امرینا من و سما
- ۶- پای بر جاردن است و ممکن است قرآن - نورانی - رعیت واحد است
- ۷- نم سندان حیوان نیست - نهایت زمان عمر - حد رحما - هرنگ که گلها را می بویند - در پشتو - پسر از ارکان سورسورا - نا از آنسوی
- ۸- اسم بر پا - آخری علم بدستان
- ۹- کشتزار - علم نو آموزان تخم القاق شده - سلم رستم
- ۱۰- اسن نیست - پیشوا و رهنمون - زیری و باهوشی
- ۱۱- خدمت نعن که در او کلمه میاید و معنی انرا تغییر میدهد

۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵						

حل کنندگان

محترم عبدالصبر نواز زهر

محرترم صفیه نواز زهر از مکروریان

محترم بشیر احمد امیری

مهره محمود محصل حقوق

محترم سها خورشید از لسه - زرغونه

آرین پور محصل سال جارم

انستیتوت طب کابل

محترم حسنا غزال از پوهنتون - کابل

محترم نوره ناصر محصل طب کابل

محترم محمد جاوید سرماز - زرغونه

حل جدول

۱۰	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ک	ن	ز	م	ر	س	ی	ا	س	ت	ا	ف	ا	خ	ا
ب	ب	ا	ب	و	ن	م	ا	ی	ر	ا	ا	د	ا	ب
ه	ت	ن	ا	ف	ت	ر	ی	و	ی	و	پ	ا	و	و
ع	ی	ا	د	ت	ف	ت	ن	ش	ا	و	ر	ز	ر	ز
۳	۲	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ث	ج	د	ق	ک	د
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ث	ج	د	ق	ک	د
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ث	ج	د	ق	ک	د
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ث	ج	د	ق	ک	د

سپاوون کورکات

شیر سوه و عسل

ترجمه : حسام الدین برومند

۱- خرگوشی که در سوراخ همک
درخت زنده گی میکرد ، متوجه
شد که زنبور های عسل بسیاری
شان خانه ساخته اند . خرگوش
به فکر افتید که چگونه از سوراخ
بیرون برآید ، از زنبور دوستش
موش صحرایی رابه کمک صدا
زد . آن وقت هر دو سبزه ها
و علفهای خشکیده را از بالای
درخت جمع کردند تا به اطراف
زنبور ها در بدهند . با ایسن
کار شان زنبور های عسل دسته
جمعی پریدند آن گاه خرگوش
و موش صحرایی ماندند و عسل ها .



۲-۳ : وقتی آن ها به عسل
چسبیدند و مصروف خوردن
شدند یکبار سرورکله شیر در آن جا
پیدا شد و غریب :

تیز تر ، تیز تر از درخت پا-
بین بیائید . خرگوش که متوجه
شد فریاد کشید و خشمگین
است لرزان لرزان گفت : موش

صحرایی مراد علف بیچکان
وقتی این کار انجام یافت . خر-
گوش به شیر گفت : تو میتوانی
به خاطر آسوده راحت را بگیری
و بروی ، من خود به خود پا-
بین میسوم . خرگوش بدین ترتیب
پاره نجات خود را سنجیده و
از درخت خیز زده و پتان پرید
که نهی .

شکار که از پنک شیر فرار
نموده بود ، ازین رو هیچ پشم
را از موش صحرایی دور نمیگرد



۴- لحظه یی بعد ، شیر با
خشم زیاد بر موش صحرایی
غریب : پایسن شو .

بدین ترتیب موش صحرایی
مجبور شد که خود را تسلیم کرک
نماید .

۵- شیر در حالی که موش
صحرایی را بر زمین خوابانده
و میخواست خفکش کند ، گفت :
تو زور جرات تیری از جنگل
من عسل بخوری ؟ موش صحرایی
بازاز و عذر گفت : بشیو جان
خرگوش مرا وادار به این کسار
ساخت و غریب داد . شیر



باد رنده خوبی تمام با پنجالش
بر موش صحرایی حواله کرد
اما موش صحرایی بدون آن که
پنجال شیر بر وجودش برسد
آن را در هوا محکم گرفت بعد
از آن جستی زده و در میسان
بته ها خود را ناپدید ساخت .

۷-۶ خرگوش را که غسل موزه
 داده بود اینبار با سنگ پشت
 قصد خوردن غسل نمودند باز
 هم سر و کله نشیو شده پیدا شد
 گرن بلا فاصله بر خرگوش غرید :
 بیا پایین شو ، چرا معطل
 استی ؟ اما خرگوش در مقابل
 گفت : اگر توبل میدهی مرا
 قورت نمیشی ، پایین میومم گوشت
 بسیار سختی دا رم و بسعلاوه
 کوبیک استم ، وقتی نرم شدم -
 طعمه خوبی برای تو میومم
 آن وقت مرا به دم خود بنشان
 چنچ بده ، بعد به زمین بز
 آن وقت پیش از آن که نفسم
 برآید مرا نوتر جان کن . نشیو

بلا فاصله خرگوش را بردمش
 نشاند ، دمتر را چنچ داد اما
 چون دم کوتاهی داشت هخر -
 گوش از دمش لغزید و ناپدید
 شد .



۹-۸ : اکنون تنها بیچاره سنگ
 پشت بر درخت مانده بود اما
 هر قدر که نشیو بزوی حمله کرد
 و حیوان را پنجال کند بر سنگ -
 پشت هیچ تا ، نهر ننمود . یکبار
 سنگ پشت سرش را از میان لاکش
 بیرون آورد ، نشیو خور شد و آن
 راه آب انداخت . سنگ پشت
 در آب شروع به آبیازی نمود نشیو
 به دنبال آن خود را به آب اندا -
 خت ، لیکن درین میان خودش
 نغر کرد .

۱۱-۱۰ : نشیو خشمگین به
 سرف جنتل خزید ، آن جا کلبه
 خرگوش را دید ، آرام داخل آن
 رفت ، لکن آن جا را خالی
 یافت ، خوب منتظر برگشت -
 صاحب خانه ندست ، خرگوش



به زودی آمد ، اما چی میدید
 پل پا های نشیو ، ۴۴۰ واقعا
 چا یکی و تیز هوشی را از -
 دست نداد و با عجله گفت :
 صبح بخیر کلبه من .
 صبح بخیر .
 نشیو به دنبال خسر -
 گوش دوید ، اما شکار از چنگ
 رفته بود ، زیرا به همان اندا -
 زه که نشیو ساده بود هخر گوی
 زرنک بود و با خود فیصله کرده
 بود که مخصر صا ، ننگدار ، نشیو
 غسل بخورد .



محترم نظیفه احمدی از اکا-
دمی علوم ج ۱۰۰
طرح تان برای نزدیک بین
رسید. وی امدوار است در
اینده طرح ادبی بفرستد.
از شما سپاس گذاریم.

دوستدار سبله مرمیهی
نزدیک بین در مورد کسی
که شما پرسیده اید که چرا بر-
نمیگردد از قول عوام مفرماید:
ادب در بار کسی محکم گرفته
نمیواند. حوصله مند باشید.
همکار خوب تو را یکی اسدی
از لایحه مرم:

نه تنها شما بلکه تمام خوا-
نده گان عزیز سبله هرگاه
مخواستند بگویند (سبا و ون
چطور باشد؟) باید همراه با
مظریات خویش یک قطعه نو-
توی خود را نیز ارسال بدارند
از شما تشکر.

ساکت باش:
مگر که دوستم داری بگذار
این جمله بر لبهایت بلسزد
ولی به صدا نیاورد.
خواهم آن را از دور احساس
نمایم. از رویا بیدار مکن
و مگو که دوستم داری. آه
ساکت باش.

همکار خوب مرم کمال از
لایحه اربانا.
ما بوس نشوید. نزدیک-
بین شما را در طرح جدول-
تشریح خواهد کرد. چنانچه
ما از تمام همکاران خویش طرح
جدول میگیریم. مگر به شرط
آن که خودشان به اداره مجله
تشریح آورده طرح جدول-
شان را تسلیم نمایند. از شما
تشکر! جدولت باشد.
محترم مسموده مهجور ار
اکادمی علوم.
نزدیک بین هر قدر شیشه
هنگام را پاک کرد تا نامه تان
را درست بخواند موفقی نشد
بالاخره از دور بین کمک خوا-
ست او بعد از آن که حریف
را زهر داد و زهر داد و جنگ
انداخت، توانست بخواند
ولی توانست از آن مغموم

محترم عبدالشمن شمیری -
کارمند ریاست برق کابل
شما حتماً سبله را هنگام
پرچاری برق - الهه مینماید
که متوجه حساب بانک سبله
که در خود سبله درج است
نشده اید. نزدیک بین برای
خود دید روشن و برای شما
برق روشن و توی شما نمیدانید.
همکار همیشه حاضر سبله
حکمت الله ناظمی حکمتجو از
شاروالی کابل!
نزدیک بین نامه تان را خوا-
ند و گفت که شما از خصایص
نیک انسانی برخوردارید.
ای کاش دور بین هم چون شما
میبود. به هر حال از غیبت که

از نزدیک

دوست بگیرد. مشوره بنده به
شما این است که از خداوند
برای این دو نفر سواد عاجل
و دانش کامل آرزو کنید. ماه
برای شما مطالب جالب آرزو
مندیم.
همکار عزیز سید خالد حکمی
از لایحه دوستی.
چنانچه شما میتوانستید به
شعبه (اطلاعات و نامه ها)
اداره سپارون تشریح بیاورید
و در مورد ذکر شده از نزدیک
بین کمک بخواهید. قابل
تشکر نیست.
علاقه مند جواب به نامه ها
روشنه جان زمین.
نزدیک بین از احساس نیک
تان نسبت به او تشکر میکند
ولی این که خواسته اید تا یک
قطعه فوتیوش را در این
صفحه سنجاق نماید. -

وی مفرماید: همکار گل بدین
منفذ معمولاً عکسهای علاقه
مندان ما چاپ میشود. اگر
این جانب نیز عکس خوشتر
شوق نامیم، همکار دور بین
ساحب بالایم می مگر کس
گویا من خودم علاقه مند خود-
هستم لذا معذرتم را بدینرا
شویید. وبگذارید ما این تقاضا
را از شما کم. و در مورد-
نامه تان باید گفت که اگر
شما به جای نزدیک بین می
بودید بابت نامه خشک نمی
میکردید؟ جز این که از تو-
میستند اثر نامه های (ترا) آرزو
میکردید. از شما تشکر. بر
عکس نامه تان ترو تاز باشد.
محترم فوزه وردک.
برسیده اید که چرا هنرمند
محبوب نهاد در بار در کشور
کم دیده میشود؟
نزدیک بین میگوید: به
خاطری که در خارج از کشور
زیاد دیده میشود.
همکار عزیز احمد حاوید
سیمی:
نسبت ازدیاد مطالب
نزدیک بین نمیتواند تمام نیک
های ارسال تان را نشر
نماید اما چون به این عقیده
است که ((اخلاق مهم است))
لذا دو نیکه از نیکه های
ارسالی تان را در مورد -
اخلاق انتخاب میکند.
خلق خوش چرانی است
که صفات خوب ما را روشن می
کند و بر صفات بد ما سایه
ماندازد.
خلق خوب پول رایجی است که
باهر نعمتی عوض نمیشود.
همکار خوب مرضیه مرا-
دی از حصه سوم خیرخانه:
قابل تشکر نیست نزدیک
بین همیشه در خدمت شما
بوده و نامه های پر محتوای
هریک شما را بدون واسطه
میبواید، و در مورد مطلب
این نامه تان مفرماید که
ای کاش جای اعتبار تو تذکر
میدادید.

عشکار قدیم نورالرحمن
نونین از شهر بلخموری.
برای کسانی که شما کانتینر
کانتینر سلام فرستاده بودید،
همه بالمقابل کانتین - کانتین
علیوت مفرستند. و به جواب
گله تان دور بین مفرماید:
حالی که بی فایده است، بی رقم
همی که تخلصتان را دیدم،
خیال کردم که از همکاران نوسا
هستید، باز هم برای آن که
قهر نشوید، همانم نزدیک -
بین معذرت میخواهد. برای
آن که جبران نکرده باشیم، می
خواهیم عذر شما را در قطار هم
کاران دایمی بچاییم، و لطفاً -
در نامه های آینده بی قطعاً -
فوتوی تان را ارسال کنید، و اینک
مطلب زیبایی طنزی تان را بخوا-
نهد:

آمدن کارمندان به وسیله
آمدن جناب رئیس به دفتر
شهر گرفته خواست دلبر.
از مدتی صاحب محترم وابسته
است به کش موتر سایلکتر.
از ما مورما حب وابسته است
به پنجر شدن بایسکلتر.
واز ملازم بیچاره ساعت هفت
صبح و بدون در زدن داشت
شکلر.

محترم غم ریانی مرادی از
صحت عامه ولایت بلخ: از مرا-
ملات شما، صرف فوتوی میا-
رک تان را چاپ میکنم و امید
واریم در آینده مطالب جالب
تان را نشر نماییم.
محترم ریفاکتی ایماق از -
شهر مزار شریف.

دور بین حیران است، چی
کند؟ بی سمنار عزیز ما مفرماید
کین دایمی هشتم، چرا -
نو خطاب کردید. ولی
حما فرموده اید که همکارانو مسا
تشریح دارید. حال آنکه در
شماره های گذشته، نامه -
های فراوانی از شما را پاسخ
گفته ایم. به هر صورت در -
عین حال هم جای شکر است
مانند نظر مطالب جالب شما
هستم.

خواب زیاد خطرناک است

خواب زیاد به قدری خطرناک
است که ممکن است منجر به
موت انسان شود؛ زیرا موقعی
که مایه خواب میروزیم آهسته تر
نفر میکنیم یعنی کمتر اسپیچین
جذب میسراسر کنید. کارین را
در خون نگه میداریم. جمع شدن
اکسید کارین در خون برای
بدن (۸) الی (۱۰) ساعت
بمندان ضرر ندارد ولی اگر
ازین مدت تجاوز شد، مسمومیت
از بلخ.

از دور

چه وقت باید از دور واج کرد؟

تفاوت سن زن و مرد در موفسج
از دواج بستن حاصل باید باشد؟
یک روانشناس مشهور فرانسوی
مؤلف شد فورمولی برای خواب
دادن به این سوال پیدا کرد
که به عنوان یک کشف جالب -
مورد قبول عدد زیادی از
دانشمندان واقع شده است
فورمول ازین قرار است: اگر
سن شوهر را نصف کنیم عدد
هفتزایه آن افزون نماییم، سن

مطلوب زن به دست میاید.
مثلاً اگر سن مرد سی سال -
باشد، سن زن باید نصف سی
با علاوه عدد هفت یعنی ۲۲ -
سال باشد. البته این فورمول
برای تخمین حد اکثر بوده و در
مورد همه صدق میکند.
ارسالی: رحمت الله رمزباز از -
بلخموری.

در نزدیک مکتب

دختر اولی: از تو قند و لکه
میوشی که سگرت بیف میوشد
او نمومره دوست داری.
دختر دوم: کی، سنجو چمبر
آبی ره میوشی.
دختر اولی: بیلی بیلی هموره.
دختر دوم: چپ با این احساق
که اویدم این.

افزایش نام

هر کس زمانش را نداند بگیرد
در جای غیبتش چالان میاید.
اکثر ناخنهای پت دست گرفته
شود و از دست دیگرانی به سرو
سکه حمله میکند.
اگر ناخنهای گرفته شده به
زیر پا انداخته شود، فقر
می آورد.
پوشش مهمان می آورد.
ارسالی: ریفاکتی ایماق از -
بلخ.

همکار با استعداد عید -
المجید فایق آرزو لایحه بلخ -
دور بین از شما و دیگر
همکاران شاعر تقاضا مینماید تا
اشعار خوشمیتان را بفرستید،
تا در یکی دو شماره بعد صفحه
بی ترتیبی و شمر جوانان را -
زیست بختر آن سازیم. از شما
تشکر، شاعر باشید.

۷۲ ساعتی که جهان را تکان داد

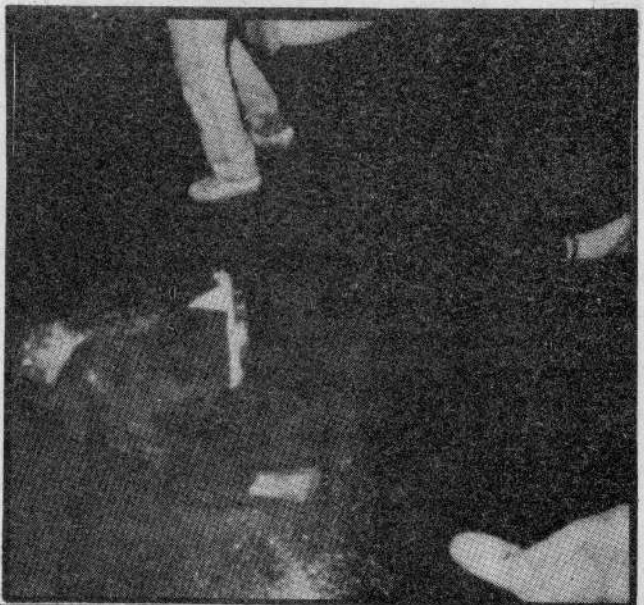
کودتاجهان مستقیمه دفاع کنند:
- اقلی کار میچف، حزب کمونیست چه موضعی دارد؟
- پولیت بوری حزب تاجا حالا موضع خود را تعیین نکرده است. دیروز دفتر سیاسی جلسه داشت، اما تاحال اعلامیه میداده نشده. کمونیست ها منتظر اعلامیه هستند. بوداشت شما از این حوادث به شایبه زورناهیست چیست؟

- از نهای ها مختلف است، بعضی ها تغییرات اخیرا پشتیبانی می کنند و بعضی ها پشتیبانی نه نموده و آن را کودتای خوانند.
- مردم چه فکر می کنند؟
- مردم در تشریح هستند.
دیروز رئیس جمهور وجود داشت و صبح میخ شد. ما له بر سر قانونت و حفظ ان است. در ما سکو اکون، ارتش، تانکها و ماشین های محاروبی و سربازان وجود دارند. مردم می پرسند که اگر سربازان برای دفاع از ما سکو آمدند، این دفاع در برابر چیست؟ از سوی دیگر اگر رئیس جمهور بیمار است پس چرا واحد های ارتش را باید مستقر ساخت؟
- آینده کودتا را چگونه پیش بینی می کنید؟

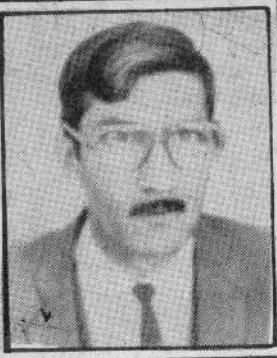
- حالا شاقشه اصلی در کشور تقابل میان رهبری جدید و جمهور روسیه است. من امیدوار هستم که حوادث به خوبی نماند، هر چه دیشب با مرگ سه نفر خونریزی لغز شد. من نمی خواهم باور کنم که کمیته فوق العاده (ک) ج. ب. (خواستار خونریزی است!) - به نظر شما اکنون ابتکار به دست کیست؟
- طوری که پولندی ها می گویند ابتکار در دست کسی است که تانک ها در دست اوست.
نظر شما در مورد مقاومت بوریس یلتسن چیست؟
- در ماه شهریور یلتسن گفته بود که هیچ وقت به گریباچف باور نخواهد کرد و حالا او را زگر باچف دفاع می کند.
موضع معازن روزنامه پر اودا - بدینگونه بود. سخنان او نشان می داد که کودتاجیان بیض از همه

پیشینیان حزب کمونیست حساب می کردند. اما آنها متوجه نشده بودند که این حزب و خاستگاه رهبری ان بابت در دادن به نوسازی بشک مواج گذشته از مدت ها قبل با سپیدین به شعار حفظ قدرت و ایجاد مواج در برابر دموکراسی و کوشش برای کد ساختن روند های نو، ابتکار سیاسی را از دست داد. موبه یک حزب بی امید ییال و مخالف جریان تاریخ تبدیل شده است. درست به همین دلیل آنها این ابتکار را بدست گرفتند. مقام پیش قراول مقاومت را بسرای حفظ دموکراسی بدست آوردند که نیاز تاریخ و زمان ما را درک نمودند. نیاز زمان ما اروپیکه تجربه اروپای شرقی و اکنون روسیه نشان داد عبارتست از مبارزه به خاطر دموکراسی، مقابله با دیکتاتوری ها و تقویت یانیزم و احترام به اراده آزاد مردم (در روز سوم کودتا یعنی روز چهارشنبه ۳۰ اسد (۲۱ اگست) مقاومت روسیه وارد مرحله مهم شد. پارلمان روسیه توانست اجلاس خود را آغاز کند. شب گذشته یلتسن با آقایان بوئر، میتران، جان مچجر خانم تاچره، هارن لهووالینسا و بعد

دیگراز رهبران جهان تا معارها تیلیفونی داشت آنها با یلتسن هم نظر بودند: کودتا یسان فوراً قدرت قانونی را اعاده نموده و کدور را ترغیب کنید! همزمان سنگر بنفشی ها ادامه داشت و - تا اهرات اوج میگرفت (۴۸ ساعت گذشته تا وقت بیز از بیخ نبر گرفت اجلاس پارلمان روسیه در روحیه هیبتنگی کامل با بوریس یلتسن و با تایید در خواست همگانی برای برگشت رئیس جمهور قانونی میخائیل گریباچف و عقب رفتن کودتاجیان توأم بود. کودتاجیان موفق نشدند رادیو و تلویزیون روسیه را که به مرکز عمده کار سیاسی، تبلیغی و وسیع افکار عامه مبدل شده بود، ببندند حمایت غرب از موضع مقاومت پیوسته انتراین میبافت و این امر بار و روحیه جنگنده گان را ازادی را تقویت می کرد. این امر زیر پای کودتا چیان راست نمود. روحیه آنان را درهم شکست. کودتاجهان فعالیت پارلمان شوروی، فعالیت بوریس یلتسن و برآمدن پایان دهها هزار انسان را متوقف ساخته نتوانستند. حواسی ظهر روز سوم کودتا نهر از شایعات در باره شکست کودتا پر شد. تلویزیون سی. ان. ان که عمده گپوری از شهریان ماسکو ان را دیده می توانند این شایعات را به موقع به اطلاع عامه رساندند. در یک گزارشی گفته شد که یانایف و چکا در حال فرار در میدان هوایی دیده شدند. درست ساعت ۲ بعد از ظهر رادیوی روسیه از توافق رهبری روسیه با نظامی ها در مورد خروج قطعات از شهر اطلاع داد. همزمان فعالیت ها برای فرستادن دیپت جمهور روسیه نزد رئیس جمهور گریباچف که در کرمیاد رجال ستراحت به سر می برد آغاز شد. در رأس هیأت صدراعظم جمهوری روسیه سیلا یف قرار داشت. و از تیم گریباچف بهره صرف در متن از اعضای شورای امنیت شوروی که یکی ان - بهره معروف پریاکوف بود در تلویزیون ظاهر گردید. آنها نیز نازم کرمیابودند.
کودتاجیان در برابر اراده مردم به زانو درآمدند و دموکراسی یکبار دیگر به پیروزی رسید.
قسمت دوم در شماره آینده



چراغی در راه روشنایی



شماری از آفریده های جهاد:

- ۱- کو جهان انوی ژوند رجا پ شده
- ۲- دگلو خولی دجلد اول چاپ شده
- ۳- دگلو خولی دجلد دوم چاپ وارجا پ
- ۴- دلدنو ویشته امید وارچا پ
- ۵- دلدنو داستانونو مجموعو (امیدوارچا پ)
- ۶- دشعرنو وانشرونو مجموعو (امیدوارچا پ)
- ۷- دنوی دنامتو لهکوالو دغوره اوژباړل شوېو داستانونو مجموعو (امیدوارچا پ)
- ۸- ددختنسی - رمان عشقی حساس (چاپ شده)

وده ها زمان داستان آفریده است که شماری از آنها باهنوز - اقبال چاپ نمانده اند . چندین آفریده او جایزه های را کاپی برده اند . که از جمله رمان عشقی حساس (دختنسی) او جایزه اول انجمن نویسندگان افغان - نیستان رانصیب گردید .

جهاد در آفریده های ادبیتر با اندیشه متخیل بلند به حیات عاقلی میردازد . از همین جهت است که خواننده حساس را در محدوده گرمی گهر میکند و تا پایان اثر بیدرد نمیگذارد .

و در رخ و دردی که این نرزانان قلمدار ، با هزاران درخ و همیها ، دامن عمر بر چید و دلی را که سالها از سوختن بردن به تنگ بود ، آرام و بین تیر با خود به خاک برد .

روانش شاد باد !

دانشگاه کابل راه یافت . به سال ۱۳۵۸ در روزنامه هیواد سمت مسمر اقتصادی رایه دوش گرفت . و سپس به مجله جرگه ، از آن جا به مجله سپاهن و آخرسن و ظیفه رسمی اثر دست معاونت خریدم . هنر بود .

جهاد با آن که به درد خانگاه قلبی دچار بود ، اما شکیبایی و همت بلند ، چنان در راهش داشت که هرگز ، نزد هیچکسی لب به شکوه نمیگشود و در درد ، ناگهین حالات خود نهنزدست از قلم و آفرینتر بر نمیگرفت .

این شخصیت بلند همت و - خیر دراز منسای حیات آفرید . نشی فرهنگ خد مدعا مقاله ، سیاس ، اجتماعی و اجتماعی به نشر سیرده است . به همین گنه صد هاشعر ، پارچه های ادبی ، در راه های رادیو سی

... و چنانی دیگر از جراتانان عمر نویی ملند . با زلم دیدار دانه ، امید اناده بی فرو - سریزد و دلغای در تیر هجرت جاودانه ، عزیزی ، التهاب سون و ماتم میگردند . و خشت چندمی دیگر ، از حصاره فرهنگ مان بهله میزدانند ، ترومن آند .

مصطفی جهاد ، نویسنده ، اندیشه مند ، شاعر شکیبای - روزنامه است بر دیار کشور در ماه اسد همین سال ، دیده از تروع هستی بر بست .

مصطفی جهاد به سال ۱۳۳۳ هجری خورشیدی در قره توه خیل ولهالی ده سیزلاست کابل دیده به دیدار هستی آورد . دانشهای نخستین را در مکتب باغ علم بردان آقا زو سپس در - لویه ، حبیبیه به انجام رسانید و از آن جا به دانشکده حقوق

کد شته فرو میخلتند . بعد میهرسد دیگر چیزی که نما نده ؟ میگویم سها سگد را از شما .

هنرمندان تاجیکستان که در آستانه هفتاد و دو مهین سالگرد استقلال افغانستان به منظور اجرا کسرت ها در جشن افغان ها به دعوت اتحادیه جوانان افغانستان تشریف آورد . بودند . پس از اجرای یک سلسله کسرتها دوباره به کشورشان عودت نمودند .

اداره مجله سپاهن از - بصیر باسل مهمان دار اینس گروپ که در قسمت فراهم آوری زمینه مصاحبه با ما همکاری - نمودند ، قلبا تشکر مینماید .

به اتان تعلق دارد . پس از یک لحظه هتیمی به لب می آرد و میهرسد : آیا همین ، همین طورا دامه میدهد یا سوال های تان ختم خواهد شد .

میگویم فقط یک - وال دیگرم را پاسخ دهید و پس .

« اسال کدام آهنگه افغانسی را باز خوانی نمود . امید وچرا ؟ - آهنگهای " اوخدا جان - دلم تنگ است " و " بیچمجان لوگری " را برای مردم دستدا - شتنی افغانستان اجرا میکنم . آن همه به خاطری که از اینس گونه آهنگه ها مردم افغان خاطره های خوشی دارند و با شنیدن این آهنگها باری به

بقیه از صفحه (۲۵)

اوجنداجان

که در سال های قبل موا استقبال میکردند احساسات شان نسبت به آهنگهای بیشتر شده است و چنان برایم کف موز دند که خود را محبوب تر از گذشته احساس کردم .

« ایما از آواز خوانان تازما افغان - نی با آهنگهای تازه شان کسا - نی توجه شما را جلب کرد مانند ؟ بارضایت پاسخ میدهد : - همیشه شنونده آواز فرهاد دریا و وحید صابری ، اعضای ارکستر لاله ها و نواد رامسز خواهم بود . و فکر میکنم کسه آئیده موسیقی کشور افغانستان

تنبور روحم را ارامش میبخشد این ساز یگانه همراز زنده گیم است .

« پیش از عزیمت به افغانستان چه فکر میکردید که در استان افغانی تان از شما چگونو استقبال به عمل خواهند آورد ؟

با حالت از خود راضی این طور ادامه میدهد :

- پیش از آن که به افغانستان بیایم با خود می اندیشیدیم و هراس داشتم که میا دا بسرای علاقه مندان افغان نمیکند چه بهره خسته کنند . شکره باشم ، اما آن طور نشد همان گونه

رستوران محبت



میزبان خوشمزه و شیرین غذاهای غیره می باشد و در رستوران محبت برگزیده
 غذاهای رستوران محبت با محبت و با قیمت مناسب و در شرایط نظیر میوه و غذای خوب
 قیمت مناسب در همه اوقات و در هر روز پذیرای شماست
 پنجشنبه رستوران محبت به روزه در ساعت ۲۰:۱۱-۲۱:۰۰ ظهر
 نماز عصر تا پنجشنبه در وقت عصر به شهرت
 آدرس: جاده یوسف محرابیت تقاطع پل چینی مشهدی ت ۲۵۷۶۶

رهنمایی در خرید
 و فروش خانه
 زمین آپارتمان و موتور

رهنمایی مسابقات

روح الله تقیری



آدرس:

شهر نوح چارراهی حاجی یعقوب
 متصل مسجد جامع شیرپور
 تلفون ۳۲۵۲۹

آریانا مارکیت

تازه به فعالیت آغاز نموده

آریانا مارکیت که تازه به فعالیت تجارتي آغاز نموده، اجناس از قبیل لوازم منزل و



لوازم آرایش، لباس، مردانه، زنانه، طفلانه، ظروف بکلی

تلویزیون و غیره اجناس را بطور عمده و پرچون برای مشتریان

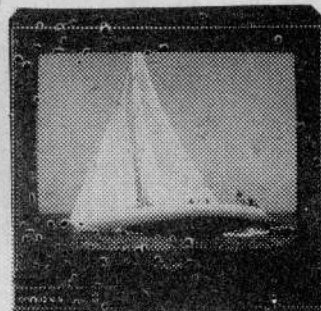
محترم عرضه می‌دارد.

آدرس: ایستگا و افغانان تعمیر سابقه افغان اعلانی

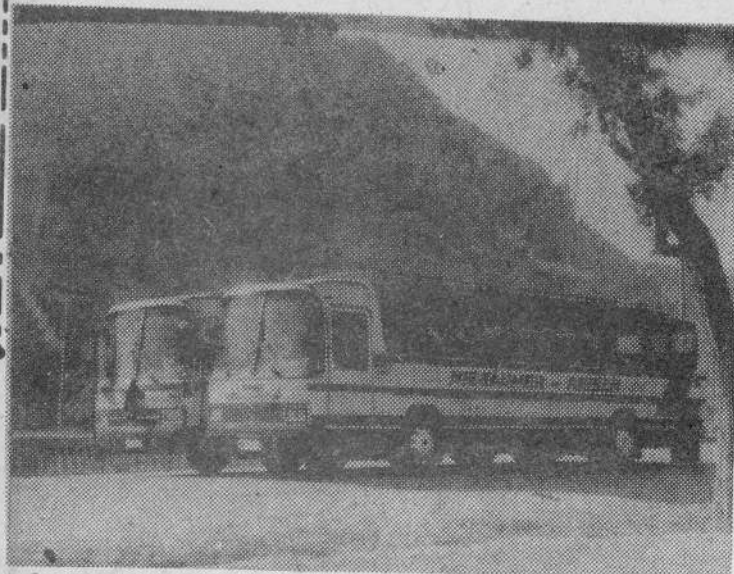
فروشگاه فلیس دیلایت



فروشگاه دیلایت شیک ترین اجناس
رلاز شهر ترین کمپنی مار جهانگ تان ولرد
نموده و بلا مشترک باغ عرضه می‌دارد.



تلویزیون مار زین فلیس اتوماتیک ریوت کنترل دلار سایز مار مختلف با یک سال
گارانتی، ویدئو کست شارپ جاپان مدل VC-M730E اتوماتیک دلار مثبت کار، سیستم
ریوت کنترل دلار، ارقام رادیو کست، اتوماتیک فلیس، با یک سر مینر، تلویزیون مار زین فلیس
۱۱۰۲۰ انچه سیاه سفید سخت اتحد شمدر. آدرس: مقابل شاه ولی کابل محمد جان پناه



اگر قصد سفر دارید
در بسته‌های خیس آرام
و سترجیح ۳۰۳ سفر
کنید .

بازار کت پنج‌سیر بس شمارا
از کابل به پنج‌سیر بستمنگان
دعواتر شریف مع الحیر میرساند
آدرس :
کابل - ساحه د افغانستان پل خشتی

تلفون ۲۱۷۸۴

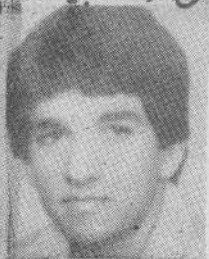
سفر

بازار کت

پنج‌سیر

فروشگاه چشمه

زیباترین مپردی مردانه ، بهترین لوازم آرایش و
عطریات ، مرغوب‌ترین پیراهن های زنانه و مردانه
شیک‌ترین سیلر ها و پلوتونهای مردانه و بچه‌گانه
مقبول‌ترین دریشی های اسپرتی و
کاو بای ، جاکت و دریشی های
پشمی را از مشهورترین کمپنی های



جهان تازه وارد نموده و به قیمت مناسب عرضه
نمیدارد .
آدرس : شهر نو چارراهی طره بازار خان تقبال
افغان کارت

دو سه موسم سال گلبنار
تازان و مهنه عمر بیت کرده
مطلوبه کنید
گلدست عروسی ، خنجر و کلچر نور
همه مطبوعه ذوق خوشما



آدرس : چارراهی طره بازار خان

گلفروشی سنبیل
گلفروشی سال

آریا پامیر لمتد

یک نام بزرگ تولیدی اجناس فلز

با خریداری اجناس فلزی مستحکم و بادوام تولید موسسه تخصصی آریا پامیر لمتد به زیبایی

دقت و دینارل شما مشتری افزایش

اگر میخواهید اتاق های تان را زیبایی خاص بخشید آدرس زیر

یادداشت کنید . فابریکه : عقب باغ پارتیفون ۴۲۷۳۲

فروشگاه : حصه دوم جاده میوند تیفون ۲۴۸۳۷

فروشگاه : سالنگ وات منزل اول آریانا پارت تیفون ۲۳۷۴۷



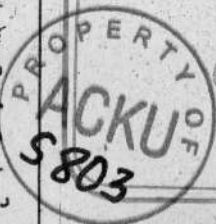
قرطاسیه فروشنده صنایع اقم کتاب و کتبی
انواع قلمی خودکار و دستگیره و صد ها قسم جنس
مورد نیاز طلاب معارف ، مجوسه دول

اخبار هفته ، جوانان امروز و سایر نشریه ها را
به قیمت نازل عرضه میداریم .

آدرس : قرطاسیه فروش صد ف
ایستگاه موتوهای گولای پارس
حصه سوم خیرخانه واقع دماغانا

برای شما دیدن آیم

سروش شما در ماه میزان



۱ میزان - روزیدیه
برای دختران و خانمها که در ماه حمل تولد کرده اند برابم های گذشته شما از این روزه بعد دوباره حاد میگردد تلاش کنید که از هرگونه ساقته دوری جوید .

۲ میزان - روز آرام و خوشی برای آمده ای خواهید بود که در ماه های جوزا سرطان و حوت تولد شده اند روز خوب برای معاملات تجاری تی خواهد بود . علاوه بر آن برای کسانی که در ماه میزان تولد کرده اند روز خوبی برای ازدواج خواهد بود .

۳ میزان - ناراحتی هایی که در ماه تولد شده اند در این روز شدت بی سابقه ای کسب خواهد کرد و خانمها و دخترانی که در ماه سنبله تولد شده اند امروزه روز خوبی برایشان نخواهد بود . در این روزها د کوشش کرد تا جالسو احساساتی شدن خود را بگیرد به خصوص متولدین ماه سنبله خیلی محتاط باشند تا اکنون سعادت تان در این روز از هم نپاشد .

۴ میزان - متولدین ماه های حمل ، جوزا ، دلو و حوت در این روزهای ۱۶ میزان به مسافرت اقدام نه ورزید برای متولدین ماه ثور این روزیک روز خسته و بیسی خواهد بود ، اگر تلاش کنید دوست آزرده شده تان در این روزها شاماشتی خواهد کرد . روز خوبی برای انتخاب همسر زنده کسی برای تولدین ماه ثور خواهد بود .

۵ میزان - برای متولدین ماه های جدی و حوت روزی بسیار جنجال بوده در این روزها تان زیاد میروند تا شمارا در کار تان فیهب دهند و به این کارونستی می شوند . متولدین ماه عقرب بیاد داشته باشند که این روز برای حل و فصل نزاکت.

میزان و دلو روز خوبی خواهد بود . خانمهای متولدین ماه های عقرب و حوت در زمان سیات خانوادگی تان در این روز از حوصله مندی نه استفاده نمایند . روز خوبی برای ازدواج برای متولدین ماه حمل خواهد بود ، اما از انجام معاملات تجاری در این روز صرف نظر کنید و غیران بد شانس انتظار شمارا می کنند .

۶ میزان - روز خوبی برای مردان ، د کوران و نظامیان متولدین ماه میزان خواهد بود . برعکس برای متولدین ماه حوت روز خوبی نیست . جنرالهای فامیلی و بعضا تجارتی و تحصیلی انتظار تان را می کنند . جنرالهای متولدین ماه عقرب از این روز به طرف حل شدن پیش میروند

۷ میزان - متولدین ماه های حمل ، سرطان ، قوس و حوت منتظر شنیدن یک خبر خوشی در این روزها باشید . کوشش کنید تا رسیدن آن را در این روزها از دست ندهید . متولدین ماه های جوزا ، اسد دلو برعکس منتظر شنیدن یک خبر ناگوار باشید ، اما در مقابل آنده کسانی که به برابم های اقتصادی دست و گریبان هستند از این روز به بعد وضع اقتصادی شان بهبود می یابد .

۸ میزان - متولدین ماه های جوزا ، اسد سنبله میزان ، جدی در آخر ماه میزان همه کارها به مراد دل شما پیش خواهد رفت ، بخصوص در مسائل عشقی و مناسبات شما با جانب مقابل . در این روز شانس خوب برای متولدین ماه جدی و دلو در امور رسمی پیدا خواهد شد از آن استغاده . اعضای نماید، متولدین ماه حمل اگر میخواهد کدام معامله تجارتی را در این روز انجام دهد آنرا به فردا بگذارد .

۹ میزان - روزی بسیار خوب خواهد بود . متولدین ماه حوت اگر یک دام جنرالی مواجه شده باشند از این روز به بعد کارها به مراد دل شما پیش خواهد رفت ولی در هر حال از احساساتی شدن بپا خودداری کنید . در ضمن آن شانس خوبی را از دست نخواهید داد .

۱۰ میزان - برابم های شخصی متولدین ماه عقرب و قوس و حوت در این روزها می گردد و این کارالی آخر ماه میزان آسان خواهد یافت . متولدین ماه حمل و سرطان محتاط باشند که جراحت سدی در این روزها انتظار شمارا می کنند .

۱۱ میزان - برای مسافرت متولدین ماه های جوزا ، اسد

های ایجاد شده فامیلی تان نخواهد بود این کار را بگذارید .

۱۲ میزان - روز خوش شانس برای متولدین ماه های سرطان ، اسد ، میزان و حوت خواهد بود . از هر نگاه متولدین روز خوبی برای معاملات تجاری و کاری شما خواهد بود . متولدین ماه حمل کوشش کنند تا در این روزها ازدواج نکنند . متولدین ماه دلو متوجه باشند که با هیچ کس در این روز طرح اشفایی نه بزنند .

۱۳ میزان - متولدین ماه های ثور ، سرطان ، میزان و عقرب منتظر حادثه غیر متوجه در زندگی تان باشند اما از سفر در راه

موتورهای انصاری وات

آه شما هم حفظ کنید، هر وقتیکه در موتور هستید.
 آیا تاکنون شرکت کر ونا جدید مدل ۱۹۹۰ را حاضر کرده اید؟
 و هر نوع بنزها را مدل جدید و موتورهای انصاری وات تازه
 ارائه نموده است.



شما از نمایشگاه این موتورها در چهارراهی انصاری شهرنودین کنید
 و موتورهای لخواه تانرا باریک مورد پسند انتخاب کنید • همچنان موتورهای
 انصاری موتوهای مدل جدید ۱۹۸۶ و ۱۹۹۰ بنز توپو تا و سیکپ های
 مختلف النوع را بید ستور دارد اشخاص و موسسات دولتی میتوانند با شرایط
 سهل موتور مورد ضرورت خویش را دستیاب شوند •

که ستر لا بار دیگر بخاطر داشته باشید
 تلفن ۲۰۵۲ چهارراه انصاری شهرنودین

ACKU
سلسل
DS
350
22 ص
v4 lms

یک چشم بزرگ در فروشگاه بزرگ

معافل خوشی تا نراد در دست
فروشگاه بزرگ افغان بگلزار
نمایند تا خاطره آن همیشه شاد
بماند
وقت را بزرگ کنید

فروشگاه بزرگ افغان

شاید در منزل مختلف فروشگاه بزرگ افغان در ولایت
توسعه کرده اند و شما را در هر وقت خود را بزرگ کنید



**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**